

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲ □ یکصد و ده پرسش و پاسخ درباره نماز

یکصد و ده پرسش و پاسخ

درباره نماز

فهرست پرسش‌ها

مقدمه ناشر..... ۱۱

بخش اول: اسرار نماز

- ۱- هدف از نماز خواندن چیست و چرا باید..... ۱۵
- ۲- چرا در اسلام این همه به نماز سفارش شده است؟ ۱۷
- ۳- چرا بعضی از نمازها را بلند و بعضی‌ها را آهسته می‌خوانیم؟..... ۱۸
- ۴- فلسفه اوقات نماز چیست؟..... ۱۹
- ۵- فلسفه وضو چیست؟..... ۲۱
- ۶- با این که خداوند نیازی به نماز ما ندارد برای چه نماز می‌خوانیم؟ ۲۳
- ۷- فلسفه خواندن نماز به عربی چیست؟..... ۲۴
- ۸- هدف از اذان گفتن چیست؟..... ۲۵
- ۹- فلسفه حجاب زنان در نماز چیست؟ و چرا زنان باید در..... ۲۷
- ۱۰- چرا بسیاری از نمازگزاران مرتکب گناه می‌شوند؟ حال..... ۲۸
- ۱۱- برخی‌ها می‌گویند اگر خداوند مشکلات ما را حل نمی‌کند،..... ۳۱

- ۱۲- برای این که افراد را به نماز خواندن تشویق نماییم، چه کنیم؟ ... ۳۳
- ۱۳- چگونه می‌توانیم با نماز انس بگیریم؟ ۳۷
- ۱۴- موضوع انگشتن دادن حضرت علی(ع) در رکوع تا چه اندازه... ۳۸
- ۱۵- برای رفع بی‌میلی و کسالت در نماز چه کنیم؟ ۴۰
- ۱۶- چه کنیم تا در نماز فقط به یاد خداوند باشیم؟ ۴۱
- ۱۷- نمازهای نافله چه اثری دارند؟ ۴۲
- ۱۸- رفت و آمد و معاشرت با کسانی که نماز نمی‌خوانند... ۴۳
- ۱۹- خداوند مکان ندارد و در جهت خاصی نیست؛ پس چرا باید... ۴۴
- ۲۰- تاریخ قبله چیست؟ دلایل تبدیل قبله از بیت المقدس... ۴۵
- ۲۱- چرا در دعا و قنوت نماز دست‌ها را به سوی آسمان بلند... ۴۷
- ۲۲- فلسفه این همه دقت در احکام شرعی چیست؟ ۴۸
- ۲۳- چرا نماز جمعه و نماز عیدین (عید قربان و فطر)، در زمان... ۴۹
- ۲۴- با این که در زمان حاضر مسافرت‌ها آسان شده است؛ چرا باید... ۵۰
- ۲۵- آیا بهتر نیست نماز را فرادا بخوانیم تا لذت بیشتری ببریم؟ ۵۱
- ۲۶- علل بی‌ رغبتی برخی افراد به نماز چیست؟ ۵۲
- ۲۷- کارکردهای نماز چیست؟ ۵۳
- ۲۸- کسی که نماز می‌خواند ولی دیگران را اذیت می‌کند... ۵۹
- ۲۹- آیا عادلانه است قبولی کلیه اعمال، به نماز وابسته باشد؟ ۶۰
- ۳۰- اقامه نماز یعنی چه؟ ۶۱
- ۳۱- چرا نماز ستون دین است؟ ۶۳

- ۳۲- نمازگزار حقیقی چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۶۴
- ۳۳- چه دعایی در قنوت بخوانیم بهتر است؟ ۶۵
- ۳۴- نماز جعفر طیار، چه موقع و چگونه خوانده می‌شود؟ ۶۸
- ۳۵- مستحبات نماز را بیان نمایید. ۶۸
- ۳۶- دعا‌هایی که هنگام وضو خوانده می‌شود چیست؟ ۷۲
- ۳۷- مراتب حضور قلب در نماز چیست؟ ۷۳
- ۳۸- شرایط قبولی نماز چیست؟ ۷۴
- ۳۹- نشانه قبولی نماز چیست؟ ۷۷
- ۴۰- آیا این مطلب صحت دارد که برخی از ائمه(ع) هر شب هزار... ۷۷
- ۴۱- چرا نمازها اثر لازم را در ما ندارند؟ چه کنیم تا آثار نماز... ۷۹
- ۴۲- نماز شب چه آثاری دارد؟ ۸۳
- ۴۳- اگر کسی نماز نخواند و روزه نگیرد؛ ولی در زندگی... ۸۵
- ۴۴- آیا تأثیر نماز بیشتر در اثر تلقین نیست؟ اگر انسان هر چیزی... ۸۷
- ۴۵- چرا روی خواندن نمازها در اول وقت تاکید می‌شود، چه... ۸۹
- ۴۶- اهمیت و برکات نماز جماعت چیست؟ ۹۲
- ۴۷- کودکان را از چه سنی به نماز ترغیب کنیم؟ ۹۶
- ۴۸- آیا نماز خواندن ما تقلیدی نیست؟ چون پدر و مادر ما را... ۹۹
- ۴۹- فردی که مسلمان است و به خدا اعتقاد دارد، اگر نماز... ۱۰۰
- ۵۰- منظور از این که می‌گویند: نماز انسان را از فحشا و منکر... ۱۰۳
- ۵۱- چرا بدون دانستن فلسفه احکام، باید تقلید کنیم؟ آیا این... ۱۰۵

- ۵۲- مواقعی که حال نماز نیست، چرا باید با حالت کسالت ۱۰۶
- ۵۳- آیا نماز فقط رکوع و سجود ظاهری است؟ یا باید قلبی ۱۰۹
- ۵۴- همواره احساس می‌کنم عباداتم جنبه ریایی دارد و به همین ۱۱۱
- ۵۵- نشانه اخلاص در عبادت چیست؟ ۱۱۲
- ۵۶- نماز در ادیان گذشته به چه شکل بوده است؟ ۱۱۳
- ۵۷- آیا نمی‌شود به جای نماز خدا را در دل بخوانیم؟ ۱۱۴
- ۵۸- آیا خواندن نماز در هر روز و شب، کار تکراری نیست؟ ۱۱۵
- ۵۹- کسانی مدعی مراتب بالای عرفانی هستند؛ ولی نماز ۱۱۹
- ۶۰- چرا نماز - حتی اگر با حضور قلب نخوانیم - باز هم یک ۱۲۰

بخش دوم: احکام نماز

- ۶۱- حکم شرکت زنان در نماز جماعت چیست؟ ۱۲۷
- ۶۲- آیا در زمان حیات والدین می‌شود نماز قضای آنها را خواند؟ ۱۲۸
- ۶۳- آیا قضای نماز باید در همان وقت خودش انجام شود؟ ۱۲۸
- ۶۴- چنانچه چادر بین پیشانی و مهر قرار گیرد، حکم آن چیست؟ ۱۲۸
- ۶۵- آیا نماز اول وقت و به جماعت، مقدم است یا راه اندازی ۱۲۸
- ۶۶- مقداری از نماز و روزه‌هایم قضا شده است؛ برای قضای ۱۲۹
- ۶۷- تکلیف کسانی که تاکنون تقلید نکرده‌اند چیست؟ ۱۳۰
- ۶۸- راه تشخیص مجتهد اعلم چیست؟ ۱۳۰
- ۶۹- در چه مواردی می‌توان به جای وضو و غسل، تیمم کرد؟ ۱۳۱

- ۷۰- آیا در قنوت می‌شود دعای فارسی خواند؟ ۱۳۲
- ۷۱- برای رفع مشکل وسواس چه کنیم؟ ۱۳۲
- ۷۲- طریقه نماز شب را بیان کنید؟ ۱۳۳
- ۷۳- هنگامی که نماز جماعت شروع شده است و ما دیر... ۱۳۴
- ۷۴- آیا صحیح است که کارمندان ادارات در وقت اداری، ۱۳۶
- ۷۵- آیا شیشه حایل محسوب می‌شود؟ ۱۳۷
- ۷۶- نمازها را باید در سه نوبت بخوانیم، یا می‌توانیم در پنج... ۱۳۸
- ۷۷- آیا بدون ذکر نیت نماز صحیح است؟ ۱۳۸
- ۷۸- آیا زن می‌تواند امام جماعت شود؟ ۱۳۸
- ۷۹- چگونه از گناهانی مانند ترک نماز، توبه کنیم؟ توبه چه... ۱۳۹
- ۸۰- در روزهای جمعه، باید نماز جمعه بخوانیم یا نماز ظهر؟ ۱۴۲
- ۸۱- آیا لاک روی ناخن‌ها، اشکالی به نماز می‌رساند؟ ۱۴۲
- ۸۲- آیا نماز خواندن با مانتو درست است؟ ۱۴۳
- ۸۳- اگر مرجع تقلید را در امور دینی بپذیریم؛ ولی از نظر... ۱۴۳
- ۸۴- در محل‌هایی که مصادره شده و در اختیار افراد یا ادارات... ۱۴۴
- ۸۵- آیا با شنیدن نام پیامبر(ص) در نماز باید صلوات بفرستیم؟ ... ۱۴۴
- ۸۶- بیدار کردن بچه‌ها برای نماز چه حکمی دارد؟ آیا پدر و... ۱۴۴
- ۸۷- چرا باید تقلید کنیم؟ چرا باید هر فرد یک مرجع تقلید... ۱۴۴
- ۸۸- چرا آرای مراجع تقلید در احکام دینی(مانند مسائل نماز)... ۱۴۹
- ۸۹- چرا یکی از ویژگی‌های مراجع تقلید، مرد بودن است؟ ۱۵۰

۱۰ □ یکصد و ده پرسش و پاسخ درباره نماز

- ۹۰- پیامبر اکرم به کدام روش (شیعه یا سنی) وضو می‌گرفت..... ۱۵۰
- ۹۱- آیا در زمان پیامبر اکرم (ص) نیز مردم به مهر..... ۱۵۲
- ۹۲- نماز خواندن در مسجد چه فضیلتی دارد؟..... ۱۵۳
- ۹۳- آیا شهادت به ولایت جزء اذان است؟ آیا..... ۱۵۵
- ۹۴- چرا پیامبر (ص) در نماز بر خودش صلوات می‌فرستد؟..... ۱۵۶
- ۹۵- آیا جوهر خودکار یا کرم مانع وضو هستند؟..... ۱۵۷
- ۹۶- در چه مواقعی شکستن نماز جایز است؟..... ۱۵۸
- ۹۷- به نظر من مسائلی که در احکام نماز آورده شده..... ۱۵۸
- ۹۸- خواندن دعاها و هنگام وضو برای چیست و چه..... ۱۶۰
- ۹۹- در نماز می‌دانم که با خدا حرف می‌زنم؛ ولی با کلمات..... ۱۶۳
- ۱۰۰- اگر کسی نمازش را در کودکی به اجبار پدر و مادر..... ۱۶۵
- ۱۰۱- آیا فرزندان در قصد وطن تابع پدر و مادر هستند؟..... ۱۶۵
- ۱۰۲- چرا اذان شیعیان در محتوا و زمان با اهل تسنن فرق دارد؟..... ۱۶۵
- ۱۰۳- نماز آیات چیست و چگونه خوانده می‌شود؟..... ۱۶۷
- ۱۰۴- اگر راهی برای شناخت قبله نباشد، چه باید کرد؟..... ۱۶۸
- ۱۰۵- شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند، کدام است؟..... ۱۶۸
- ۱۰۶- سجده واجب قرآن در کدام است و چه ذکر باید گفت؟..... ۱۶۹
- ۱۰۷- اگر مشخصات امام جماعت را ندانیم آیا نماز است..... ۱۷۰
- ۱۰۸- چرا در نماز جماعت، حمد و سوره نمی‌خوانیم؟..... ۱۷۰
- ۱۰۹- فرق نماز با یوگا چیست؟..... ۱۷۱
- ۱۱۰- اگر کسی به جهت این که امام جمعه را قبول ندارد،..... ۱۷۲

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه ناشر

پرسش و کندوکاو در مسائل مختلف رمز پیشرفت دانش در همه رشته‌ها است. پرسش‌ها در دوران‌های مختلف زندگی بویژه جوانی ذهن جوان را به خود مشغول کرده، او را به تکاپو وامی‌دارد. از همین‌رو وجود مراکزی که به شکل‌های مختلف در دسترس جوانان و نوجوانان باشند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. به همین منظور ستاد اقامه نماز در محدوده وظایف خود، جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوجوانان و جوانان درباره نماز، واحدی را راه‌اندازی کرد و صدها پرسش آنان پاسخ کتبی داد. نوشته حاضر گزیده‌ای از پرسش‌ها و پاسخ‌های نماز است که در دسترس همگان قرار گرفته می‌گیرد. لازم به ذکر است که قبلاً دو دفتر از این مجموعه تحت عنوان

۱۲ □ یکصد و ده پرسش و پاسخ درباره نماز

یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز منتشر شده بود و دفتر سوم آماده چاپ گردید که به جهت بهره‌گیری از سؤالات مهم‌تر، مقرر شد از میان سیصد پرسش و پاسخ موجود، یکصد و ده مورد گزینش شده و در یک دفتر مستقل چاپ و منتشر گردد. در پایان از زحمات حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی که این امر زیر نظر ایشان صورت پذیرفته و آقای رحیم کارگر که ویراستاری این مجموعه را برعهده داشته‌اند و آقای مسعودیان که در تدوین و تنظیم آن همکاری کرده و آقای رفیعی که کار فنی مجموعه را انجام داده‌اند، تقدیر و تشکر می‌شود.

انتشارات ستاد اقامه نماز

بخش اول:

اسرار نماز

بخش اول

۱- هدف از نماز خواندن چیست و چرا باید در زمان‌های خاصی آن را به جا آورد؟

در نماز راز و رمز و اهداف چندی نهفته است و بدون آن که نماز در قالب و زمان خاص انجام شود آن اهداف تأمین نمی‌شود. الف- یاد و ذکر خدا؛ زیرا انسان موجود فراموش‌کاری است. بنابراین هر چند ساعت یک بار، با خواندن نماز، خدای سبحان را یاد کرده و متذکر وجود لایتنای او می‌شود.

ب- وقتی انسان متذکر خدا بود و خدا را مراقب خویش دید، قهراً از انجام گناه و منکرات شرم و حیا می‌کند. بنابراین یکی از اهداف نماز، جلوگیری از فحشا و منکرات است: «ان الصلاة تقي عن الفحشاء

و اینک^۱.

ج - عبودیت و خشوع و خضوع در پیشگاه مقام ربوبیت؛ به طور مؤدب ایستادن، رکوع کردن، جبین بر خاک ساییدن، سجده و نشستن دو زانو و... همه نشانه‌های خضوع است. و این حقی است از سوی خدای سبحان که هر انسانی موظف به ادای آن است. توجّه داشته باشید که همین خشوع و خضوع، به تدریج در روح و جان ما اثر گذاشته و انسان را در برابر سایر افراد متواضع می‌کند. امام علی(ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «خدای سبحان نماز را مقرر داشت تا پیشانی از روی تواضع به خاک مالیده شود» و حضرت فاطمه(س) نیز می‌فرماید: «جعل الله الصلاة تيمها لكم من الكبر؛ خداوند نماز را مقرر داشت تا دامن انسان را از کبر و منیت پاک گرداند».^۲

د- تشکیل جماعت‌ها؛ ویل دورانت می‌نویسد: «بر هیچ انسان منصفی پوشیده نیست که شرکت مسلمانان در نمازهای جماعت روزانه، چه اثر خوبی در وحدت و تشکّل آنها دارد. با کمی دقت می‌توان دریافت که در سایه همین جماعت‌ها و جمعه‌ها است که انسجام و اتحادی در اقشار مختلف ایجاد می‌شود و در سایه آن برکات و ارزش‌هایی وجود دارد. از کارهای عمرانی یک منطقه گرفته تا راه حل سایر مشکلات افراد و جامعه».

ه- شادابی روح انسان؛ نماز در ساخت روح انسان، همان نقشی را

۱. سورة عنكبوت، آیه ۴۵.

۲. بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳.

ایفا می‌کند که نرمش و ورزش در ساخت جسم انسان ایفا می‌نماید. اگر کسی ورزش را برای مدت طولانی ترک کند، کم‌کم بدنش دچار یک نوع سستی و کسالت می‌شود و چه بسا سلامت خود را از دست بدهد.

بنابراین انسان باید روزانه یا حداقل هفته‌ای چند ساعت، به راهپیمایی و ورزش بپردازد تا به تدریج جسم را سالم و شاداب سازد. روح انسان نیز چنین نیازی دارد، باید هر روز این نیایش و سرود مذهبی و اسلامی تکرار گردد تا به تدریج سلامت و شادابی روح انسان در سایه یاد حق احراز گردد.

خلاصه آن که اهداف نماز - که دارای ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است - بدون این که نماز در زمان معین و با نظم خاص انجام شود، تأمین نمی‌گردد.

۲ - چرا در اسلام این همه به نماز سفارش شده است؟

اهمیت نماز در بین همه دستوره‌ای درخشان اسلام، بدین جهت است که:

۱- نماز روح انسان‌ها را به مبدأ هستی بخش مرتبط و متصل می‌کند و با این ارتباط، روح و جان آدمی را زنده، با نشاط و آرام می‌سازد و او را برای انجام سایر تکالیف و وظایف فردی و اجتماعی آماده می‌کند. از این رو می‌توان گفت: نماز موتور محرکه سایر اعمال و

دستورات اسلامی هم هست؛ زیرا کسی که به نماز اهمیت بدهد، به سایر تکالیف هم اهمیت خواهد داد و آنها را با نیت صحیح و خالص به جا آورد.

۲- خواندن نماز علاوه بر آن که انجام یک دستور و یک واجب الهی است، خود مانع از انجام زشتی‌ها، خلاف‌ها و گناهان دیگر است و یک نمازگزار واقعی از فحشا و منکرات به دور است و این خاصیت بازدارندگی نماز است.

۳- نماز، از بعد سیاسی، مسلمین سراسر جهان را هر روز به سمت قبله و مردم هر شهر و روستا را در جماعات مساجد، متحد و منسجم می‌کند و به جمعیت مسلمانان شکوه و عظمت و اقتدار می‌بخشد. و این خاصیت نماز، بدین صورت‌فراگیر و روزانه در هیچ عبادتی دیگر یافت نمی‌شود. البته در مراسم حج، مسلمانان گرد خانه طواف می‌کنند و متحد و منسجم می‌شوند؛ اما حج سالی یک بار و برای افرادی است که استطاعت این سفر را دارند؛ ولی نماز هر روز و برای همه افراد است.

۳- چرا بعضی از نمازها را بلند و بعضی‌ها را آهسته می‌خوانیم؟

یکی از فلسفه‌های عبادت، اظهار خضوع و تسلیم در مقابل امر پروردگار و ایجاد روح عبودیت و بندگی در انسان است؛ چنان که امام سجاده (ع) می‌فرماید: «ای کسی که تخریب عزاً آن اکنون لک عبداً؛ خدایا! همین

افتخارم بس که بنده تو هستم».^۱

گاهی بعضی از دستورات، برای آزمودن و تلقین روح تسلیم و بندگی است. فرمان خدا به حضرت ابراهیم(ع) برای قربانی کردن اسماعیل(ع)، نمونه‌ای از آن است. در دستورهای عبادی و احکام الهی، گاهی هدف تسلیم و پذیرش دستور و تمرین برای جلب رضایت خداوند و اطاعت محض از آفریدگار است و گاهی تمرین برای متابعت از سنت و روش پیامبر(ص) است. بلند خواندن و آهسته خواندن یک نوع تعبد و تسلیم در مقابل دستورات پروردگار و اقتدا به سنت و روش پیامبر اکرم(ص) می‌باشد.

وقتی از امام(ع) سؤال کردند: چرا نماز مغرب و عشا بلند خوانده می‌شود؟ امام(ع) فرمود: چون در وقت مغرب و عشا هوا تاریک است؛ بنابراین قرائت را بلند می‌خوانند که اگر کسی از آن نزدیکی عبور کرد، بداند نماز جماعت برپا است و شرکت کند؛ ولی در نماز ظهر و عصر چنین نیازی نیست.

۴- فلسفه اوقات نماز چیست؟

نماز برای به یاد خدا بودن و دوری از غفلت و پاکیزگی و طهارت جسم و روح انسانها قرار داده شده است و برای آن که حالت «ذکر» و «یاد» دائمی باشد در اوقات مختلف شبانه روز لازم و واجب گردیده

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴۰۲.

است: هنگام طلوع، نماز «صبح»، وسط روز نماز «ظهر و عصر» و شب هنگام، نماز «مغرب و عشا» خوانده می شود تا بندگان با این نمازها در اوقات مختلف همانند کسی که در شبانه روز چندین بار جسم خود را در چشمه زلال شست و شو می دهد و دائماً آن را نظیف و پاکیزه نگه می دارد، روح و روان خود را با مبدأ اعلی ارتباط دهند و از او نور و نیرو بگیرند.

گفتنی است که تجربه نشان داده که اگر مسائل تربیتی، تحت انضباط و شرایط معین قرار نگیرد، عده ای آنها را به دست فراموشی میسپارند و اساس آن به کلی متزلزل می گردد. این گونه مسائل، حتماً باید در اوقات معین و تحت انضباط دقیق قرارگیرد تا هیچ کس عذر و بهانه ای برای ترک آن نداشته باشد؛ به خصوص این که انجام دادن این عبادات در وقت معین - مخصوصاً اگر به صورت دسته جمعی (جماعت) باشد - دارای شکوه و تأثیر و عظمت خاصی خواهد بود که قابل انکار نیست و در حقیقت یک کلاس بزرگ انسان سازی را این وقت شناسی تشکیل می دهد.^۱

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: سر الصلاة، امام خمینی، آداب الصلاة، میرزا جواد ملکی تبریزی.

۵- فلسفه وضو چیست؟

بنده‌ای که آماده‌ی مناجات و راز و نیاز با آفریدگار جهان هستی می‌گردد، باید از هر لحاظ خود را مهیا سازد و با حالت مورد پسند و هیئتی نیکو در محضر او، حاضر شود. بدون طهارت از پلیدی‌های ظاهری و باطنی نمیتوان به دستگاه قدسی آن عزیز راه یافت. حال وضو و طهارت نیز، مقدمه و کلید برای ورود به گلستان سرسبز نماز و مناجات است و در نتیجه آغازی برای ورود به بهشت (الوضوء مفتاح الصلاة والصلاة مفتاح الجنة)^۱.

امام هشتم (ع) در باره فلسفه و اسرار «وضو» می‌فرماید:

۱- وضو، یک ادب در برابر خداوند است تا بنده هنگام نماز، وقتی در برابر او میایستد پاک باشد.

۲- همچنین از آلودگی‌ها و پلیدی‌ها، پاکیزه شود.

۳- به علاوه [فایده] وضو، از بین رفتن کسالت و طرد خواب آلودگی (و ایجاد نشاط) است.

۴- دل و روح را آماده ایستادن در برابر پروردگار می‌سازد.

۵- در وضو شستن صورت و مسح سر و پاها واجب است؛ زیرا این‌ها عضوهایی است که در نماز به کار گرفته می‌شوند...^۲

علاوه بر این می‌توان به فلسفه و حکمت‌های زیر نیز اشاره کرد:
الف - وضو به معنای نظافت، شست و شو و پاکیزگی است. ما

۱. نهج الفصاحه، ح ۱۵۸۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۵۷.

قسمت‌هایی از بدن را - که معمولاً بیرون است - پاکیزه می‌کنیم. صورت بیرون است و زودتر کثیف می‌شود؛ دست معمولاً تا آرنج بیرون است و در مواقع معمولی بیشتر کثیف می‌شود؛ بعد هم قسمتی از جلو سر و روی پا که بیرون است همه را تمیز می‌کنیم. البته پاکیزه کردن را باید برای خدا و اطاعت از دستور او انجام داد. آمادگی جسم و روان است وضو

مفتاح در باغ جنان است وضو
با آب حیات عشق، دل را شویند

آئینه پاکی جهان است وضو
ب - شهید بهشتی (ره) در باره فلسفه وضو افزوده است: «وضو، شست و شو کردن و آنگه به مسجد و محل نماز خرامیدن است. یک قدم به سمت پاکی معنوی بر داشتن است. لذا، اگر کسی همین حالا نیز به حمام رفته باشد، باید برای خدا وضو بگیرد تا یک قدم به خلوص و خدایی بودن نزدیک‌تر شده باشد»^۱

ج - وضو؛ به عنوان مقدمه نماز نه تنها موجب تطهیر جسم از آلودگی‌ها می‌شود؛ بلکه تطهیر روح را در بر می‌گیرد. با وضو مؤمن احساس می‌کند، جسم و روحش از آلودگی گناهان و لغزش‌ها پاک شده است.

این احساس پاکی و طهارت جسمی و روحی، انسان را برای

۱. سرود یکتاپرستی، ص ۲۰.

ارتباط معنوی با خدا و ورود به حالت آرام سازی جسمی و روحی در نماز آماده می سازد.^۱

۶- با این که خداوند نیازی به نماز ما ندارد برای چه نماز می خوانیم؟

خداوند بی نیاز و غنی است و نیازی به عبادت و نماز ما ندارد اما خداوند رحیم و حکیم نماز را برای بهره مندی انسان ها قرار داده است؛ زیرا:

۱- ما انسان ها فقیر و محتاج هستیم و باید با ارتباط با خدای بی نیاز و مبدأ قدرت و کمال نیاز خود را برطرف کنیم؛ چنانچه لامپ ها با ارتباط با منبع انرژی، نور می گیرند و نورافشانی می کنند.

۲- غفلت و فراموشی یاد خدا، موجب انحراف ما در مسیر زندگی دنیا و ارتکاب زشتی ها می شود و «نماز» مانع این غفلت و آن زشتی ها است. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَقِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْيَهْنَكِ».

به همین دلیل حضرت علی (ع) فرموده اند: «ذکر الله رأس مال كل مؤمن وربحه السلامة من الشيطان؛ یاد خدا سرمایه هر مؤمنی است و سود آن سلامت از شیطان است.»^۲

پس نماز یک وسیله دفاعی و یک مبارزه عملی با دشمن نفس و شیطانی است.

۳- و بالاخره روح و روان آدمی که فطرتی الهی دارد با نماز و یاد

۱. قرآن و روان شناسی، ص ۳۵۷. ۲. غررالحکم، ح ۳۶۲۱.

خدا آرام، می‌گیرد و در پرتو این اطمینان و آرامش، زندگی با نشاط و سرور و آرامش خواهد داشت. «الا بذكر الله تطمئن القلوب»^۱.
 آنگاه کسی که نماز نخواند، در دنیا و آخرت خسارت «غفلت» و «بی‌توجهی» خود را خواهد دید. در دنیا قلب پر اضطراب و ناآرام، و خدای ناکرده ارتکاب زشتی‌ها، و در آخرت جزای این اعمال و آن نسیان یاد خدا.

۷- فلسفه خواندن نماز به عربی چیست؟

الف- شاید بتوان گفت به عربی خواندن نماز، بیانگر روح اتحاد در میان جوامع مسلمانان است. هر مسلمانی در هر جای عالم باشد به سوی یک قبله و با یک طریق و یک زبان با معبود خویش به راز و نیاز می‌پردازد و در هر دیار و کشوری که انسان مسلمان وارد شود - هر چند زبان‌ها متفاوت است - اما در هر مسجدی که قدم بگذارد، شیوه نیایش با خدای سبحان یکی است و این خود بهترین نوع اتحاد و همدلی را پدید می‌آورد.

ب- عبارات نماز، ظاهری و باطنی و آهنگی دارد که با ترجمه نماز فقط به معنای ظاهری نماز اکتفا نموده‌ایم.
 علاوه بر آنکه آشنایی با نماز و معنای بلند عبارات آن کار آسانی است که فرد مسلمان باید به آن اهمیت بیشتری بدهد.

۱. سوره رعد، آیه ۲۸.

۸- هدف از اذان گفتن چیست؟

اذان، این سروش غیبی و این ندای آسمانی، یک اعلان عمومی و معنوی جهت آمادگی برای نماز و انجام فریضه بزرگ الهی است. اذان ارزش و جایگاه والایی در شریعت محمدی (ص) دارد. اذان دعوت به سوی عبادت و بندگی خدا است و مؤذن با آهنگ رسا و روح بخش، امت اسلام را به نماز و مناجات فرا می خواند. امام رضا (ع) در باره فلسفه و حکمت اذان می فرماید:

۱- آن کس را که فراموش کار است، یاد آور باشد و آن کس را که غافل است متنبه سازد.

۲- فهماندن وقت نماز، برای کسی که اشتغال دارد. (مشغول به کار است)

۳- دعوت مردم به پرستش خالق و ترغیب در آن است.

۴- اذان گو، اقرار به توحید دارد و ایمان را آشکار می سازد و اسلام را اعلان می کند و آن کس را که فراموش کرده یادآوری می نماید.^۱

علاوه بر مطالب بالا، در باره فلسفه اذان، می توان به موارد زیر هم اشاره کرد:

الف- اذان و اقامه، توجه و آمادگی برای نمازگزار است و در اثنای آن، زمینه و استعداد پیدا می شود که انسان، با ادب بیشتر، خشوع فزون تر و عرفان عمیق تر در پیشگاه حضرت حق قرار گرفته و با معبود

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۹.

و محبوب حقیقی خویشتن سخن بگوید و دمساز گردد.

گل نغمه زیبای خدایی است اذان

پروانه باغ دلگشایی است اذان

محبوب تمام حق پرستان زمین

پیغام رسان روشنایی است اذان

ب - اذان موجب صفای باطن و شادی و نشاط روح است.

پیامبر(ص) هنگام فرا رسیدن وقت نماز، به بلال میفرمود: «ای بلال!

اذان بگو و ما را با آن شادمان ساز (ارحنا یا بلال)»

ج - زمانی که صدای نیکوی اذان، فضا را معطر می سازد و به نماز

گزاران مژده می دهد که هنگام سخن گفتن با خدا فرا رسیده است.

پس آنان آماده نماز می شوند و به سوی مساجد و نمازخانه ها

حرکت می کنند رسول خدا(ص) فرمود: «هرگاه مؤذن بگوید: الله

اکبر، خداوند می فرماید: ای امت محمد مہیای نماز شوید و شغل

دنیا را ترک کنید»^۱.

د - قبل از اسلام مسیحیان با ناقوس، یهودیان با دمیدن در بوق ها،

آتش پرستان با روشن کردن آتش مردم را به عبادت دعوت می کردند؛

ولی اسلام آمد و به جای این ها اذان را انتخاب کرد که در آن مردم با

کلمات خوب و دلنشینی به مسجدها فرا خوانده می شوند و از طرفی

با شنیدن و گفتن نام خدا، پیامبر و... آماده نماز خواندن می گردند.

هـ. اذان آدمی را به یاد خدا می‌اندازد و با بزرگی و عظمت او آشنا می‌سازد؛ با گفتن «الله اکبر» به بزرگی، جلالت شأن، عظمت و توانایی خدا اعتراف می‌کنیم و با بیان «لا اله الا الله»، به یگانگی و بی‌شریکی او شهادت می‌دهیم.

۹ - فلسفه حجاب زنان در نماز چیست؟ و چرا زنان باید در نماز پوشش داشته باشند؟

حجاب و پوشش بانوان در نماز، علل و فلسفه‌های متعددی دارد؛ از جمله:

الف - این خود نوعی تمرین مستمر و همه روزه برای حفظ حجاب می‌باشد و یکی از عواملی است که در پاسداشت دائمی پوشش اسلامی زن و جلوگیری از آسیب‌پذیری آن، نقش مهمی ایفا می‌کند.

ب - وجود پوشش برای تمام بدن و داشتن پوششی مخصوص برای نماز، توجه و حضور قلب انسان را بیشتر می‌کند و از التفات ذهن به تجملات و چیزهای رنگارنگ می‌کاهد و ارزش نماز را صد چندان می‌کند.

ج - داشتن پوشش کامل در پیشگاه خداوند، نوعی ادب و احترام به ساحت قدس ربوبی است. از این رو برای مرد نیز دربر داشتن عبا و پوشاندن سر در نماز، مستحب است.

افزون بر آن، حکم پوشش در نماز، با حفظ حجاب در برابر نامحرم تفاوت‌هایی دارد و با آن قابل مقایسه نیست؛ مثلاً پوشاندن روی پا در برابر نامحرم واجب است؛ ولی در نماز - بدون حضور نامحرم - واجب نیست.

۱۰ - چرا بسیاری از نمازگزاران مرتکب گناه می‌شوند؟ حال آن که قرآن فرموده: نماز انسان را از کارهای زشت باز می‌دارد.

بازدارندگی از گناه جزئی از طبیعت نماز است. نمازی که نمازگزار را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده از گناه؛ یعنی، مبدأ و معاد می‌اندازد، باید دارای خاصیت بازداری از فحشا و منکر باشد. نماز، صفتی در روح انسان ایجاد می‌کند که به مثابه یک پلیس درونی است و همراهش را از منکرات منع می‌کند و در نتیجه روحش را از ناپاکی گناهان و آلودگی‌های ناشی از آنها دور نگه می‌دارد. چون وقتی انسان در محضر خدا حضور می‌یابد و او را از همه چیز و همه کس بالاتر و بزرگتر از حد وصف می‌پرستد و از او کمک می‌جوید و راه راست را از او می‌خواهد و بیزاری خود را از راه غضب شدگان حضرت کردگار و گمراهان بروز می‌دهد، بی تردید حرکتی در قلب و روحش به سوی پاکی و تقوا پدید می‌آید. شخص نمازگزار در شبانه روز حداقل پنج بار قامتش را برای خدا خم می‌کند و پیشانیش را در مقابل عظمت خالقش بر خاک می‌ساید و بر یگانگی و رسالت

رسولش مهر تأیید میزنند و علاوه بر این‌ها پیش از هر نمازی خود را می‌شوید و پاک می‌سازد و از پلیدی نجاست و حرام دور می‌کند. چنین امور و حالاتی، طبیعتاً موجبی از معنویت در او پدید می‌آورد و خس و خاشاک گناه و هوس و پوچی و بیهودگی را از وجودش دور می‌کند؛ زیرا هر یک از آنها به تنهایی تأثیری بازدارنده در برابر فحشا و منکر دارد. و البته مجموعه آنها که نماز نامیده می‌شود. تاثیر کلی‌تر و قوی‌تر در بازداری از فحشاء و منکر دارد. به عبارت دیگر هر نمازی به اندازه نقص و کمالش، صاحب خود را از فحشاء و منکر منع می‌کند. لیکن نماز هر چند سطحی و ناآگاهانه باشد غیرممکن است که هیچ‌گونه تأثیری در نمازگزار نداشته باشد. آنان که نماز حقیقی نمی‌خوانند و آلوده به گناه هستند؛ اگر همان نماز ناقص و سطحی را نخوانند از آن هم آلوده‌تر خواهند شد. از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده که گفت: به رسول خدا (ص) گفتند: فلان شخص روزها نماز می‌خواند و شب‌ها به سرقت اشتغال می‌ورزد، فرمود:

«إِنَّ صَلَاتَهُ لَتَجِدِعَهُ؛ همانا نمازش او را از آن عمل باز خواهد داشت.»^۱

عالمی گفت: مویز موجب ازدیاد حافظه است. به او گفتند: پس چرا فلانی که مویز بسیار می‌خورد، حافظه‌اش کم است؟

۱. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۹.

عالم گفت: اکنون که مویز می خورد حافظه اش این است؛ اگر مویز نمی خورد چه حافظه ای می داشت؟!۱

نماز در بازداری از گناه اثر دارد. اما کیفیت نماز و اثر پذیری از آن متفاوت است و شاید هوا و هوس های درونی شخص مانع تاثیر نماز می شوند و آن را از اثر می اندازند. نماز او در حد توان خود جلوی دشمن درونی را گرفته است و مانع از فحشا و منکر شده است؛ لیکن نفس اماره اش بسیار قوی بوده است. این نکته نیز مسلم است که نماز با کیفیت و نیرومند مانع از تسلیم او در برابر شیطان نفس خواهد شد. فضیل بن عیاض سرکرده دزدان بود، به کاروان ها و خانه های مردم یورش می برد و کالا و دارایی شان را به سرقت می برد، مردم نه از دست او و دار و دسته اش در امان بودند و نه قادر به منع او بودند. دستگاه حکومتی نیز توان بازداشتن او را نداشت. اما این فضیل به خاطر ایمان مختصری که داشت و نمازش را به جای می آورد. در نهایت همین امر مانع زشت کاری او گردید.

نیمه شبی از دیوار خانه ای بالا رفت تا گناهی دیگر انجام دهد. ناگهان صدایی شنید. چون گوش فرا داد. تلاوت این آیه را از صاحب آن صدا شنید.

«الَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ؛ آیا مؤمنانی را وقت آن نرسیده است که دلهایشان برای خدا فروتن گردد.»^۱

ناگهان به خود آمد و اشکش فرو ریخت، از دیوار فرود آمد و به سمت خانه‌اش روان گردید درحالی که مرتباً می‌گفت: خداوندا! آری وقت آن رسیده است.

اثر بخشی نماز علت تامه برای منع از معصیت شمرده نمی‌شود. تاثیر آن نیز به گونه‌ای نیست که تخلف نپذیرد. ممکن است موانعی، اثر نماز را خنثی کند؛ ولی اگر مانعی جلوی تأثیر آن را نگیرد مسلماً فایده خواهد بخشید. نماز و یاد خدا و موانعی که اثر آن را خنثی می‌کند، مانند دو کفه یک ترازو است؛ اگر کفه نماز سنگین‌تر شود، نماز گزار از گناه باز می‌ماند و اگر کفه موانع سنگین شود، نماز گزار از یاد خدا و حقیقت نماز منصرف و متوجه امور دیگری می‌گردد و چه بسا که مرتکب گناهان گردد.

باید دانست که اگر اشکالی در عدم تأثیر هست، در نمازگزاری است که چنین نمازی را بجا می‌آورد.

۱۱ - برخی‌ها می‌گویند اگر خداوند مشکلات ما را حل نمی‌کند، ما هم نماز نمی‌خوانیم؛ آیا این درست است؟

فرض می‌کنیم که آنچه برخی می‌گویند مطلب صحیحی باشد که اگر خدا مشکل ما را حل نکند ما نماز نمی‌خوانیم؟ حال با توجه به این فرض به مطالب زیر توجه شود:

الف - اگر فقط کسانی که مشکلی ندارند، باید نماز بخوانند، در این

صورت اکثر مردم نباید نماز بخوانند؛ چون هر یک به نحوی مشکلی دارند. اگر یک جوان مشکل ازدواج و خانه دارد، بسیاری از ازدواج کرده‌ها و خانه‌دارها نیز ده‌ها مشکل دارند. حال آیا می‌توان این مبنا را پذیرفت؟

ب - نماز خواندن در برابر حل مشکلات؛ یعنی شاکر بودن در برابر احسان و لطف خداوند. حال می‌پرسیم آیا تاکنون خداوند نعمتی به ما داده که در برابر آن شاکر باشیم؟! آیا نعمت وجود، سلامتی، عقل، حواس، خانواده و... آیا سزاوار نیست که در برابر نعمت‌هایی که به ما داده او را شاکر باشیم تا او نیز نعمتش را بر ما افزون سازد.

ج - آیا احتمال نمی‌دهید که مشکلات فعلی به جهت ناسپاسی‌های گذشته باشد؟! خداوند خود فرموده است: اگر «سپاس‌گزاری کنید، نعمتتان را افزون می‌سازیم».^۱

آنچه گفتیم با توجه به فرض بود، ولی اگر از زاویه کامل‌تری به موضوع نگاه کنیم، خواهیم دید که نماز فلسفه‌ای دارد فراتر از موضوع شکرگزاری و قدردانی نسبت به نعمت‌های خداوند نمازهای روزانه چراغ‌هایی است که در مسیر پر پیچ و خم زندگی روشن می‌شود تا انسان در گردونه‌ها، سختی‌ها و ظلمت‌ها خود را نبازد و در مسیر راستی و درستی حرکت کند؛ ناامید نگردد و بر مشکلات با توکل بر خداوند فائق آید.

۱. سوره ابراهیم، آیه ۷.

۱۲- برای این که افراد را به نماز خواندن تشویق نماییم، چه کنیم؟

تلاش برای آشنا ساختن دیگران با نماز، کاری بس ارزشمند و مورد پسند است. دعوت مردم به آشنایی با خداوند و عبادت او، از برجسته‌ترین و متعالی‌ترین امور است.

برای ترغیب و تشویق به نماز:

یک - در آغاز بایستی زیر بناهای فکری فرد را مورد بررسی قرار داد و در اصلاح آن کوشید.

دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و... اموری است که نتیجه مستقیم بر عمل کرد فرد دارد. پس باید به تقویت و اصلاح این مبانی کوشید.

نماز، عملی است که در مجموعه عقیده توحیدی، دارای معنا و فلسفه است. پس در آغاز بایستی این مجموعه شناخته شود تا نماز جایگاه خود را در ذهن و اندیشه فرد باز یابد.

در بینش توحیدی اسلام و دیگر ادیان الهی، انسان موجودی است که به سوی کمال و لقای پروردگار در حرکت است: «انا لله و انا الیه راجعون؛ از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم».^۱

حال در این مسیر، ابزارهایی به مدد انسان می‌آید، تا او را از فراموش کردن مسیر و هدف باز دارد که از مهم‌ترین آنها «نماز» است: «اقم الصلاة لذكرك؛ نماز را برای یاد من به پا دار».^۲

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۶.

۲. سوره طه، آیه ۱۴.

آدمی بدون نماز راه را گم خواهد کرد. نمازهای پنج گانه، همانند چراغ‌های برق هستند که مسیری طولانی و پر خطر را روشن کرده‌اند تا کسی راه را گم نکند و به بیراهه و سقوط کشانده نشود.

آنچه که موجب می‌گردد برخی از نماز روی گردان باشند و یا نسبت به آن سهل انگاری کنند، ندانستن فلسفه نماز و یا درکی غلط از آن است. برخی چنین می‌پندارند که نماز انسان، نیازی را از خداوند برطرف می‌کند که البته خیالی واهی است. خداوند نیازی به هیچ مخلوقی ندارد. از این رو آنچه که به عنوان عبادات بر آن تأکید شده، جملگی در جهت کمال انسان است. نماز دارای آثار و فلسفه‌های متعدد دیگری نیز هست که به آن اشاره می‌کنیم:

۱- نماز، تقدیر و سپاس‌گزاری از خداوند است.

۲- موجب آرامش انسان است.

۳- موجب یاد خدا است.

۴- نماز زمینه پرهیز از گناه را در انسان فراهم می‌کند.

۵- تأکیدی بر نظافت و سلامتی است.

۶- موجب انضباط و وقت شناسی است.

۷- دارای آثار وحدت بخش اجتماعی است.

دو- بیان فلسفه و اسرار نماز به اندازه فهم هر شخص؛ مثلاً به او گفت که اگر کسی به شما خدمتی هر چند کوچک انجام دهد، از او تشکر می‌کنید و یا اگر کسی شما را به مهمانی دعوت کرد و انواع

غذاها و میوه‌ها و شیرینی‌ها را برای شما فراهم و همه گونه از شما پذیرایی نمود، از او تشکر و قدردانی می‌کنید و اگر بدون این که یک کلمه از او سپاس‌گزاری کنید، از منزل او خارج شوید، همه کسانی که این برخورد را می‌بینند، شما را سرزنش می‌کنند. حال خداوند عالم که همه چیز از او است؛ و نه تنها هستی ما از او است؛ بلکه تمام این نعمت‌های گوناگون را برای ما آفریده است و در سختی‌ها و مریضی‌ها و مشکلات ما را کمک می‌کند و نجات می‌بخشد، همیشه بر سر سفره کرم او مهمان هستیم، تشکر نمی‌خواهد؟ نماز و عبادات ما تشکر بسیار ناچیز از خدای عالم است؛ گرچه او به این تشکر نیاز ندارد و سود آن عاید خود ما می‌شود. به طور کلی از این راه‌ها برای تشویق کودکان و نوجوانان می‌توانید بهره بگیرید:

- ۱- تشویق کودکان و نوجوانان هنگامی که نماز می‌خوانند.
- ۲- تهیه لباس مخصوص و سجاده و تسبیح زیبا و یا برای دختر بچه‌ها مقنعه و چادر مناسب.
- ۳- تشکیل نماز جماعت در منزل یا بردن بچه‌ها به مساجد.
- ۴- نقل قصه‌ها و داستان‌های شیرین در حد فهم آنان از نماز بزرگان و اشعار و احادیث زیبا در این باره.
- ۵- ترک مستحبات در ابتدای کار، طول ندادن نماز و رعایت توانایی کودکان و جوانان.
- ۶- رعایت نظافت محل نماز و بردن آنها در مساجدی که نظیف

است و جلب توجه می‌کند.

۷- خود مربیان به نماز اهمیت بدهند و در اول وقت آمادگی خود را نشان دهند.

۸- بیان عظمت نماز و این که از هر کاری اهمیت آن بیشتر است.

۹- آنها را از مصاحبت با افراد بی‌نماز و یا آنانی که به نماز اهمیت نمی‌دهند، دور نگاه داشتن.

۱۰- این کارها باید به وسیله مربیان از ابتدای سنین جوانی شروع شود؛ به طوری که کودک و نوجوان از آغاز به نماز عادت کند. در روایات اسلامی آمده است: کودکان را از سن هفت سالگی و قبل از رسیدن به سن بلوغ به نماز و عبادات وادار کنید تا وقتی به سن جوانی و بلوغ می‌رسند، انجام آن برایشان سخت نباشد.

۱۱- فراهم کردن فیلم‌های نمایشی درباره نماز و کتاب‌هایی که در مورد نماز است.

سه - عشق و علاقه به اهل بیت(ع)، یکی از راه‌های جلب انسان به عبادت و نماز است:

اصولاً نماز از ضروریات بوده و از آن به عنوان عمود دین یاد می‌شود (الصلاة عمود الدین). از همین رو امام باقر(ع) می‌فرماید: «اول ما یحاسب به العبد الصلاة فان قبلت قبل ماسواها؛ در قیامت اولین چیزی که از انسان محاسبه می‌شود، نماز است، که اگر مورد قبول قرار گرفت،

دیگر اعمال نیک انسان نیز مورد پذیرش قرار خواهد گرفت.^۱

حال کسی که به ائمه هدی (ع) عشق می ورزد، شایسته است به جلوه های رفتاری آن بزرگواران توجه نموده و از آنان الهام گیرد. امام علی (ع) به قدری به نماز مقید بودند که حتی در جنگ صفین شور نماز در دلش موج می زد و مراقب وقت زوال بودند. امام حسین (ع) حتی در ظهر عاشورا مترصد نماز اول وقت بود و... به طور کلی سیره ائمه هدی (ع) نشانگر شدت مراقبت آن عزیزان به نماز است. آنان همین روش را به یاران و صحابه خویش توصیه کرده اند. هنگامی که امیرمؤمنان مالک اشتر را به عنوان استاندار مصر اعزام فرمود، به وی توصیه کرد: «واجعل لنفسک فیما بینک و بما الله تعاف افضل تلک ابواقیت واجزل تلک الاقسام؛ بهترین وقت خویش را به نماز و خلوت با خدا اختصاص ده».^۲

۱۳ - چگونه می توانیم با نماز انس بگیریم؟

به نظر می رسد ما وقتی با نماز انس می گیریم که نخواهیم فقط وقت نماز بنده خدا باشیم و در سایر اوقات برده هوا و هوس و دنیا، اگر در اوقات دیگر شبانه روز هم در ارتباط با خدا بودیم و در فضای عبودیت خدا نفس کشیدیم و گام برداشتیم، با نماز هم سنخ و مانوس خواهیم بود؛ چراکه در اوقات دیگر هم مشغول عبادت و ارتباط با

۱. بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۶۷. ۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

خدا به وسیله انجام دادن واجبات و ترک محرمات و پرهیز از غفلت‌ها هستیم و آنها هم خود نوعینماز است. دراین صورت انس بانماز حاصل می‌شود.

۱۴ - موضوع انگشتر دادن حضرت علی(ع) در رکوع تا چه اندازه صحت دارد و آن حضرت چگونه یکبار در رکوع به فقیر انگشتر می‌دهد و زمانی در حال نماز از پایش تیر خارج می‌کنند و ایشان متوجه نمی‌شوند؟

داستان اعطای انگشتر به فقیر در رکوع و نزول آیه ۵۵ سوره «مائده» در شأن حضرت علی(ع) را عده زیادی از اصحاب پیامبر(ص) نقل کرده‌اند؛ از جمله: ابن عباس، عمار یاسر، عبدالله بن سلام، انس بن مالک، جابر بن عبدالله و ابوذر غفاری. در کتاب «غایة المرام» ۲۴ حدیث در این باره از کتاب‌های اهل سنت ذکر گردیده است.^۱

بنابراین، این حدیث از جمله احادیث متواتر است که هیچ تردیدی در آن نیست؛ اما این که چگونه امام علی(ع) زمانی در نماز، انگشتر به فقیر می‌دهد و زمانی نیز تیر از پای حضرت در نماز بیرون

۱. منابعی که این حدیث در آن ذکر شده، عبارت است از: محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۸۸؛ قاضی شوکانی، فتح‌الغدير، ص ۵۰؛ جامع‌الاصول، ج ۹، ص ۴۷۸؛ اسباب‌النزول واحدی، ص ۱۴۸؛ لباب‌النقول سیوطی، ص ۱۰۵؛ تفسیر طبری، ص ۱۶۵؛ تفسیر فخر رازی، ج ۳، ص ۴۳۱؛ تفسیر درالمنثور، ج ۲، ص ۳۹۳؛ کنز‌العمال، ج ۶، ص ۳۹۱.

می‌کشند؟ باید توجه داشت که حالات انسان همواره یکسان نیست؛ یعنی، نمیتوان چنین ادعایی کرد که حضرت علی(ع) در تمام نمازهای خود حالتی داشتند که هیچ توجهی به اطراف و یا بدن خود نداشته‌اند. بنابراین اشکالی ندارد که در نمازی توجه به اطراف داشته باشند و به فقیر انگشتر بدهند و در نمازی نیز آن چنان غرق در عبادت باشند که تیر از پایش بیرون بکشند و متوجه نشوند.

بنابراین شرایط مختلف زمانی و مکانی و روحی فرد در هر زمان اقتضایی دارد؛ چنان‌که پیامبر خدا(ص) نیز گاهی در نماز متوجه اطراف بودند؛ مثلاً روزی پیامبر(ص) در حین نماز متوجه شدند که دیوار گلی مسجد آلوده به اخلاط سینه است، حضرت در حین نماز چند قدم به جلو رفته و با چوبی آلودگی را از مسجد دور ساختند.^۱ در ضمن، باید توجه داشت که میان «خارج کردن پیکان از بدن» و «بخشیدن انگشتر به فقیر» تفاوت بسیاری است؛ زیرا خارج کردن پیکان از بدن صرفاً جنبه شخصی و جسمی دارد و از مقام توجه کامل به خداوند و استغراق در ذات او دور است؛ ولی توجه به حال بنده فقیر و محرومی که در مسجد پیغمبر اسلام(ص) نالهٔ مظلومانه سرداده و تقاضای کمک می‌کند، یک عمل خدایی است و با توجه به خدا تناسب دارد. در حقیقت حضرت در آن حال توجه به خود نداشت؛ زیرا توجه به حال بینوا توجه به خود نیست؛ بلکه توجه به

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۱.

خدا است!

به عبارت دیگر: کمک به خلق خدا و مستمندان و فقیران، خود یکی از عبادات بزرگ است و با نماز - که آن هم عبادتی است بس بزرگ - سنخیت کامل دارد. بنابراین جای تعجب نیست که ناله سوزان و نافذ آن فقیر محروم و استرحام او در برابر مسلمانان، دل آگاه امام علی(ع) را هنگام نماز متوجه خود سازد و در ضمن آن عبادت، عبادت دیگری که هر دو برای خدا و جلب خشنودی او بوده است انجام دهد. حتی این عمل به قدری شایسته و ارزنده بود که آیه‌ای درباره آن نازل گردید.^۱

۱۵- برای رفع بی میلی و کسالت در نماز چه کنیم؟

- ۱- با نشاط وضو گرفتن.
- ۲- گزینش مکان مناسب.
- ۳- اکتفا نمودن به واجبات نماز.
- ۴- خواندن نماز به جماعت و در مسجد.
- ۵- دقت در کسب مال حلال.
- ۶- عدم توجه به پیرامون و اطرافیان.
- ۷- مطالعه درباره کیفیت نمازهای اهل بیت(ع) و اولیای خدا.

۱. سوره مائده، آیه ۵۵.

۱۶- چه کنیم تا در نماز فقط به یاد خداوند باشیم؟

برای یافتن حضور قلب در نماز رعایت چند نکته ضروری است:

- ۱- همواره نمازها را اول وقت خواندن.
- ۲- مکان نماز خالی از صداها و اشیایی باشد که موجب جلب توجه است.
- ۳- تا جایی که ممکن است در مساجد و به جماعت نماز خواندن.
- ۴- پیش از نماز زمینه‌های روحی توجه به معبود را در خود فراهم ساختن (از طریق خواندن دعا‌های هنگام وضو، اذان، اقامه و دیگر مستحبات قبل از نماز).
- ۵- مهمتر از همه بیرون راندن حب دنیا از نفس و دل را مملو از عشق الهی ساختن است؛ زیرا خیال و اندیشه انسان همواره متوجه چیزی است که بدان دلبستگی دارد، چنان که عاشق در همه حال به یاد معشوق است. پس انسان دوستدار دنیا، همیشه حتی در نماز ذهنش متوجه مسائل دنیوی است و آن که جانش لبریز از عشق خدا است در امور دنیوی نیز هیچ گاه فارغ از یاد او نمی‌شود و به عبارتی همواره در نماز است.
- ۶- نکته دیگر آن که قوه خیال انسان چون چکاوکی است که اگر با زحمت مداوم تربیت نشود، هر آن از شاخی بر شاخ دیگر می‌جهد و قرار و آرامی ندارد. از این رو انسان باید ابتدا بکوشد که در نماز از آن مواظبت نموده و آن را به یاد خدا نگه دارد و هرگاه متوجه شد که از

یاد خدا غافل گردیده، بلافاصله آن را به جایگاه اصلی برگرداند. چنانچه مدتی بر این عمل مداومت کند طایر خیال رام و مطیع گشته و حضور دل و توجه به سوی خدا ملکه آن خواهد گشت.

۷- دانستن معانی عبارات نمازها، دعا و مطالعه در احوال معاد

و...

۸- مطالعه پیرامون احوال اولیا در نماز بسیار مناسب است و توصیه می شود کتاب «آداب الصلوه» یا «پرواز در ملکوت» امام خمینی (ره) را مطالعه فرمایید.

۹- خودداری از نگاه و توجه به چیزهای جلب کننده حواس. بهتر است در حال قیام به مهر در حالت تشهد به دامن و در رکوع به پاها نگاه شود.

۱۰- سعی کنید اذکار و قرائات نماز را با طمأنینه و با تدبیر در محتوای آنها بخوانید.

۱۷- نمازهای نافله چه اثری دارند؟

در روایت های پیشوایان دین تأکید بسیاری بر انجام دادن نافله ها شده است؛ زیرا آنها کاستی و نقصان باطنی نمازهای واجب روزانه را جبران می کنند.

اثر کلی نوافل قرب به خدا و توجه و تذکر بیشتر و طبعاً پاکی و دوری از گناه و غفلت است. در حدیث قدسی معروفی به نام «قرب

النوافل» آمده که خداوند فرمود: «بنده با نوافل به من نزدیک می شود تا جایی که من چشم او می شوم که با او می بیند و گوش او می شوم که با او می شنود و دست او می شوم که با او کار انجام می دهد؛ یعنی، چشم و گوش و دست الهی پیدا می کند».^۱

در خصوص نماز شب آیات و روایات آثار زیادی را ذکر کرده اند؛ مثلاً: «مقام محمود و پسندیده در دنیا و آخرت اثر نماز شب شمرده شده، همچنین نوافل موجب جبران نقص در فرائض می گردد».

۱۸- رفت و آمد و معاشرت با کسانی که نماز نمی خوانند چه حکمی دارد؟

چنانچه می دانید یا احتمال می دهید که ارتباط و رفت و آمد با این افراد می تواند آثار مثبتی داشته باشد و شما می توانید با گفتار یا رفتار خود آنها را با فرهنگ اسلامی آشنا کنید و بر ادای نماز تشویق نمایید، لازم است که رابطه با آنان را ترک نکنید و با رعایت مراحل امر به معروف و نهی از منکر، آنها را ارشاد نمایید. اگر این راه مؤثر واقع نشد، چنانچه قطع ارتباط کارساز است و موجب تنبیه آنها می شود، لازم است از این راه اقدام کنید. ولی اگر هیچ یک از راه ها تأثیر نکرد، دیگر برعهده شما چیزی نیست و اگر می ترسید این گونه ارتباطات و رفت و آمدها، تأثیرات منفی در اخلاق و رفتار شما داشته باشد، لازم است که رابطه را قطع کنید.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۲.

۱۹- خداوند مکان ندارد و در جهت خاصی نیست؛ پس چرا باید به سمت قبله نماز بخوانیم؟

بدون تردید خداوند مکان ندارد؛ چون مکان داشتن نشانه نیاز و محدودیت است و خداوند غنی مطلق است و به هیچ چیز و هیچ کس، نیازی ندارد. خداوند، در همه جا و یا همه کس و همه چیز هست: «فَأَيُّهَا تَوَلَّوْا فِثْمَ وَجْهِ اللَّهِ»^۱؛ «به هر جهت روکنید، آنجا روی به خدا است (در برابر خداوند قرار دارید)».

از این مقدمه چنین نتیجه گرفته می شود که «قبله» نیست که خداوند در آن سمت قرار دارد. پس فلسفه قبله، رو کردن به سمت خدا نیست؛ چون خداوند جهت خاصی ندارد. «أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ»^۲؛ «او بر همه چیز احاطه دارد».

بنابراین فلسفه تغییر قبله را باید در جای دیگر جست وجو کرد. خداوند جهت ندارد؛ ولی ما انسان ها در زندگی و حیات مادی و معنوی خود، نیازمند جهت هستیم و قبله، تعیین کننده جهت حرکت مسلمانان در طول تاریخ بوده و هست. اگر فرض کنیم که نماز بدون قبله بود، چه اتفاقی می افتاد؟ هر کس به سمتی نماز می خواند و همین امر موجب می شد تا عده ای، جهتی را ترجیح بدهند و دیگران را نیز به آن دعوت کنند؛ مثلاً عده ای به مشرق، برخی به مغرب، گروهی به شمال، برخی به جنوب و... این موضوع خود عاملی برای

۱. سوره بقره، آیه ۱۱۵.

۲. سوره فصلت، آیه ۵۴.

تفرقه و نزاع و درگیری می شد؛ حال آنکه اکنون نماز صفوف را متحد و یکپارچه می کند. علاوه بر این می توان فلسفه قبله را در موارد زیر دسته بندی کرد:

- ۱ - توجه به خانه توحید و به نداگر یکتاپرستی حضرت ابراهیم(ع).
- ۲ - توجه به زادگاه و خاستگاه دعوت توحیدی پیامبر(ص).
- ۳ - توجه دادن به اولین بنا و معبد روی زمین.
- ۴ - وحدت بخشی به صفوف مسلمانان.
- ۵ - ایجاد روح جامعه پذیری و الفت در بین مسلمانان و جوامع اسلامی.
- ۶ - ایجاد هویت مستقل فرهنگی در جامعه اسلامی.

۲۰ - تاریخ قبله چیست؟ دلایل تبدیل قبله از بیت المقدس به کعبه کدام است؟

سال ها قبله مسلمانان، بیت المقدس بود. کعبه در آن زمان به صورت بتخانه در آمده بود و مصلحت نبود که اسلام آن را قبله عبادت قرار دهد؛ ولی پس از هجرت، شرایطی پیش آمد که قبله مسلمانان از بیت المقدس، به مسجد الحرام تغییر یافت. یکی از علل آن زخم زبان هایی بود که یهودیان به مسلمین می زدند و می گفتند: شما خودتان قبله ندارید و به سوی قبله ما نماز می خوانید! رسول

خدا(ص) از این موضوع ناراحت بود و انتظار گشایشی را از سوی خدا می کشید، تا آن گاه که آیات قرآن نازل شد و دستور آمد که هر کجا هستید، رو به مسجد الحرام بایستید و نماز بخوانید. آیات تغییر قبله، در طول تاریخ به مسلمانان این درس را می دهد که مستقل و آزاد باشند و زیر بار منت دیگران - حتی در مسائل عبادی - نروند و شرافتمندانه زندگی کنند.

این فرمان تغییر قبله، به علاوه امتحانی برای مسلمانان بود تا معلوم شود، چه کسانی مطیع و پیرو کامل دستورهای خدا و پیامبراند و چه کسانی بهانه جویی و اعتراض می کنند.

بنابراین مسلمانان باید در عبادت، رو به کعبه کنند؛ حتی در کارهایی همچون خواب و خوراک خوب است به سمت قبله باشند. ذبح حیوانات نیز باید رو به قبله باشد و گرنه گوشت آنها حرام می شود. این جهت گیری در همه امور به سوی کعبه، درس یکتاپرستی، ایمان و به یاد خدا بودن را به مسلمانان می دهد، تا همواره توجه به خانه محبوب و معبود داشته باشند و از غفلت به در آیند. به علاوه این سمت گیری به سوی قبله واحد، نظم و وحدتی شگفت انگیز و زیبا می آفریند و همه مسلمانان در هر جای دنیا، وقت نماز به سوی آن کانون خدایی رو می کنند. اگر کسی از فراز آسمانها به صفوف نماز گزاران کره زمین بنگرد، دایره های متعددی را می بیند که مرکزیت همه آنها، «کعبه» است.

«توحید» نقطه تمرکز فکر، دل، جان و صفوف مسلمین است. از رهگذر توجه به قبله، علم هیئت، جغرافیا و جهت شناسی نیز در میان مسلمانان رشد کرد. آری کعبه، یادگار مبارزات توحیدی حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) و حضرت محمد (ص) است. حضرت مهدی (عج) نیز در قیام جهانی خویش، به کعبه تکیه می‌کند و به اصلاح جهان می‌پردازد. این کعبه است که برای نماز و نیایش، قبله یک مسلمان قرار می‌گیرد.

۲۱- چرا در دعا و قنوت نماز دست‌ها را به سوی آسمان بلند می‌کنیم؟ مگر

خداوند جهت خاصی دارد؟

وقتی انسان در مقابل خداوند خود - که غنی مطلق است - قرار می‌گیرد، باید بهترین شیوه را به کار ببرد. در این صورت دست‌ها را به طرف بالا می‌گیرد و درخواست خود را مطرح می‌کند... اما چرا به طرف بالا؟ مگر خداوند در همه جا حضور ندارد؟ بالا و پایین نسبت به ما است که روی زمین قرار داریم! فرضاً اگر کسی روی کره ماه قرار گیرد، به نظرش می‌رسد که زمین بالای سر او قرار گرفته است. بنا براین بالا و پایین امری نسبی است.

حالت روحی روانی انسان، طوری است که چیزهای نفیس و معنوی را به بالا نسبت می‌دهد و از بالا تقاضا می‌کند و کسانی را که مقام عالی‌تری دارند، بالا دست قرار می‌دهد. سر انسان که محل

درک، شعور، عقل و مرکز فرماندهی بدن است، در بالاترین نقطه قرار دارد. قرآن نیز فرموده است: «رزق شما در آسمان است»^۱.

حضرت علی (ع) در پاسخ همین سؤال فرمودند: «اذا فرغ احدکم من الصلاة فليخفف يديه افه السماء و لينصب في الدعاء، فقال ابن سبا: يا امحطيهؤمنا! أليس الله في كل مكان؟ قال: نعم، قال: فَلِمَ يَرَفَع يديه افه السماء؟ فقال: او ما تقرأ «و في السماء رزقكم و ماتوعدون». فمن اين يطلب الرزق الا من موضع الرزق و موضع الرزق و ما وعد الله السماء»^۲؛ «وقتی از نماز فارغ شدید، دستانتان را به طرف آسمان بالا ببرید و دعا کنید. ابن سبا سؤال کرد: مگر خداوند در همه مکان‌ها نیست؟ حضرت فرمود: درست است. سؤال کرد: پس چرا دستمان را به طرف آسمان بالا ببریم؟ حضرت فرمود: آیا قرآن نخوانده‌اید که فرموده است: «رزق شما و آنچه وعده داده شده‌اید، در آسمان است» پس از کجا باید رزق را طلب کرد؟ باید از موضع و جای رزق و آنچه که خداوند وعده کرده، طلب نمود که آسمان است».

۲۲- فلسفه این همه دقت در احکام شرعی چیست؟

نماز و تمامی شرایط و اجزای آن، دارای فلسفه‌هایی است که خلاصه آن به شرح زیر است:

۱. سورة ذاریات، آیه ۲۲.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۵؛ التهذیب، ج ۲، ص ۳۲۲.

- ۱- تکرار و تلقین به جهت قدرت یافتن فرد بر کنترل خویشتن؛ چرا که دقت فرد در هر عمل، نوعی تمرین برای اعمال دیگر است.
 - ۲- ایجاد نظم و هماهنگی در بین نمازگزاران و ایجاد زمینه‌های نظم و جامعه پذیری.
 - ۳- اگر بنا باشد هر کس در هر عملی به نحو دلخواه عمل کند؛ نه تنها زمینه‌ای برای ارتباط افراد و همسویی آنان فراهم نمی‌گردد؛ بلکه زمینه اختلاف، تفرقه، اعمال سلیقه‌ها و دوری افراد از یکدیگر فراهم می‌آید.
 - ۴- اگر با تمرینات نظامی آشنایی داشته باشید، در می‌یابید که تا چه میزان نظم و دیسیپلین در آن عرصه‌ها، حاکم است و این کار تا چه اندازه در ایجاد روحیه نظم و انضباط در افراد تاثیر دارد.
- دقت‌هایی که در مقدمات، مقارنات، شرایط، آداب و دیگر احکام آن می‌گردد؛ بر کلیه امور زندگی انسان، تأثیرات مثبت و ارزنده‌ای دارد.

۲۳- چرا نماز جمعه و نماز عیدین (عید قربان و فطر)، در زمان غیبت واجب شمرده نشده است؟

برای این که حاکمان جور، در زمان‌های مختلف، کمتر بتوانند از نماز جمعه و عید، برای اهداف و مقاصد خود بهره ببرند و با تظاهر به اسلام و استفاده از احساسات مذهبی مردم، منافع خود را تأمین

کنند، این نمازهای پرجمعیت در زمان غیبت واجب نشده است. اگر به تاریخ مراجعه کنیم، می بینیم که بنی امیه و بنی عباس چگونه به نام اسلام، حتی از اعیاد به نفع حکومت های خود بهره می بردند. از این رو در روایات رسیده از اهل بیت (ع)، وجوب نماز جمعه و عید مقید به زمان حضور معصوم شده است.

۲۴- با این که در زمان حاضر مسافرت ها آسان شده است؛ چرا باید نماز را

شکسته بخوانیم؟

نماز قصر تخفیفی برای مسافر است؛ چرا که شخص مسافر، نوعاً رفتاری هایی دارد که ذهنش به آن مشغول است و بایستی بدان بپردازد. پس سختی سفر و استفاده از فرصت، دو حکمت اصلی کوتاه شدن نماز مسافر است.

ممکن است تصور شود در زمان های گذشته، سفر دارای مشکلات متعددی بود که اکنون از آن خبری نیست (مسافرت پیاده و یا با حیوان)؛ ولی اکنون که وسایل پیشرفته و آسان وجود دارد، دیگر نماز مسافر چه مصلحتی دارد که شکسته باشد؟!

هر چند امروزه وسایل سفر راحت شده؛ ولی در عین حال، فشارهای عصبی و فرصت های محدود، جایگزین آن شده است. برای نمونه شخصی که با هواپیما مسافرت می کند، گرچه با سریع ترین و راحت ترین وسیله به سفر می رود؛ ولی چند دقیقه

تأخیر، می تواند مانع سفر او شود. علاوه بر این که شرایط هر زمان را با مجموع ویژگی های همان عصر باید سنجید؛ نه با اعصار گذشته و آینده. امروز نیز سفر کاری است که با فشارهای عصبی و زحمت همراه است؛ چنان که در گذشته مشکلاتی از نوع دیگر داشته است. بنابراین در زمان حاضر نیز مصلحت برای تخفیف وجود دارد.

۲۵- آیا بهتر نیست نماز را افراد بخوانیم تا لذت بیشتری ببریم؟

نماز یک عبادت تک منظوره نیست؛ بلکه هندسه آن چند ضلعی است و به یک هدف خاصی محدود نمی شود.

اگر هدف نماز، تنها ذکر و معرفت بود، این پیشنهاد کاملاً صحیح بود که با رفتن به کنج عزلت و گوشه نشینی و مراقبت فردی، بیشتر می توان آن حالات معنوی و عرفانی را تحصیل کرد؛ ولی نماز اسلام، نمازی است که دارای بعدی کاملاً اجتماعی است. به همین جهت اصل در نماز، جماعت است و «ضمایر جمع» در سوره حمد، شاهد مدعای ما است. پس بایستی با نماز در جامعه، حرکت کرد و هنر این است که آدمی، به گونه ای باشد که در عین اشتغالات گوناگون، از ذکر خداوند غافل نگردد و همواره او را حاضر و ناظر ببیند و در حقیقت در همه احوال، مشغول به نماز باشد.

نماز اسلام، نماز ناهی از منکر و عمود برپایی خیمه دین است و چنین عبادتی، با گوشه گیری تحقق نمی یابد.

به گفته یکی از بزرگان دانش، «نماز فرادا» همانند آن است که هر شخصی در اتاق خود، چراغی داشته باشد که اگر خاموش شود از نور بی بهره خواهد بود؛ ولی «نماز جماعت»، همانند آن است که در کنار هم هر کدام، چراغی داشته باشیم که در صورت خاموش شدن یک یا چند مورد از آن، نور از بین نمی رود و از نور دیگر بهره برده می شود.

۲۶- علل بی رغبتی برخی افراد به نماز چیست؟

بی رغبتی و ترک نماز علل متعددی دارد؛ از جمله:

- ۱- عدم آشنایی با فلسفه نماز.
 - ۲- احساس تحجر و عقب ماندگی (تحت تأثیر تبلیغات غرب و غربزدگان).
 - ۳- تنبلی و تن پروری.
 - ۴- مسامحه کاری.
 - ۵- احساس خودنمایی و ریاکاری.
 - ۶- احساس بی فایده بودن نماز به علت گناهکار بودن.
 - ۷- تربیت نادرست خانواده.
 - ۸- محیط و اجتماع فاسد.
 - ۹- دوست فاسد.
 - ۱۰- برخوردهای نامناسب افراد.
- شخصی که در خواندن نماز سستی می کند و به آن بی رغبت

است، باید به عوامل یاد شده توجه کند و سپس به درمان و برطرف کردن آن اقدام نماید؛ مثلاً اگر دوست فاسد، عامل ترک نماز است، باید رابطه با او را کاملاً قطع کند و اگر با فلسفه نماز آشنایی ندارد؛ به مطالعه و تفکر در اسرار و فلسفه‌های نماز بپردازد. البته در هر مورد، بایستی درمان مناسب آن را به کار گرفت.

۲۷- کارکردهای نماز چیست؟

الف - کارکرد روحی

نماز ستون دین و رکن اصلی آن است «الصلاة عمود الدین» و دائماً روح را با خداوند رحمان و صفات نیکوی او مرتبط می‌سازد. به طور کلی وقتی یک دین با عملی زنده و روزانه توأم نباشد - که میان بنده و آفریدگار را ارتباط دهد و روح را به سوی رستگاری بکشانند - بی مفهوم خواهد بود. امام باقر(ع) به یکی از یارانش فرمود: «آیا می‌خواهی ریشه، شاخه و بلندترین قله اسلام را به تو معرفی کنم؟ عرض کرد: بله، فدایت شوم! آن حضرت فرمود: ریشه‌اش نماز، شاخه‌اش زکات و قله مرتفعش جهاد است»^۱.

فلسفه مهم‌تری که برای نماز هست، این است که انسان را به یاد خدا می‌اندازد و آن ریشه اصلی هر خیر و سعادت است.

امام صادق(ع) در مورد آیه «و لذكر الله اکبر» می‌فرماید: منظور این

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۰.

است که به یاد خدا بیافتد و به سراغ حلال برود و با یاد خدا از حرام چشم بپوشد.^۱

پیامبر اکرم (ص) از یاران خود سؤال فرمود: «اگر بر در خانه کسی نهری از آب صاف و پاکیزه باشد و در هر روز پنج بار خود را در آن شست و شو دهد، آیا چیزی از آلودگی و کثافت در بدن او می ماند؟» یاران عرض کردند: نه؛ حضرت فرمود: «نماز درست همانند این آب جاری است. هر زمان که انسان نماز می خواند، گناहانی که در میان دو نماز انجام شده است، از میان می رود».

ب - آرامش بخشی نماز

«همانا با یاد خداوند دل ها آرامش می یابد»^۲.

اصولاً یاد خدا مایه حیات و آرامش دل ها است و هیچ چیز چنین آرامشی را ایجاد نمی کند.

بسیاری از دانشمندان علوم روانی و روان پزشکان، به این نکته پی برده اند که دعا و بر پا داشتن نماز و اعتقاد محکم به خداوند و دین، نگرانی، تشویش، یأس و ترس را - که موجب بسیاری از بیماری های روحی است - بر طرف می سازد.

انسان ناخود آگاه در مواقع ترس و ناامیدی، نام خدا را به زبان می آورد و از او یاری می طلبد. پس به یاد داشتن، به یاد آوردن و ارتباط با خداوند سبحان، از طریق نماز به سهولت امکان پذیر است.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۸۹. ۲. سوره رعد، آیه ۲۸.

امام صادق(ع) می‌فرماید: هنگامی که با غمی از غم‌های دنیا روبه‌رو می‌شوید، وضو گرفته به مسجد بروید، نماز بخوانید و دعا کنید؛ زیرا خداوند دستور داده است: «... واستعينوا بالصبح والصلاة...»^۱.
هرگاه برای امیرالمؤمنین(ع) مشکلی پیش می‌آمد نماز می‌خواندند و به دنبال حل مشکل می‌رفتند.^۲

ج - ایجاد تمرکز

توجه و تمرکز - که از شرایط مهم نماز است - وسیله‌ای برای پرورش و تمرین حضور ذهن و تمرکز حواس است که در زندگی بسیار حایز اهمیت بوده و بیشتر موفقیت‌های انسان، در نتیجه همین تمرکز فکر و توجه کامل و حضور ذهن است: «به راستی مؤمنان رستگارانند، کسانی که در نمازشان خشوع می‌ورزند»^۳.
سپاس‌گزاری از خدا (نماز) خود انگیزه‌ای محکم و دستاویزی مطمئن، برای افزایش معنویت و اتصال به سرچشمه معنویت است. بدیهی است افزایش معنویت، روح و روان انسانی را متعالی می‌سازد.

د - کارکرد بازدارندگی

«ان الصلاة تقي عن الفحشاء و الميکر...»^۴.
نماز با متوجه نمودن انسان، به سوی خدا و صفات نیکوی الهی و

۱. مجمع‌البیان، ذیل آیه ۴۴ سوره بقره.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱، ذیل آیات ۴۴ - ۴۶، سوره بقره.

۳. سوره مؤمنون، آیه ۱ و ۲. ۴. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

روز قیامت، آدمی را از بدی‌ها باز می‌دارد و فضایل اخلاقی و انسانی را در وی تقویت و به اخلاق الهی آراسته می‌کند. فلسفه بزرگ نماز، باز داشتن انسان از زشتی‌ها و منکرات است و از آن‌جا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل باز دارنده (یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد) می‌اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشا و منکر است. نماز خودبینی، کبر و غرور را در هم می‌شکند؛ چنان که امام علی (ع) فرمود:

«... خداوند ایمان را برای پاکسازی انسان‌ها از شرک واجب کرده است و نماز را برای پاکسازی از کبر و...»^۱.
 «اگر نماز گزار بداند که چقدر از رحمت خداوند او را فرا گرفته، سرش را از سجده بر نخواهد داشت»^۲. «نماز وسیله تقرب هر پرهیزکار به خداوند است»^۳.

هـ- کارکرد تربیتی، اجتماعی

نظافت و طهارت لباس و بدن، غصبی نبودن لباس و محل نماز، وقت‌شناسی و... از شرایط صحت نماز است و نمازگزار واقعی، طبق آیات ۱۹ تا ۳۵ سوره «معارج»، کسی است که: «نمازش ترک نشود؛ قسمتی از اموال خود را متعلق به بینوایان و محرومان بداند؛ روز جزا را باور داشته باشد و خود را از عذاب پروردگار ایمن نداند؛ دامن

۱. نهج‌البلاغه، کلمات قصار ۲۵۲. ۲. غرر، ح ۳۳۴۷.

۳. نهج‌البلاغه، کلمات قصار ۱۳۶.

خود را از شهوترانی پاس نگه دارد؛ و به امانت‌ها و پیمان خود وفادار باشد؛ برای حفظ حقوق مردم نترسد و برای شهادت قیام کند». علاوه بر این شعارهای متن نماز، خود سازنده و تربیت کننده فرد و اجتماع است. نماز روح انضباط را در انسان تقویت می‌کند؛ چرا که دقیقاً باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخیر و تقدم آداب و احکام آن، موجب بطلان نماز می‌شود.^۱

رسول خدا(ص) فرمود: «کسی که نماز را سبک شمارد، شفاعت من شامل حال او نمی‌شود»^۲.

و- کارکرد سیاسی

یکی از امتیازات حکومت اسلامی، بر سایر مکتب‌های سیاسی، نماز و سایر برنامه‌های عملی آن است؛ چرا که همه مکتب‌ها، در ابتدا صحبت از خلق می‌کنند و نویدهای بسیار به مردم می‌دهند. مردم نیز قول پیروی، فداکاری و همبستگی می‌دهند. اما پس از مدتی، ایده‌ها، شعارها، وعده‌ها و قرارها به دست فراموشی سپرده می‌شود و به وضع اختناق و استعمار باز می‌گردند. اما اسلام با برنامه‌های عملی و تمرین‌های روزانه و شعارهای سازنده اذان، اقامه و سایر عبادات، ایده‌ها و تعهدات و مسئولیت‌ها را در میان همه اقشار، زنده و پایدار می‌دارد و باعث می‌شود که دولت و ملت، همواره به عهد خود وفادار بمانند.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۸۹. ۲. الکافی، ج ۶، ص ۴۰۰.

باید توجه داشت که هر روز مسلمانان - بدون هیچ گونه امتیازی - با شنیدن صدای اذان، دست از کارهای دنیا شسته، برای نماز جماعت گرد هم جمع می شوند و روح ایمان، وحدت، همبستگی، تعاون و همیاری - که ضامن اجرای قوانین است - در آنان تجدید و تقویت می گردد.

ز- کارکرد معنوی

حضرت علی (ع) می فرماید: «نماز گناهان را مانند ریزش برگ فرو می ریزد». در قرآن آمده است: «نماز شب انسان را به مقام والای معنوی می رساند». امام علی (ع) می فرماید: «محبوب ترین اعمال نزد خداوند نماز است». همچنین خداوند در سوره «نور» (آیات ۳۷ و ۵۶ و ۶۳) و سوره «اسرا» (آیات ۸۸، ۶۴، ۷۸، ۷۹، ۱۰۶ و ۱۱۰) انسان را به تفکر و تعقل در مورد نماز و آیات الهی فرا می خواند. حضرت رضا (ع) فرمود: «علت تشریع نماز این است که توجه و اقرار به ربوبیت پروردگار و مبارزه با شرک و بت پرستی، قیام در پیشگاه پروردگار در نهایت خضوع و نهایت تواضع، اعتراف به گناهان، تقاضای بخشش از معاصی گذشته و نهادن پیشانی بر زمین برای تعظیم پروردگار است تا گرد و غبار فراموش کاری بر دل او ننشیند. همچنین مداومت ذکر خداوند در شب و روز سبب می شود که انسان مولا، مدبر و خالق خود را فراموش نکند»^۱.

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵.

۲۸ - کسی که نماز می‌خواند ولی دیگران را اذیت می‌کند بهتر است؛ یا کسی که نماز نمی‌خواند اما به دیگران کمک می‌کند؟

برخی مقایسه‌ها ذهن را دچار خطا می‌کند. برای رفع چنین خطایی، باید مبنای مقایسه را اصلاح کرده، به آن صورت منطقی داد. مقایسه صحیح در این مورد آن است که بگوییم: فردی که نماز می‌خواند و مردم آزاری هم می‌کند، بهتر است؛ یا کسی که نماز می‌خواند و به کسی هم آزاری نمی‌رساند. یا آن که گفته شود: شخصی که نماز نمی‌خواند و مردم آزاری نمی‌کند، بهتر است؛ یا شخصی که نماز نمی‌خواند و مردم آزاری می‌کند.

پاسخ سؤالات یاد شده روشن است. در هر صورت در پاسخ مقایسه‌ای که در سؤال آمده می‌توان گفت: دو طرف هر کدام دارای یک امتیاز مثبت و یک امتیاز منفی هستند؛ ولی نه آزار دادن مردم مربوط به نماز خواندن است و نه ترک آزار آنان ربطی به تارک الصلاة بودن دارد. از سوی دیگر هم آزار دادن مردم، دارای مراتب مختلف است و هم ترک نماز. آزار دادن از مراتب بسیار پایین شروع می‌شود؛ مثلاً در روایات آمده است: «پایین‌ترین مرتبه ظلم آن است که سواره به پیاده بگوید: کنار برو». و مراتب بسیار بالای آن مانند آدم‌کشی و... است.

ترک نماز نیز صورت‌های مختلف دارد. ممکن است گاهی به

جهت سهل انگاری باشد و ممکن است گاهی به سبب انکار دین، خدا و احکام باشد. هر دو ترک نماز است؛ اما اولی موجب کفر نیست؛ ولی صورت دوم موجب کفر و خروج از دین است. حال کدام مرتبه منظور است؟ بدیهی است که قضاوت کلی در این موارد منطقی نیست و هر کدام حکمی متفاوت از یکدیگر دارند.

۲۹- آیا عادلانه است قبولی کلیه اعمال، به نماز وابسته باشد؟

اگر معنای درست این حدیث درک نشود، این اشکال وارد است؛ ولی اگر دقت گردد و معنای عمیق حدیث به درستی فهمیده شود، خواهید دید که این معیار کاملاً عادلانه است. توضیح این که: نماز مقبول، شرایطی دارد؛ از جمله این که مکان، لباس و آب وضو و غسل غصبی نباشد. بنابراین نماز با تمام زندگی انسان مرتبط است؛ یعنی، شاخصی است که می توان مطلوب بودن و الهی بودن یک زندگی را با آن سنجید.

اگر درآمد کسی حلال و طیب نباشد و با آن درآمد خانه و لباس و غذا تهیه کند، آیا نمازش قبول است؟
آیا اتفاق از آن مال و یا به زیارت و حج رفتن با آن مال، قبول درگاه الهی قرار می گیرد؟

از همین جا درمی یابیم که نماز معیاری است که قبولی اعمال دیگر را نیز می توان با آن سنجید. پس اگر نماز قبول باشد، کارهای خوب

دیگر نیز قبول است و اگر مردود باشد، چنان بر می آید که اشکال ریشه‌ای در اعمال وجود دارد.

برای مثال: آمپرهای یک وسیله نقلیه، نشان دهنده سلامت و یا اشکال در کار موتور آن وسیله است. نماز نیز نشان دهنده سلامت اعمال و یا خرابی دیگر اعمال است. اگر کسی توانسته است نماز خود را از ریا و سُمعه دورنگه دارد، قادر خواهد بود در بقیه عبادت‌ها و کارها نیز این ویژگی را حفظ کند؛ چون نماز وظیفه‌ای است که شبانه روز با آن مرتبط هستیم. بنابراین نماز شاخصی است که همه اعمال دیگر با آن سنجیده شده و محک زده می‌شود.

۳۰- اقامه نماز یعنی چه؟

«اقامه» به چند معنا آمده است:

- ۱- برگزاری و خواندن نماز؛ یعنی، بر هر مسلمان واجب است که در اوقات معین، نماز بخواند و به عبادت خداوند بپردازد.
- ۲- اقامه و برگزاری نماز در جامعه؛ یعنی، علاوه بر خواندن نماز، باید آن را در جامعه هم اقامه کرد و زمینه‌های تبلیغ، ترویج و برگزاری آن را در ادارات، سازمان‌ها، مراکز آموزشی، مساجد و... فراهم نمود.
- برپاداشتن نماز، نخستین شیوه و نشانه حکومت صالحان است و این وظیفه بر دوش تک تک مسلمانان - به خصوص حاکمان و مسؤولان امر - سنگینی می‌کند. قرآن می‌فرماید: «الذین ان مکنهم فی

الارض اقاموا الصلاة...^۱؛ [یاران خدا] کسانی اند که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند...».

در تفسیر نمونه آمده است: «یکی از صفات مؤمنان این است که اگر در زمین، تمکّنی پیدا کنند و در انتخاب هر قسم زندگی که بخواهند به آنان آزادی داده شود و در میان همه انواع و اشکال حیات، یک زندگی صالح را اختیار می کنند و جامعه ای صالح به وجود می آورند که در آن جامعه، نماز به پا داشته و زکات داده می شود...»^۲.

در بعضی از روایات، آیه یاد شده به حضرت مهدی (عج) و یارانش و یا آل محمد (ص) به طور عموم، تفسیر شده است؛ چنان که امام باقر (ع) در تفسیر آیه «الذین ان مکنهم فی الارض...» فرمود: «این آیه تا آخر، از آن آل محمد (ص) و مهدی (عج) و یاران او است»^۳.

۳- تبلیغ و ترویج فرهنگ نماز؛ یعنی، اهل علم و دانش باید با شیوه های نو، هنرمندانه و عامه پسند، به تبلیغ و ترویج فرهنگ نماز بپردازند و فلسفه اسرار، آثار و برکات آن را تشریح کنند.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۱۷.

۱. سوره حج، آیه ۴۱.

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

۳۱- چرا نماز ستون دین است؟

نماز بدین جهت ستون دین است که بدون آن، دین معنا و مفهومی نخواهد داشت؛ همان‌گونه که خیمه بدون ستون، برپا نخواهد بود. نماز عبادتی است جامع و فراگیر و به مثابه ستون و پایه خیمه است. خاصیت بسیاری از عبادت‌ها و دستورات دینی (مثل زکات، حج، جهاد، روزه و...) در نماز جمع شده است. زکات، امتحان میزان عدم دلبستگی به مادیات و گذشتن از امور دنیایی است و در نماز نیز نمازگزار از همه چیز درمی‌گذرد و به خدا توجّه می‌کند «مالک یوم الدین». در روزه، بعضی از امور بر انسان حرام می‌شود و نماز نیز چنین است.

شاید علت این که از نماز به عنوان ستون دین یاد شده، این باشد که قبولی همه اعمال، بستگی به پذیرش آن دارد و در مقام مثال مانند ستون یک خیمه است که اگر خیمه، ستون نداشته باشد، هرگز پابرجا نمی‌ماند. مسلمانی که نماز نخواند و یا به نماز اهمیت ندهد، اسلام و مسلمانی‌اش مانند خیمه بی ستون است.

نظام تربیتی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی اسلام مبتنی بر نظارت درونی و تقوا است؛ یعنی، یک مسلمان بیش از همه چیز، خدای یگانه را مدنظر دارد و او را ناظر بر اعمال خویش می‌داند و معتقد است معاد و قیامت بر سر راه او قرار داد.

در این نظام، نماز نقش یادآور و هشدار دهنده‌ای را دارد که هر روز

و هر شب، این مهم را یادآوری کرده، انسان را از خطر فراموشی حقیقت باز می‌دارد. در نتیجه نقش بسیار موثری بر کنترل درونی انسان دارد؛ چنان که خداوند فرموده است: «اقم الصلاة ان الصلاة تقی عن الفحشاء و ایمنکر و لذكر الله اکبر»؛ نماز را به یادگار که نماز آدمی را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد و همانا ذکر و یاد خداوند، نتیجه بزرگ‌تر است». بنابراین نماز بدان جهت تشریع شده که آدمی، خود را فراموش نکند و بداند که بنده خدا است. نماز مانند چراغ‌هایی است که در فواصل معینی در تاریکی، روشن می‌شود؛ تا کسی که در راه است، آن را گم نکند و دچار لغزش و انحراف نگردد.

۳۲- نمازگزار حقیقی چه ویژگی‌هایی دارد؟

نمازگزاران حقیقی، دارای خصایص و ویژگی‌هایی اند که در آیات و روایات زیادی، به آنها اشاره شده است؛ از جمله:

- ۱- مداومت بر نماز (الذین هم عکمه صلاتهم دائمون)^۲.
- ۲- انفاق مال در راه خدا به محروم (والذین هم فی اموابهم حق معلوم للائل و ایحروم)^۳.
- ۳- حفظ شهوت جنسی از محرمات (والذین هم لفروجهم حافظون)^۴.

۲. سوره معارج، آیه ۲۳.

۴. سوره مؤمنون، آیه ۵.

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۳. همان، آیات ۲۴ و ۲۵.

۴- رعایت امانت و وفای به عهد (والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون)^۱.

۵- محافظت بر اوقات و شرایط نماز (والذین هم عکم صلواتهم یحافظون)^۲.

۶- تواضع و فروتنی (وقوموا لله قانتها)^۳

۷- نظم و انضباط و وقت شناسی (ان الصلوة کانت عکم ایهمنا کتاباً موقوتاً)^۴.

۸- دوری از گناهان و رعایت تقوا و پرهیزگاری (ان الصلاة تقی عن الفحشاء و المنکر)^۵ و...

۳۳- چه دعایی در قنوت بخوانیم بهتر است؟

در قنوت بهترین دعاها، ادعیه قرآنی و دعاهایی است که از ائمه اطهار(ع) رسیده است.

در رساله‌های عملیه آمده است که در قنوت بهتر است این دعا خوانده شود:

«لا اله الا الله الحلیم الکریم، لا اله الا الله العکم العظیم، سبحان الله رب السموات السبع و رب الارض السبع و ما فیقن و ما بیقن و رب العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین و سلام عکم ابرسلما»

۱. سوره مؤمنون، آیه ۸.

۲. سوره معارج، آیه ۳۴.

۳. سوره بقره، آیه ۲۳۸.

۴. سوره نساء، آیه ۱۰۳.

۵. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

برخی دعا‌های قرآنی عبارت است از:

- ۱- «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^۱.
- ۲- «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْحًا وَتَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَانْصُرْنَا عَمَكُمُ الْكَافِرِينَ»^۲.
- ۳- «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَمَكُمُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَمَكُمُ الْكَافِرِينَ»^۳.
- ۴- «رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»^۴.
- ۵- «رَبَّنَا إِنَّا أَمَتْنَا فَأَعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^۵.
- ۶- «رَبِّ هَبْ فِيهِ مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ»^۶.
- ۷- «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»^۷.
- ۸- «رَبَّنَا اغْفِرْ لِمَنْ وَلِيَ الدِّينَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»^۸.
- ۹- «رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا»^۹.
- ۱۰- «رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيحًا»^{۱۰}.
- ۱۱- «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»^{۱۱}.

۱. سوره بقره، آیه ۲۰۱.	۲. همان، آیه ۲۵۰.
۳. همان، آیه ۲۸۶.	۴. سوره آل عمران، آیه ۹.
۵. همان، آیه ۱۶.	۶. همان، آیه ۳۸.
۷. سوره ابراهیم، آیه ۴۰.	۸. سوره ابراهیم، آیه ۴۱.
۹. سوره کهف، آیه ۱۰.	۱۰. سوره اسراء، آیه ۸۰.
۱۱. سوره طه، آیه ۲۵.	

- ۱۲- «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»^۱.
- ۱۳- «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ»^۲.
- ۱۴- «رَبِّ أَنْزِلْنِي مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ»^۳.
- ۱۵- «رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ»^۴.
- ۱۶- «رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ»^۵.
- ۱۷- «رَبِّ اغْفِرْهُ وَلِوَالِدَيَّ وَبِهِنَّ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ»^۶.
- ۱۸- «رَبَّنَا آمَنَّا بِأَعْفُوكَ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ»^۷.
- ۱۹- «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^۸.
- ۲۰- «رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا»^۹.
- ۲۱- «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»^{۱۰}.

۱. همان، آیه ۱۱۴.
 ۲. سوره انبیاء، آیه ۸۲.
 ۳. سوره مومنون، آیه ۲۹.
 ۴. همان، آیه ۹۸.
 ۵. همان، آیه ۱۱۸.
 ۶. سوره نوح، آیه ۲۸.
 ۷. سوره مومنون، آیه ۱۰۹.
 ۸. سوره فرقان، آیه ۷۴.
 ۹. همان، آیه ۹۵.
 ۱۰. سوره حشر، آیه ۱۰.

۳۴- نماز جعفر طیار، چه موقع و چگونه خوانده می‌شود؟

با فضیلت‌ترین وقت خواندن نماز جعفر طیار، روز جمعه هنگام بالا آمدن آفتاب است. این نماز چهار رکعت است (به صورت دو نماز دو رکعتی). در هر رکعت آن، حمد و سوره و پس از آن پانزده مرتبه «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» خوانده می‌شود. این تسبیح ده مرتبه در رکوع و ده مرتبه بعد از بلند شدن از رکوع و نیز ده مرتبه در سجده اول و ده مرتبه بعد از سر برداشتن از آن، ده مرتبه در سجده دوم و ده مرتبه بعد از سر برداشتن از آن گفته می‌شود (همین‌طور در رکعت‌های بعد). این نماز سوره مخصوصی ندارد؛ لکن افضل آن است که در رکعت اول سوره «زلزال»، در رکعت دوم «عادیات»، در رکعت سوم «نصر» در رکعت چهارم «توحید» خوانده شود.^۱

۳۵- مستحبات نماز را بیان نمایید.

مستحبات در نماز خیلی زیاد است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

الف - مستحبات و آداب قبل از نماز؛ عبارت است از:

۱- در هنگام وضو روبه قبله بایستد و قبل از آن مسواک بزند. هم چنین دعاهایی که در حال وضو وارد شده، بخواند.

۱. تحریر الوسیله، مترجم، ج ۱، ص ۴۴۰.

۲- در حال نماز، لباس سفید و معطری بپوشد. انگشتری عقیق در دست کند و جامه سیاه نپوشد.

۳- برای نماز جای مخصوص، لباس مخصوص و سجاده یا فرش مخصوص انتخاب کند.

۴- نماز را به جماعت بخواند و اگر مرد است، طرف راست امام بایستد.

۵- پیش از نمازهای یومیه، اذان و اقامه بگوید. موقع اذان گفتن نیز روبه قبله بایستد و با وضو و یا غسل باشد.

۶- همانگونه که با صورت و بدن روبه قبله می ایستد، قلب هم به سمت قبله متوجه باشد.

ب - مستحبات و آداب بین نماز؛ عبارت است از:

۱- برای نمازگزار سزاوار است که در تمام ذکرها و کارهای نماز، با حضور قلب باشد.

۲- در نیت اخلاص داشته باشد و نماز خود را از هر عمل و نیت غیر خدایی پاک کند.

۳- موقع گفتن تکبیر اول نماز و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد. همچنین مستحب است قبل از گفتن «تکبیرة الاحرام»، شش بار تکبیر بگوید و دعاها را وارده را بخواند.

۴- کمال قیام بدن به این است که با طمأنینه، هیبت و حیا باشد. مستحب است در حال ایستادن، بدن را راست نگه دارد و شانهها را

۷۰ □ یکصد و ده پرسش و پاسخ درباره نماز

پایین بیاندازد. هم چنین سر خود را پایین افکند و به موضع سجده بنگرد و به آسمان و راست و چپ نگاه نکند.

۵- در قیام دست‌ها را بر روی ران‌ها بگذارد، انگشت‌ها را به هم بچسباند، جای سجده را نگاه کند، سنگینی بدن را به طور مساوی روی دو پا بیاندازد و پاها را پس و پیش نگذارد.

۶- کمال قلب در هنگام نماز، به این است که خدای تبارک و تعالی را پیوسته در نظر داشته باشد.

۷- با دست‌های باز نکند و پاهای خود را حرکت ندهد. همچنین انگشتان پا را روبه قبله گذاشته و از قبله کج نکند.

۸- در حال برخاستن، این ذکر را بگوید: «بحول الله و قوته اقوم و اقعد».

۹- مستحب است در «قرائت» رعایت ترتیل کند و به اعراب کلمات اهمیت دهد. همچنین در رکعت اول پیش از خواندن حمد بگوید: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم».

۱۰- بعد از تکبیرة الاحرام بگوید: «یا محسن قد اتاک ایهیء و قد امرت ایهحسن ان یتجاوز عن ایهیء انت ایهحسن وانا ایهیء بحق محمد و آل محمد، صل عکمه محمد و آل محمد و تجاوز عن قبیح ما تعلم منی».

۱۱- بعد از تمام شدن حمد بگوید: «الحمد لله رب العالمین».

۱۲- مستحب است در تمام نمازها در رکعت اول، «سورة قدر» و در رکعت دوم، «سورة توحید» را بخواند.

۱۳- قنوت یکی از مستحبات مؤکد است. مستحب است قبل از قنوت، تکبیر بگویند و بعد از آن دست‌ها را بالا ببرد و انگشتان را به هم بچسباند، مگر دو انگشت بزرگ را (انگشت شست).

۱۴- پیش از رفتن به رکوع، درحالی که راست ایستاده، تکبیر بگوید. در رکوع دست راست را برزانوی پای راست بگذارد. زانو‌ها را به عقب دهد، پشت را صاف کند، گردن را بکشد و مساوی پشت نگه دارد. بعد از آن که از رکوع برخاست و راست ایستاد، بگوید: «سمع الله یهن حمده».

۱۵- در حال سجده، انگشتان دست را به هم بچسباند و برابر گوش بگذارد؛ به طوری که سر آنها رو به قبله باشد. در سجده دعا کند و از خدا حاجت بخواهد. بعد از سجده نیز بران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد.

۱۶- مستحب است در حال تشهد، بران چپ بنشیند و روی پای راست را به کف پای چپ بگذارد.

۱۷- پیش از تشهد بگوید: «الحمد لله» یا بگوید: «بسم الله و بالله و الحمد لله و خموا لاسماء لله».

۱۸- هم چنین در تشهد اول بعد از صلوات، بگوید: «و تقبل شفاعته فی امته و ارفع درجه».

۱۹- هنگام برخاستن از تشهد بگوید: «یحول الله و قوته اقوم و اقعد».

۳۶- دعاهایی که هنگام وضو خوانده می شود چیست؟

هنگامی که انسان مشغول وضو می شود، مستحب است دعاهای زیر را بخواند:

هنگام دیدن آب: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ أَيْهَاءَ طَهُوراً وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجْساً».

موقعی که قبل از وضو دست ها را می شوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».

موقع مضمضه: «اللَّهُمَّ لَقِّنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْفَاكِ وَ أَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ».

هنگام استنشاق: «اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَمَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشْمُ رِيحَهَا وَ رَوْحَهَا وَ طِبْتَهَا».

وقت شستن صورت: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ وَ لَا تَسْوَدَّ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوُجُوهُ».

موقع شستن دست راست: «اللَّهُمَّ اعْطِنِي كِتَابِي يَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بِبِسْأَرِي وَ حَاسِبِي حِسَاباً يَسْهُلاً».

هنگام شستن دست چپ: «اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي شِمَائِلِي وَ لَا مَن وَرَاءِ ظَهْرِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِفْهَ عُنُقِي وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النَّحْلِ».

موقع مسح سر: «اللَّهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ».

موقع مسح پاها: «اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَمَّ الصَّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ

سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ».

۳۷- مراتب حضور قلب در نماز چیست؟

«حضور قلب» دارای مراتب و درجات متفاوتی است:

مرتبه اول. نخستین مرحله حضور قلب این است که نمازگزار، در تمام نماز یا بعضی از آن، اجمالاً توجه داشته باشد که در حضور پروردگار جهان ایستاده، با او سخن می‌گوید و راز و نیاز می‌کند.

مرتبه دوم. در این مرحله نمازگزار در حال نماز، خودش را در برابر خدا و در حال تکلم با او می‌داند، به معانی کلمات و اذکار نیز توجه دارد و می‌داند که با خدا چه می‌گوید.

مرتبه سوم. نمازگزار علاوه بر مراحل سابق، حقیقت تکبیر، تسبیح، تقدیس و سایر مفاهیم اذکار را به خوبی می‌داند و با براهین علمی، با آنها آشنا شده و در حال نماز به آنها توجه دارد و خوب می‌داند که چه می‌گوید و چه می‌خواهد و با چه کسی سخن می‌گوید. مرتبه چهارم. معارف و معانی ذکرها به طور کامل در باطن نمازگزار، نفوذ کرده، به مرحله یقین و ایمان کامل رسیده است. در این صورت زبان، از قلب پیروی می‌کند.

مرتبه پنجم. در این مرحله، اسما، صفات و کمالات حق را با چشم باطن مشاهده می‌کند و چیزی را جز خدا نمی‌بیند.

با شناخت مراتب بالا، روشن می‌گردد که غیر از موارد یاد شده، نمی‌توان چیزی را در حضور قلب دخیل کرد. در عین حال عوامل مؤثر در حضور قلب عبارت است از:

- ۱- مکان خلوت؛ نمازگزار بهتر است در جای خلوت و بدون مزاحمت و سر و صدا نماز بخواند.
- ۲- رفع موانع؛ مثلاً رفع گرسنگی و تشنگی شدید قبل از نماز و...
- ۳- تقویت ایمان؛ انسان باید در تقویت ایمان و تحصیل معرفت کامل بکوشد تا در حال نماز بیشتر و بهتر حضور قلب پیدا کند.
- ۴- یاد مرگ؛ اگر انسان به فکر مردن باشد و این که وقت مرگ معلوم نیست و... نمازش را با غفلت نخواهد خواند.
- ۵- آمادگی برای نماز؛ دقت در وضو و طهارت، اذان گفتن، پوشیدن لباس مخصوص نماز و... تاثیر به سزایی در آمادگی انسان دارد.^۱

۳۸- شرایط قبولی نماز چیست؟

- به طور کلی قبولی عبادات - به خصوص نماز - مراحل و شرایطی دارد؛ زیرا گاهی عبادت صحیح است، ولی رشد آور نیست (مثل دارویی که شفا بخش نیست).
- در آیات و روایات شرایط و مراحل قبولی عبادات، شش چیز ذکر شده که عبارت است از: ۱- شرط اعتقادی؛ ۲- شرط ولایی؛ ۳- شرط اخلاقی؛ ۴- شرط اقتصادی؛ ۵- شرط اجتماعی؛ ۶- شرط بهداشتی.
- ۱- شرط اعتقادی؛ نمازگزار باید ایمان به خدا داشته باشد. قرآن

۱. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: خودسازی «تزکیه و تهذیب نفس»، آیت الله امینی.

می فرماید: «عمل صالح از زن و مرد با ایمان است که موجب زندگی پاک می شود»^۱. در جای دیگر می فرماید: «نداشتن ایمان مایه تباهی اعمال است»^۲.

۲ - شرط ولایی؛ یعنی برخورداری از ولایت و رهبری صحیح و آسمانی؛ همچون امام علی بن ابی طالب (ع) و فرزندان آن حضرت که همه بندگان خالص خدا هستند. این اعتقاد، نماز، حج و جهاد را در مسیر الهی قرار می دهد و به آنها جهت شایسته می بخشد. امام باقر (ع) فرمود: «کسی که به خدا ایمان دارد و عبادت های طاقت فرسا انجام می دهد؛ ولی امام لایقی از طرف خدا ندارد، تلاشش بی فایده است»^۳.

۳ - شرط اخلاقی (تقوا)؛ خداوند عبادت و نماز را تنها از اهل تقوا می پذیرد: «انما یتقبل الله من ایتقها»^۴. بدین معنا که بایستی نماز و اسباب آن برآمده از تقوا باشد. اگر لباس، مکان، غذا و... از مسیر تقوا و حلال فراهم نیامده باشد، نمازی بدون تقوا است که شایسته قبول به درگاه خداوند نیست.

۴ - شرط اقتصادی (ادای حق مردم)؛ ادای حقوق محرومان، در درجه ای از اهمیت است که گاهی قبولی عبادت بستگی به آن دارد. پرداخت زکات با داشتن درآمد مشروع، از این نمونه است. امام

۱. سوره نحل، آیه ۹۷. ۲. سوره مائده، آیه ۹۷.
۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۰. ۴. سوره مائده، آیه ۲۷.

رضا(ع) فرمودند: «هرکسی نماز بخواند؛ ولی زکات نپردازد، نمازش قبول نمی‌شود»^۱.

۵- شرط اجتماعی؛ خیرخواهی نسبت به دیگران، حفظ پیوندهای اجتماعی و اخوت میان مسلمانان و روابط شایسته و نیکو میان پیروان اسلام در این زمینه حایز اهمیت است.

۶- شرط خانوادگی؛ خوش رفتاری در امور خانوادگی و رعایت حقوق متقابل زن و شوهر، فرزند، پدر و نیز همسایگان، چنان مهم است که بی‌توجهی به آنها، گاهی باعث بطلان عبادات می‌گردد. در این زمینه امام صادق(ع) فرمود: «نماز فرزندی که با خشم به پدر و مادر خود نگاه می‌کنند، قبول نمی‌شود گرچه والدین، نسبت به آنان کوتاهی و ظلمی کرده باشند»^۲. پیامبر اسلام(ص) فرمود: «هرکس زن بدرفتار و اذیت کننده‌ای داشته باشد، خداوند نماز و کارهای نیک آن زن را نمی‌پذیرد، مرد نیز چنین است»^۳.

ما زمانی می‌توانیم از نردبان نماز به معراج رویم که پایه‌های آن روی زمین محکمی باشد؛ ولی اگر روی یخ لغزنده یا زمین سست قرار داده شود، بالا رفتن مشکل یا غیرممکن می‌گردد. پس قبولی عبادات - به خصوص نماز - با شرایط و مراحل ذکر شده، امکان‌پذیر است.

۱. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۲.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۴۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

۳۹- نشانه قبولی نماز چیست؟

امام صادق(ع) فرموده است: «هر کس دوست دارد بداند، نمازش قبول شده یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه وزشتی باز داشته یا نه؛ پس هر قدر که نمازش او را از گناه باز داشته، به همان اندازه نمازش قبول شده است.^۱

۴۰- آیا این مطلب صحت دارد که برخی از ائمه(ع) هر شب هزار رکعت

نماز می خواندند؟ آیا چنین نمازهایی، دارای کیفیت است؟

آنچه در تاریخ در مورد حضرت علی(ع)، امام سجاد(ع) و برخی دیگر از ائمه(ع) نقل شده، آن نیست که هر شب هزار رکعت نماز می خواندند؛ بلکه در مواقعی و در بعضی از شبها چنین عبادت می کردند.

این مطلب از نظر امکان عملی، مشکلی ندارد و علامه امینی(ره) در برابر انکار برخی، یک شب هزار رکعت نماز، در مقابل آنان به جا آوردند.

نکته دیگر آنکه، نماز مستحبی را می توان بسیار ساده به جا آورد و بدون خواندن سوره و تنها با یک ذکر (مثلاً «سبحان الله»)، رکوع و سجود آن را انجام داد و در پایان به یک سلام اکتفا نمود. در این صورت دو رکعت، حدود یک دقیقه طول می کشد. در این صورت با

۱. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸.

احتساب چند ثانیه برای استراحت، بیش از ده ساعت وقت لازم نیست.

علاوه بر آنکه ممکن است موضوع هزار رکعت، مبالغه راویان باشد؛ چون می دیدند که حضرت در تمام شب مشغول نماز بوده است، می گفتند: حضرت هزار رکعت نماز خواند و این گونه گفتار، در عرف هم رایج است.

نکته دیگر آنکه در تاریخ، اشخاص دیگری نیز بوده اند که در یک شب هزار رکعت نماز به جا آورده اند. اگر کاری برای یک فرد میسر نبود، دلیل آن نیست که برای دیگری نیز میسر نباشد.

اما در بحث کیفیت و کمیت، مسلماً نماز اولیا دارای کیفیت است؛ آنان گاه آن چنان غرق در عبادت و لذت آن می شوند که اساساً، گذر زمان و رکعات را جملگی فراموش می کنند و خود را در محضر خداوند، راکع و ساجد می بینند. بر این مبنا، کیفیت و کمیت در این گونه عبادات، همدوش هم است؛ چنان که تمامی عبادات به نوعی از کمیت برخوردارند؛ مثلاً نماز رکعات خاص دارد، طواف هفت شوط دارد و...

۴۱- چرا نمازها اثر لازم را در ما ندارند؟ چه کنیم تا آثار نماز را در زندگی خود، حس کنیم؟

از مجموع آیات و روایات، برمی آید که نمازها از نظر اثرگذاری بر سه قسم است:

- ۱- نماز بی اثر؛ نمازهایی که مهر «باطل» بر روی آن نقش می بندد. نمازی که خود نمازگزار هم، اعتقادی به آن ندارد و آن را به عنوان وظیفه انجام نمی دهد. مانند نمازی که به جهت دیدن دیگران (ریا)، خوانده می شود و به محض دگرگون شدن شرایط و بر هم خوردن اوضاع، دیگر نه از نماز خبری است و نه از نمازگزار.
- ۲- نماز با اثر کم و یا متوسط؛ عمده نمازها این گونه است. نمازهایی که بدون خشوع و خضوع، بدون مراعات شرایط، بدون رعایت آداب باطنی و عرفانی و... خوانده می شود.
- ۳- نماز پر اثر؛ نمازهای ناب که به وسیله انسان های خالص اقامه می گردد.

این نماز بهترین وسیله برای قرب به خدا، جامع ترین مظهر عبودیت و بندگی و کامل ترین نمونه شکر و سپاس گذاری است. این نماز عامل نیرومند و موثری است در صلاح حال فرد و جامعه و عبادتی است که از جهت تربیت و سازندگی به راستی، بی نظیر است. این نماز آدمی را از وقفه، رکود و جمود، به حرکت جنبش و پیشروی وادار می دارد و از جهل و نادانی، به سمت علم و از غفلت و

ناآگاهی، به سوی بیداری و آگاهی سوق می دهد.

این ها در صورتی است که نمازگزار، درست نماز بخواند، مراقب آداب ظاهری و شرایط معنوی آن باشد و از آن محافظت و کاملاً به آن رسیدگی کند؛ تا از آثار و نتایج بزرگ نماز برخوردار شود.

بی اعتنائی به نماز و توجه نکردن و عدم رسیدگی به آن، سبب شده که نماز امری ساده، بی ارزش و پیش پا افتاده شناخته شود و گروهی آن را کاری بی فایده و عملی بی اثر در زندگی بدانند و حتی کار به جایی بکشد که عده ای بگویند نماز چه اثری در زندگی دارد. نماز باید با فهم و معرفت خوانده شود. برای این منظور چند گونه دستورالعمل آمده است:

الف - مراحل قبل از نماز:

- ۱- توجه به شرایط مانند لباس و مکان مباح.
- ۲- وقت شناسی و دقت در وقت.
- ۳- انتظار برای نماز؛ چنانچه امکان باشد، مناسب است انسان اندکی قبل از وقت و شروع نماز، به مسجد برود و به انتظار بنشیند و خود را برای خواندن نماز آماده کند.
- ۴- تفکر و اندیشه؛ در عین حال که منتظر وقت نماز است، می تواند فکر و اندیشه خود را درباره اهمیت و اسرار این عبادت سازنده به کار گیرد.
- ۵- دقت و توجه کافی در هنگام وضو گرفتن؛ یعنی، وضو را با

شادابی کامل بگیرد و دعا‌های آن را بخواند.

۶- اذان و اقامه؛ گفتن اذان و اقامه و تامل و اندیشه در معانی ذکرها و عبارت‌های آن، نقش ویژه‌ای در خشوع و خضوع انسان و اقامه نماز آگاهانه دارد.

۷- هفت تکبیر؛ قبل از گفتن تکبیرة الاحرام (الله اکبر)، مستحب است، شش «الله اکبر» دیگر، گفته شود و با گفتن «الله اکبر» هفتم، نماز آغاز گردد.

امام باقر(ع) فرموده است: «نماز خود را [به منظور ارادت و اطاعت]، با هفت تکبیر شروع کن».

ب - در حال نماز:

مهم‌ترین بحث در این زمینه، داشتن خشوع و حضور قلب در نماز است. روح نماز عبارت است از: خشوع و حضور قلب و بیداری دل و این‌که توجه داشته باشیم، چه می‌گوییم و با که مناجات می‌کنیم. چنین نمازی انسان را از گناه و لغزش باز می‌دارد و او را به قلۀ فلاح و رستگاری می‌رساند.

اگر نه روی دل، اندر برابرت دارم

من این نماز، حساب نماز نشمارم

از این نماز ریایی، چنان خجل شده‌ام

که در برابر رویت، نظر نمی‌آرم

نماز کن به صفت، چون فرشته باید و من

هنوز در صفت دیو و دد گرفتارم...

از رسول گرامی اسلام(ص)، سؤال شد: خشوع چیست؟ آن حضرت فرمود: «خشوع عبارت است، از تواضع داشتن در حال نماز؛ به طوری که همه توجه قلب نمازگزار، متوجه ذات مقدس پروردگار هستی گردد».

برای رسیدن به مقام خشوع و خضوع، زحمت فراوانی لازم است. در این رابطه استفاده از راه کارهای زیر، مفید و موثر به نظر می رسد:

۱- توجه به معانی و مفاهیم الفاظ و اعمال نماز.

۲- در مراحل اول، نماز را خلاصه و حتی بدون رعایت ذکرهای مستحبی انجام دهیم، تا با تحمل بار سبک، زودتر به مقصد برسیم.

۳- قبل از نماز، فکر خود را از مشغولیت های قبلی خالی کنیم و با یک اراده محکم، فکر و برنامه ریزی آینده را به بعد موکول کنیم.

۴- دست ها را روی ران ها قرار دهیم؛ به طوری که دست برای ور رفتن با سر و صورت آزاد نباشد.

۵- برای نماز، جای ساده و آرامی را انتخاب کنیم تا رفت و آمد و دیگر عوامل زینتی، موجب حواس پرتی نگردد.

در این رابطه سفارش شده که مقابل درب باز، در کوچه و خیابان، مقابل آتش و چراغ، در آشپزخانه، روبه روی عکس و مجسمه و... نماز خوانده نشود تا از حواس پرتی جلوگیری گردد.

۶- استفاده از سجاده ساده نیز تا حدی زمینه حواس پرتی را از بین می برد.

۷- خودداری از گناه و نافرمانی خداوند، برای دست یافتن به خشوع و حضور قلب در نماز موثر است.
وقتی موارد یاد شده، رعایت گردد و نماز با تمام آداب و مستحبات آن برگزار شود؛ قطعاً این نماز، اثر و برکات فراوانی بر دل و جان انسان خواهد گذاشت.^۱

۴۲- نماز شب چه آثاری دارد؟

آدمی موجودی است که از دو بعد «حیوانی» و «روحانی»، ساخته شده است. این دو بعد در کشمکش با یکدیگرند. هرگاه بعد «جسمانی و حیوانی» غلبه کند، گرایش آدمی بیشتر بدان سو خواهد بود و هرگاه که جنبه «روحانی» تقویت شود، گرایش های متعالی در او نیرومندتر خواهد شد. مولوی می گوید:

و آن سوم هست آدمیزاد و بشر از فرشته نیمی و نیمش ز خر
نیم خر خود مایل سفلی بود نیم دیگر مایل علوی شود
تا کدامین غالب آید در نبرد زین دو گانه تا کدامین برد نبرد
از اهداف مهم دستورات و برنامه های دینی، حفظ این تعادل در

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: راز نماز، محسن قرائتی؛ نماز زیباترین الگوی پرستش، غلامعلی نعیم آبادی؛ برداشتی از نماز، آیت الله علی آقا نجفی کاشانی (ره)؛ اسرار الصلاة، شهید ثانی.

وجود آدمی است. اگر فرمان روزه صادر شده؛ اگر این همه به خواندن نماز سفارش شده و.. همه بدان جهت است که آدمی تک بعدی نشود و همه چیز را در عرصه مادیات خلاصه نبیند.

«نماز شب» از عمده‌ترین وسایلی است که در کاهش بعد «حیوانی»، تأثیری شگرف دارد. فرو نهادن خواب شیرین و به نماز ایستادن - درحالی که همه در خواب‌اند - و نیز استفاده از الهامات سحری و بهجت و سرور معنوی - که در آن لحظات عاید انسان می‌گردد - از ثمرات نماز شب است.

نماز شب، تا آن اندازه کارساز است که خداوند به پیامبر خویش فرمود: «و از شب، زمانی را به نماز شب پرداز، بدان امید که خداوند تو را به مقام محمود واصل نماید»^۱.

با تقویت جنبه‌های «روحانی و معنوی» در انسان، زمینه بیشتری برای درک اندیشه‌های متعالی و قرب به خدا، حاصل می‌گردد؛ چنان که با تقویت بعد «حیوانی»، آدمی در عرصه‌های مناسب آن رشد خواهد کرد.

نماز شب گر چه مستحب است؛ اما از مستحباتی است که در آیات قرآن و روایات معصومین، خیلی بر آن تاکید و سفارش شده و همه بزرگان اخلاق و عرفان، به شاگردان خود آن را سفارش کرده‌اند. گفته شده که هر کس به هر مقام معنوی رسید - بعد از انجام دادن

۱. سورة اسراء، آیه ۷۹.

واجبات و ترک محرمات - از نماز شب رسید. در روایتی از رسول خدا (ص) نقل شده که سه مرتبه به حضرت علی (ع) سفارش می‌کند: «علیک بصلاة اللیل؛ بر تو باد به خواندن نماز شب». در قرآن به پیامبر (ص) خطاب شده است: اگر می‌خواهی آن مقام بلند محمود (مقام شفاعت شده) را به تو بدهیم، قسمتی از شب را به تهجد بپرداز.»

در روایتی آمده است: «نماز شب باعث شرف و آبروی مؤمن، سلامت بدن، کفاره گناهان، برطرف کننده وحشت قبر، سفید شدن صورت و نورانی شدن آن و زیاد شدن رزق می‌شود».

۴۳- اگر کسی نماز نخواند و روزه نگیرد؛ ولی در زندگی آدم صالح و با اخلاق و در مجموع شخص خوبی باشد، حکمش چیست؟

الف - اگر کسی نماز را قبول نداشته باشد و منکر آن شود به صورتی که به انکار خدا و رسول بازگردد کافر است. اما اگر قبول دارد و انکار نمی‌کند؛ ولی در عمل عصیان کرده و نمی‌خواند، کافر نیست؛ بلکه مسلمانی است که گناه کار بوده و مستوجب عذاب است. حال صالح و با اخلاق بودن شخص هر چند ممکن است بهره‌ای برای او هم داشته باشد ولی بدون نماز و عمل به دستورات خدا، فایده قابل توجهی ندارد و باعث نجات از عذاب دوزخ نیست.

ب - توضیح بیشتر این که افراد چند گونه‌اند:

۱- اهل نماز و اعمال خوب.

۲- بی نماز و دارای عمل و اخلاق خوب.

۳- نماز خوان و بد عمل و بد اخلاق.

۴- بی نماز و بد عمل و بد اخلاق.

تردیدی نیست که افراد بند دوم نسبت به افراد بند چهارم بهترند؛ اما نسبت به بندهای دیگر چگونه اند؟!

اگر کسی شاکر نعمت‌های الهی نیست و مبنای فکری درستی، برای زندگی ندارد و در وادی معرفت خداوند و صاحب نعمت گامی برنمی‌دارد؛ آیاتوانسته است خوبی‌ها را به دست آورد؟! اولین شرط خوبی، «معرفت» است و بدون آن حتی نمی‌توان خوب را از بد باز شناخت.

بنابراین انسان بی نماز، اگر چه ممکن است به ظاهر اخلاق خوبی داشته باشد؛ ولی تضمینی نیست که این اخلاق خوب ادامه یابد؟! از طرفی او ملاک خوبی و بدی را چگونه شناخته است؟!

آری، انسان بدون ارتباط با خدا و کسب فضیلت در پرتو نماز، از بسیاری کمالات بازمانده و از آثار مثبت آن غافل شده است؛ همانند کسی که به شکلاتی قانع شده، ولی از باغی پر از میوه‌های رنگارنگ و منظره‌های دل‌انگیز آن، غافل مانده است.

۴۴- آیا تأثیر نماز بیشتر در اثر تلقین نیست؟ اگر انسان هر چیزی حتی یک شعر را با احساس بخواند، وارد وادی عرفان و معنویت شده است؟! البته نماز به دلیل این که انسان را به یاد خدا می‌اندازد، خوب است؛ ولی نسبت به سایر اعمال چه برتری خاصی دارد؟

تردیدی نیست «تلقین» از ابزارهای مهم و کارساز برای انسان است. تلقین‌های مثبت، آثار گران قدری بر روح و روان و حتی جسم انسان می‌گذارد.

انسانی را در نظر بگیریم که در زندگی خود سردرگم و بی پناه و رو به فرسایش است؛ در این بین تلقین مثبتی از راه می‌رسد و برای او تکیه گاهی را مطرح می‌سازد. حال اگر این تلقین، با برنامه، و به صورت مستمر در او زنده نگاه داشته شده و او را از ضعف و کسالت و تحیر نجات دهد. در حد خود خدمتی بزرگ به شمار می‌آید.

نماز علاوه بر این که تلقینی ارزنده و مثبت در جهت رشد و تربیت انسان است، آنچه را مطرح می‌کند، مطابق با حقیقت است؛ یعنی، صرفاً تلقین پوچ و بدون واقعیت عینی نیست؛ بلکه آنچه را بیان کرده و می‌آموزاند، دقیقاً همان است که وجود دارد.

آیا تردیدی هست که نیرویی حکیم، عالم و مدیر در این جهان حاکمیت دارد؟! آیا تردیدی هست که برای این جهان و زندگی انسان، برنامه و معادی در کار است؟! آیا شکی وجود دارد که خداوند حکیم، بشر را به حال خود رها نکرده؛ بلکه راهنمایانی برای او

فرستاده است «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»؟

آیا دانشمندان و فرزندگان جهان، سر در برابر این همه عظمت
فرود نمی آورند و در مقابل خالق این همه نقش و نگار، سر بر خاک
نمی ساینند؟!

آری نماز تلقین هم هست؛ ولی تلقینی که مبتنی بر حقایق و
واقعیت‌های جهان هستی است.

برتری نماز:

ممکن است اذکار و یا اعمالی برای متوجه ساختن انسان وجود
داشته باشد و افرادی آن را طراحی کرده باشند؛ ولی نماز طرحی الهی
است و همانند نسخه ای که پزشک حاذق آن را تجویز کند، تمام
نیازهای انسان در آن دیده شده است. حرکات، اذکار و آداب آن،
حساب شده و دارای فلسفه و حکمت است؛ از همین رو هیچ
طرح دیگری به ویژه طرح‌های بشری توان جایگزینی آن را
ندارد.^۱

۱. برای مطالعه بیشتر درباره «فلسفه نماز» به کتاب‌های ذیل مراجعه کنید:

اسرار الصلاة، میرزا جواد ملکی تبریزی؛ پرواز در ملکوت، شرح آداب الصلاة امام
خمینی (ره)، سید احمد فهری؛ اسرار نماز (ترجمه اسرار الصلاة)، شهید ثانی.

۴۵- چرا روی خواندن نمازها در اول وقت تاکید می‌شود، چه تفاوتی بین نماز اول وقت و غیر آن وجود دارد؟

هر کاری، زمانی ویژه دارد که در صورت تحقق یافتن در آن زمان، دارای تأثیری بیشتر و مناسب‌تر خواهد بود. برای مثال غذا خوردن، اگر در شرایط و فرصت مناسب باشد، بسیار گوارا و انرژی بخش خواهد بود؛ ولی اگر در زمان و شرایط ویژه خود نباشد، نه طعم دلچسبی دارد و نه مواد آن، به طور کامل جذب می‌شود و نه نشاط آور است: «الأمور مرهونة باوقاتها»؛ «کارها در گرو زمان و فرصت خاص خویش است».

غذای روح نیز چنین است؛ اوقات نماز فرصت‌هایی است که نوعاً، مناسب‌ترین زمان برای خواندن نماز است؛ از این رو برپا داشتن نماز در آن اوقات، نشاط آور، انرژی بخش و دارای تأثیرات ویژه است. برای مثال در مورد نماز ظهر، در روایات آمده است: «به هنگام ظهر درهای آسمان گشوده می‌شود».

شخصی از پیامبر (ص) درباره فلسفه نمازهای پنجگانه سؤال کرد، آن حضرت فرمود: «خورشید به هنگام زوال (ظهر)، در مداری داخل می‌شود که با ورود به آن، هر چیزی که بر عرش هست، خدا را تسبیح می‌گوید... و این ساعتی است که خداوند بر من و امت من درود

می فرستند...^۱».

نمازهای دیگر نیز به همین صورت است. هنگام طلوع فجر، شرایط ویژه‌ای بر جهان حاکم می شود که با اوقات دیگر، بسیار متفاوت است. از همین رو نمازگزار در این مواقع، احساسی متفاوت با دیگر اوقات دارد. بعضی از آثار و برکات نماز اول وقت عبارت است از:

۱- جلب رضا و خشنودی الهی

امام رضا(ع) فرمود: «بدان که هر نماز دو وقت دارد: اول وقت و آخر وقت. اول وقت خشنودی پروردگار و آخر آن بخشش و عفو الهی است»^۲.

۲- خاموشی آتش دوزخ

رسول اکرم(ص) فرمود: «هیچ نمازی وقتش نمی رسد؛ مگر آنکه فرشته‌ای ندای عمومی سر می دهد: ای مردم! به پاخیزید و آتش‌هایی را که خود بر پشت خویش برافروخته اید، با نماز خاموش کنید»^۳.

۳- جلب دعای خیر

امام صادق(ع) فرمود: «کسی که نمازهای واجب را در اول وقت ادا و حدود آنها را حفظ کند؛ فرشته‌ای آن را سپید و پاکیزه به آسمان

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۲. ۲. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۳۴۵.

۳. ثواب الاعمال، ص ۸۳ و ۸۴.

می برد. آن وقت نماز [به نمازگزار] می گوید: خدا تو را نگاه دارد، همان‌گونه که مرا نگه داشتی و مرا به ملکی بزرگوار سپردی^۱.

۴- لطف و عنایت الهی در قیامت

عارف الهی مرحوم ملکی تبریزی (ره) می نویسد: «هرگاه ندای مؤذن را شنیدی، ندای قیامت را به یاد آر و خود را برای اجابت دعای مؤذن (نماز اول وقت) مهیا کن؛ زیرا آنان که با سرعت، این ندا را پاسخ می دهند، در قیامت با لطف و عنایت به آنها ندا خواهد شد^۲».

۵- نظم و نشاط و حضور قلب

نماز اول وقت در نصوص دینی، مورد تأکید بسیار قرار گرفته و فضایل فراوانی برای آن نقل شده است. از نظر تأثیرات روحی، روانی و اجتماعی، می توان امور زیر را نام برد:

۱- ۵- عادت دادن شخص به نظم.

۲- ۵- وجود نشاط و آمادگی و حضور قلب بیشتر، جهت انس و ارتباط با خدا و تقویت کمالات نفسانی.

۳- ۵- زمینه سازی جهت برگزاری جماعت های بزرگ و انس و الفت و اتحاد بیشتر مسلمانان.

توضیح آنکه: وقتی جامعه اسلامی، مقید به خواندن نماز در اول وقت باشد، در هر منطقه بیشتر مردم هم زمان به نماز خواهند ایستاد. این مسأله آمادگی آنان را برای جماعت و ایجاد صفوف گسترده و

۲. اسرار الصلاة، ص ۱۸۲.

۱. آداب الصلاة، ص ۳.

پرجمعیت بیشتر می‌کند. درحالی‌که نماز در غیر اول وقت، در بین زمان‌های مختلف پراکنده شده و از اجتماع و شکوه عبادی و انس و الفت مؤمنان در مراکز دینی کاسته می‌شود.

۴۶- اهمیت و برکات نماز جماعت چیست؟

نماز جماعت، با شکوه‌ترین، بهترین، پاک‌ترین و معنوی‌ترین اجتماعات دنیا است. از این رو دارای فضیلت و ثواب بسیاری است. برای هر قدمی که انسان به سوی نماز جماعت بر می‌دارد، ثواب و حسنه‌ای در نظر گرفته شده و اگر تعداد نمازگزاران از ده نفر تجاوز کند، کسی جز خداوند حساب ثواب آن را نمی‌داند. در حدیثی آمده است: «هر کسی نماز جماعت را دوست بدارد، خداوند و فرشتگان او را دوست می‌دارند».

پیامبر(ص) می‌فرماید: «آگاه باشید هر که به طرف مسجد، برای اقامه نماز جماعت حرکت کند، به هر قدم او هفتاد هزار حسنه و ثواب برای او نوشته می‌شود و هفتاد هزار گناه او، پاک می‌گردد و به همین اندازه درجاتش بالا می‌رود. اگر در همین حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته بر او می‌گمارد که او را در قبرش زیارت کنند و در تنهایی مونس او باشند و برایش استغفار کنند تا برانگیخته شود^۱».

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲.

«نماز جماعت» دارای آثار و برکات متعددی است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

یک - آثار و برکات عمومی:

۱-۱- تبلیغ و ترویج نماز

قرار دادن نماز در معرض دید دیگران، هم معتقدان به نماز را خوشحال می‌سازد و هم زمینه‌ساز جذب و تمایل دیگران، برای حضور در نماز جماعت می‌شود.

۲-۱- ترویج و تبیین معارف الهی و شعائر دینی

امام رضا(ع) فرموده است: «نماز جماعت بدان جهت قرار داده شد که اخلاص، توحید، اسلام و عبادت خداوند آشکار و ظاهر باشد^۱».

۳-۱- شکوه و عظمت اسلام

حضور جمعی مسلمانان در مساجد، ضمن آنکه عظمت و بزرگی جماعت مسلمانان را می‌رساند؛ بیانگر حاکمیت دینی و مکتب در وجود انسان‌ها نیز هست.

۴-۱- وحدت و تعاون

نماز جماعت، نمایانگر وحدت مسلمانان و محل تجلّی همدلی، تعاون و همکاری آنان با همدیگر است «مع مافیة من المساعدة علی البرّ و التقوی^۲».

۱. همان، ج ۸، ص ۲۸۷.

۲. همان، ص ۲۸۷.

دوم- آثار و برکات دنیوی:

۱- ۲- خوش بینی مردم

پیامبر(ص) فرمود: «هر که نمازهای پنجگانه را با جماعت بخواند، به او گمان هر خیر و نیکی را داشته باشید»^۱.

۲- ۲- استجابت دعا

پیامبر(ص) فرمود: «چون بنده خدا، نماز را با جماعت بخواند و پس از آن حاجتی را از خدا بخواهد؛ خدای عزوجل از وی حیا می‌کند که پیش از روگرداندن او، حاجتش را برآورده نسازد»^۲.

۳- ۲- درمان نفاق

پیامبر(ص) فرمود: «هر کس چهل روز در نماز جماعت شرکت کند و به طور مرتب نمازگزارد؛ دو برائت نامه و دو سند رهایی بخش به او می‌دهند: نجات از آتش و رهایی از نفاق»^۳.

۴- ۲- در پناه خدا بودن

امام صادق(ع) فرمود: «هر کس نماز صبح و عشا را به جماعت بخواند، او در پناه خدای عزوجل است»^۴.

۵- ۲- کفاره گناهان

امام باقر(ع) فرمود: «سه چیز کفاره و پوشاننده گناهان است: وضو

۲. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۴.

۴. المحاسن، ص ۵۲.

۱. همان، ج ۵، ص ۳۷۱.

۳. همان، ج ۸۸، ص ۴.

ساختن در هوای سرد، راه رفتن در شب و روز به سوی نمازها و محافظت بر نمازهای جماعت^۱».

سوم - آثار و برکات اخروی:

۱- ۳- مونس در قبر

پیامبر(ص) فرمود: «آگاه باشید هر که به طرف مسجد برای اقامه نماز جماعت حرکت کند، به هر قدمی هفتاد هزار حسنه و ثواب برای او نوشته می شود... اگر در همین حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته بر او می گمارد که او را در قبرش زیارت کنند و در تنهایی مونس او باشند و برایش استغفار کنند تا برانگیخته شود^۲».

۲- ۳- عبور از صراط

رسول خدا(ص) فرمود: «هر کس در هر کجا باشد، اگر بر جماعت مداومت کند، مانند برق سریع و درخشان همراه نخستین گروه بهشتیان، از روی صراط می گذرد...^۳».

۳- ۳- آزادی از آتش دوزخ

رسول خدا(ص) فرمود: «هر کس چهل روز در نماز جماعت شرکت کند و به طور مرتب نماز گزارد... دو برائت نامه و سند رهایی بخش به او می دهند: نجات از آتش و رهایی از نفاق^۴».

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲.

۴. همان، ص ۴.

۱. بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۱۰.

۳. بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۳.

۴-۳- نجات از مراحل ترسناک قیامت

رسول اکرم (ص) فرمود: «... خداوند در روز قیامت، همه انسان‌ها را برای حساب گرد می‌آورد. پس هر مؤمنی که در نماز جماعت شرکت کند، خداوند سختی‌ها و دشواری‌های روز قیامت را برای او آسان می‌سازد؛ آن‌گاه فرمان می‌دهد که او را روانه بهشت سازند^۱».

۵-۳- ترفیع مقام

رسول خدا (ص) فرمود: «ای علی! سه چیز موجب ترفیع مقام و درجه مؤمن است: وضوی کامل در هوای سرد، انتظار نماز بعد از نماز و شرکت مداوم در نمازهای جماعت^۲».

۴۷- کودکان را از چه سنی به نماز ترغیب کنیم؟

الف - تربیت دینی فرزند کار بسیار ظریفی است و دقت زیادی را می‌طلبد. گاهی ناهنجاری‌های اجتماعی، فرزند را از کنترل خانواده خارج می‌کند؛ بدین لحاظ در امر تربیت فرزند بسیار باید ماهرانه برخورد کرد. در عین حال که پدر و مادر به عنوان دو عنصر دلسوز محسوب می‌شوند؛ گاهی در تربیت، افراط و تفریط می‌کنند! مهم‌ترین روش‌ها در تربیت کودک، تشویق و تنبیه و آگاهی بخشی به او است. البته باید هر کدام در جای خود، به اندازه لازم مورد استفاده

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲.

۲. بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۰؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک: محراب عشق (در فضیلت نماز جماعت)، محمد مهدی علیقلی.

قرار گیرد. علاوه بر این مراقبت‌های محیطی و کنترل اطرافیان نیز می‌تواند مؤثر باشد.

ب - عمده تربیت فرزندان به سال‌های قبل از سن تکلیف بر می‌گردد و در آن سن، بهترین وقت برای تربیت و آموزش آداب «نماز» است. پدر و مادر و اطرافیان، باید با رفتار خود، به فرزندان نشان آموزش‌های لازم را بدهند؛ یعنی، در منزل یک تحرک خاصی در اول وقت آغاز شود و همه به نماز بایستند. فرزند نیز هر آنچه را که می‌بیند، ضبط نموده و به آنها عمل می‌کند؛ به خصوص اگر مورد تشویق قرار گیرد.

بنابراین تربیت در این جهات، از کودکی آغاز شده و اصل کار والدین به آن زمان باز می‌گردد؛ زمانی که کودک به سن شش سالگی رسید، باید کم‌کم او را به آداب وضو و نماز خواندن تمرین داد. یکی از نویسندگان درباره تربیت کودکان می‌گوید: درست است که فرزندان قبل از بلوغ تکلیفی ندارند؛ اما انجام تکلیف دینی را نمی‌توان تا سن بلوغ به تأخیر انداخت. باید انسان از کودکی عادت به عبادت کند تا در سن بلوغ به آنها رغبت داشته باشد. بچه غالباً از سن پنج سالگی و شاید قدری هم زودتر، می‌تواند حمد و سوره را به تدریج یاد بگیرد؛ بر پدر و مادر لازم است حمد و سوره را به او یاد بدهند. سپس بقیه اذکار نماز را با همین منوال تدریجاً به او بیاموزند. وقتی نماز را یاد گرفت و شش یا هفت ساله شد، پدر و مادر به او

دستور می دهند که مرتب نماز را بخوان و اوقات نماز را به او تذکر می دهند. اول وقت خودشان مهیای نماز می شوند و به کودکان نیز تذکر می دهند که وقت نماز رسیده است، نماز را فراموش نکن. وقتی که نه ساله شد، باید به طور قاطع و جدی آن را به نماز خواندن وادار کرد.^۱

در پایان خاطره‌ای از امام راحل (ره) نقل می شود: امام عقیده داشت پیش از رسیدن به سن تکلیف، باید کارهای خوب و بد و مسائل شرعی را به بچه‌ها گفت. گاهی که پسر هشت ساله ام را می دید، می پرسید: نماز را خوانده ای؟ من می گفتم: «آقا» او هنوز به سن تکلیف نرسیده است. آقا می گفت: بچه‌ها قبل از سن تکلیف، باید رو به نماز بایستند تا عادت کنند. اما بعد از سن تکلیف، مگر کسی جرات می کرد، بیدار باشد و نمازش را نخواند! امام نمی توانست تحمل کند که مکلف نمازش را قضا کند؛ البته برای بچه‌ها پیش نیامده بود. هر وقت که بچه‌ها را می دید، می پرسید: نماز را خوانده ای؟ اگر نخوانده بود، جانمازشان را می دادند و می گفت: برو و وضویت را بگیر و بیا نماز را بخوان. بعد از نماز نصیحت می کرد: ببین اگر همین نماز را سر موقع می خواندی؛ چقدر بهتر بود، خدا هم خوشش می آید.^۲

۱. آیین تربیت، ابراهیم امینی، ص ۳۲۱. ۲. امام در سنگر نماز، ص ۱۰۱.

۴۸- آیا نماز خواندن ما تقلیدی نیست؟ چون پدر و مادر ما را به این کار وا داشته اند؟

در پاسخ این سؤال چند نکته قابل توجه و دقت است:

یکم- هر تقلیدی ناپسند نیست. تقلید ناپسند در مواردی است که فرد از کار یا تفکری جاهلانه، پیروی کند؛ ولی تقلید در کارهای پسندیده نه تنها مذموم نیست؛ بلکه کاری خردمندانه است، همچنان که ما در بسیاری از امور تقلید می‌کنیم؛ مانند، دوخت لباس، نوع حرف زدن، طبخ غذا، ساختمان سازی و صدها مورد دیگر.

دوم- احتمالاً این مطلب اشعار به این دارد که ما معمولاً اعمال و ارکان نماز را از پدر و مادر یاد می‌گیریم و این یادگرفتن، تقلید در اصل نماز نیست؛ بلکه یادگیری صحیح آن است. همان‌گونه که ممکن است همین را از معلم و سایر دوستان یاد بگیریم و با توجه به عمل کرد آنان، نماز خوان شویم.

سوم- تشویق و ترغیب فرزندان از سوی پدر و مادر به نماز، یک وظیفه دینی و اخلاقی است و به آنان سفارش شده که در خانه طوری نماز بخوانید که باعث تشویق کودکان و نوجوانان به نماز شوند. همچنین از آنان خواسته شده برای فرزندان‌شان برنامه ریزی کنند و آنها را با حکمت‌های نماز آشنا سازند و در جهت برپایی این فریضه مهم الهی، تلاش نمایند.

چهارم- اصل نماز به هیچ عنوان تقلیدی نیست؛ بلکه انسان باید

خود به اهمیت، ارزش و فلسفه آن پی ببرد و آگاهانه و عاشقانه به برپایی نماز بپردازد. گفتنی است که خواندن یا ترک نماز، امری نیست که منوط به آشنایی ما با فلسفه این عمل یا پذیرفتن قلبی و عقلی ما باشد؛ بلکه ما در هر حال باید نماز بخوانیم و در صورت سستی و کاهلی در این امر، مجازات شدیدی خواهیم شد. حال چه بسا ممکن است پدر و مادر ما نماز خوان نباشند، یا ما با اهمیت و ارزش نماز آشنا نباشیم، یا فرصت انجام آن را پیدا نکنیم و...

۴۹- فردی که مسلمان است و به خدا اعتقاد دارد، اگر نماز نخواند چه

می‌شود؟

ترک نماز، قصور در مهم‌ترین دستور الهی و انجام ندادن بزرگ‌ترین وظیفه و برنامه زندگی است. ترک نماز، ناشکری، ناسپاسی و کفران نعمت‌های الهی و بی‌توجهی به عمود و ستون دین است؛ زیرا نماز پایه استوار آن است. نماز موجب رهایی انسان از بیهودگی و پوچی است. نماز، معنای زندگی و تطابق با نظام آفرینش است. ترک نماز و نیایش، موجب ترک لذت بخش‌ترین حالات انسان است. جوامع، ملت‌ها، اقوام، نژادها از اول تاریخ تا حال با نیایش، عبادت و مناجات، پویا و زنده مانده‌اند (هر چند در روش، کردار و گفتار دچار انحراف هم شده‌اند).

در هیچ زمانی، انسان بی‌نیاز از عبادت و پرستش خداوند نبوده و

نخواهد بود؛ اما این عبادت باید با برنامه و روش خاصی صورت گیرد؛ وگرنه هیچ بهره و نتیجه‌ای، نصیب شخص نیایشگر نخواهد شد. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَمَلَهُمُ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا»^۱؛ «نماز بر مؤمنان، در اوقات معین مقرر شده است».

وجوب نماز یکی از ضروریات دین مقدس اسلام و فریضه‌ای بزرگ و وظیفه‌ای سنگین در این آیین پاک است. خواندن نماز، شرط قبولی سایر اعمال و عبادت‌ها است: «الصلاة عمود الدين ان قبلت، قبل ماسواها و ان ردت رد ماسواها»^۲؛ «نماز پایه دین است، اگر مورد قبول واقع شد، سایر عبادت‌ها هم قبول می‌شود؛ ولی اگر پذیرفته نشد، سایر اعمال نیز پذیرفته نخواهد شد».

ترک نماز و یا سبک شمردن آن، آثار و نتایج شوم فراوانی دارد؛ حضرت رسول در این باره می‌فرماید: «هرکس نماز را سبک بشمارد، دچار پانزده بلا می‌شود: شش بلا در دنیا، سه بلا در هنگام مرگ، سه بلا در قبر و سه بلا و عقوبت هنگامی که از قبر بیرون می‌آید.

الف - آنچه در دنیا به آن دچار می‌شود:

- ۱- خداوند برکت را از عمر او برمی‌دارد.
- ۲- برکت را از روزی‌اش بر می‌دارد.
- ۳- چهره خوبان از او گرفته می‌شود.
- ۴- کار نیک وی دیگر پاداش نخواهد داشت.

۲. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۳۹۴.

۱. سورة نساء، آیه ۱۰۳.

۵- دعایش به اجابت نمی‌رسد.

۶- از دعای خوبان بهره‌ای نخواهد داشت.

ب - آنچه در هنگام مرگ به آن دچار می‌شود:

۱- با ذلت و خواری می‌میرد.

۲- گرسنه از دنیا می‌رود.

۳- تشنه می‌میرد...

ج - آنچه در قبر گریانش را می‌گیرد:

۱- خداوند ملکی را در قبر وی می‌گمارد، تا او را شکنجه دهد.

۲- قبر وی تنگ خواهد بود.

۳- درون قبر وی تاریک خواهد بود.

د - آنچه در قیامت هنگام برخاستن از قبر به آن دچار می‌شود:

۱- خداوند فرشته‌ای بر او می‌گمارد تا وی را با صورت بر زمین

بکشد.

۲- با وی محاسبه سختی خواهد داشت.

۳- هرگز خداوند به وی نظر رحمت نمی‌افکند و تطهیرش نمی‌کند

و عذاب دردناک و سختی در انتظار او است^۱».

در روایت دیگری ترک نماز، مساوی با کفر به خداوند دانسته شده

است. عبید بن زراره می‌گوید: «از امام صادق(ع) پرسیدم: گناهان

کبیره کدام‌اند؟ آن حضرت فرمود: گناهان کبیره در نوشتار علی بن ابی

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۱ ۱۷۲.

طالب(ع) هفت چیز است: کفر به خداوند، کشتن انسان، عاق پدر و مادر شدن، رباگرفتن، خوردن مال یتیم به ناحق، فرار از جهاد و تعرب بعد از هجرت. عبید می‌گوید: از امام پرسیدم: یک درهم از مال یتیم خوردن، بزرگ‌تر است یا ترک نماز؟ حضرت فرمود: ترک نماز. عرض کردم: شما ترک نماز را از گناهان کبیره به حساب نیاوردید. حضرت فرمود: اولین گناه کبیره چه بود؟ عرض کردم: کفر به خداوند. فرمود: شکی نیست که تارک نماز کافر است^۱.

البته مقصود از این کفر، کفر عملی است، نه کفر اعتقادی؛ مگر آنکه ترک نماز از سر انکار آن و انکار خدا و رسول او باشد که در این صورت «کفر مطلق» است.

۵۰- منظور از این که می‌گویند: نماز انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد،

چیست؟

خداوند می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَقِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ»^۲؛ «و نماز را برپا دار، که نماز [انسان را] از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد، و قطعاً یاد خدا بالاتر است». بر اساس این آیه، نماز بدان جهت تشریع شده که آدمی خود را فراموش نکند و بداند که بنده خدا است. در نتیجه در محضر او معصیت نکند و از دستوراتش تخلف نورزد و همیشه عبادتش کند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۵۴. ۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

با خواندن نماز، یک صفت روحی در انسان حاصل می شود (مثل ملکه عدالت) که او را از فحشا و منکر باز می دارد و تنفّری نسبت به فحشا و منکر در او ایجاد می شود.

اگر کسی هر روز پنج بار نماز بخواند، اذکار آن را تکرار کند، از خدا استعانت بجوید، اقرار به وحدانیت خداوند کند، به روز جزا و قیامت توجه نماید و از او هدایت خودش را درخواست کند به خصوص با توجه به مقدمات نماز، مانند لباس که باید پاک و حلال باشد و مکان نمازگزار نباید غصبی باشد، آب غسل و وضو باید حلال باشد و... در این صورت آیا نباید نتیجه آن دوری از فحشا و منکرات باشد! در روایتی از حضرت علی (ع) وارد شده است: «سمعت رسول الله (ص) يقول انما میلة الصلوات الخمس لامتی کفر جار عکم باب احدکم فما ظن احدکم لوکان فی جسده درن ثم اغتسل فی ذلک الفی خمس مرات فی الیوم اکان یبقی فی جسده درن فکذلک واللّه الصلوات الخمس لامتی^۱؛ «نمازهای پنج گانه، مثل نهر آبی است که از کنار خانه انسان بگذرد و انسان روزی پنج بار در آن نهر خود را شست و شو دهد». آیا کسی که در روز پنج بار در نهر آبی خود را شست و شو بدهد، با کسی که اصلاً رنگ آب را نبیند، در یک حالت هستند؟ البته باید توجه کرد که تأثیر نماز برای دوری از فحشا و منکرات، به نحو اقتضا است؛ یعنی، نماز تنها نهی می کند، نه این که مانع گناه شود. نماز به انسان هشدار می دهد و وجدان

نمازگزار را دائماً مخاطب قرار داده و او را از بدی‌ها نهی می‌کند.

۵۱ - چرا بدون دانستن فلسفه احکام، باید تقلید کنیم؟ آیا این حالت به ما نوعی عدم اختیار و نادانی نمی‌دهد که اعمال را تنها از روی اجبار انجام دهیم؟!

تقلید در مورد احکام است و هیچ عالمی نگفته که نبایستی فلسفه احکام دانسته شود. علاوه بر آنکه دانستن حکمت و فلسفه احکام، از ندانستن آن بهتر است و قرآن و روایات نیز ما را به فلسفه احکام متوجه ساخته‌اند.

نوعاً در آیاتی که احکام بیان گردیده، به حکمت آن هم اشاره شده؛ چنان که در مورد نماز می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛ «به یاد من نماز برپا دار» و «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَقِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْهَنْكَرِ»؛ «نماز را برپا دار، که نماز [انسان را] از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد». همچنین در مورد حجاب فرموده است: «ذَلِكَ أَذُنُكَ أَنْ يُعْرِفَنَّ فَلَا يُؤْذِنَنَّ»^۱؛ «این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است» و....

بنابراین تقلید در احکام است، نه در فلسفه آنها. علاوه بر این، فلسفه احکام تقلیدی نیست؛ بلکه تحقیقی است. هر تقلیدی هم به

معنای اجبار و حرکت کورکورانه نیست. ما در بسیاری از امور خود، از متخصصان تقلید می‌کنیم. نظر پزشک حاذق را می‌پذیریم و یا در خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها، نحوه زندگی و بسیاری امور دیگر بدون آنکه فلسفه آنها را بدانیم به تقلید می‌پردازیم. تقلید در احکام، همان رجوع به متخصص است و اگر کسی خود کارشناس باشد، باید به نظر خودش عمل کند و حق تقلید از دیگران را ندارد.

۵۲- مواقعی که حال نماز نیست، چرا باید با حالت کسالت در پیشگاه ذات باری تعالی بایستیم؟

هرچند نماز خواندن در حال کسالت، مکروه است و در قرآن نیز از نماز خواندن در حال کسالت نهی شده است؛ اما بالاخره باید عبادت واجب خود را انجام دهیم.

ترک نماز، حتی در دشوارترین شرایط، کاری ناروا و غیر جایز است؛ هرچند بدون حضور قلب و با کسالت و تنبلی باشد. ضرورت این‌گونه نمازها در حفظ حیات روحی شخص و برقراری ارتباط او با خداوند متعال، مانند غذایی است که انسان مریض، بر خلاف میلش باید بخورد تا رمقش را حفظ کند و زنده بماند.

البته این ضرورت مربوط به نمازهای واجب است که در هر شرایطی، باید خوانده شود و در عین حال باید تلاش گردد تا نشاط و حضور قلب نیز به دست آید.

اما در مورد نمازهای نافله و مستحب سفارش شده که هرگاه آمادگی قلبی و نشاط هست، انسان نماز بخواند و هنگام بی حالی و کسالت روحی، فقط به نمازهای واجب اکتفا کند؛ چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَاراً فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَمَّ النَّوَافِلِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَمَّ الْفَرَائِضِ^۱»؛ «برای دل‌ها، نشاط و روی آوردن و پشت کردنی هست؛ پس آن گاه که نشاط دارند، آنها را بر انجام مستحبات و ادار سازید و آن گاه که پشت کرده و بی نشاط اند، به انجام واجبات قناعت کنید».

ترک نماز به بهانه کسالت و عدم حضور قلب، از وسوسه‌های شیطان است که به این بهانه می‌خواهد رشته ارتباط بین انسان و مبدأ هستی را قطع کند و بین او و ملکوت عالم، فاصله و جدایی بیاندازد. پس انسان نباید مجالی برای وسوسه‌های شیطان فراهم سازد و در نتیجه در گرداب هلاکت و کفر بیافتند «ما بما الايمان و الكفر الا ترك الصلاة»

برای کسب نشاط و سرور معنوی در نماز، راه کارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱ - توجه به اهمیت و ضرورت نماز و آشنایی با اسرار و حکمت‌های مختلف آن؛ نماز دارای فلسفه و اسرار زیادی است و توجه به هر کدام از آنها، به عمل انسان معنا و روح می‌بخشد و او را

به نماز و عبادت علاقه مند می‌کند.

۲- دقت در آثار و برکات فراوان نماز (به خصوص نماز با حضور قلب و با نشاط)؛ نماز و نیایش، علاوه بر این که آرامش به وجود می‌آورد، به طور کامل و صحیح در فعالیت‌های مغزی انسان یک نوع شکفتگی و انبساط باطنی ایجاد می‌کند و او را به یک منبع سرشار و پایان ناپذیر متصل می‌سازد.

۳- مطالعه سیره و رفتار اولیای الهی و عارفان در نماز؛ آشنایی با حالات و عبادت‌های صالحان و شایستگان، تاثیر زیادی بر انسان دارد و او را برای برپایی نماز عاشقانه و پر نشاط، تشویق می‌کند.

۴- مطالعه احادیث و روایات نماز؛ به خصوص مواردی که در تشویق نمازگزاران بیان شده است.

امام صادق(ع) می‌فرماید: «بهترین مردم کسی است که نسبت به عبادت عشق بورزد و با آن معانقه کند و قلبا دوست داشته باشد؛ چنین شخصی باکی ندارد که در چه وضعی زندگی کند؛ در سختی باشد یا ناراحتی^۱».

۵- توجه به مقدمات نماز (وضوی کامل، گفتن اذان و اقامه، رفتن به مساجد و...) تأثیر زیادی در رفع کسالت از انسان دارد.

۶- توکل بر خدا و استعانت از خود نماز، برای رفع کسالت بسیار مفید است؛ چنان که امام صادق(ع) می‌فرماید: «چه مانعی دارد که

چون یکی از شما، غم و اندوهی از غم‌های دنیا بر او آمد، وضو بگیرد و به مسجد برود و دو رکعت نماز بخواند و برای رفع اندوه خدا را بخواند؟! مگر نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^۱؛ «از شکیبایی و نماز یاری جوید»^۲.

۵۳- آیا نماز فقط رکوع و سجود ظاهری است؟ یا باید قلبی و درونی باشد؟

رکوع و سجود، یکی از زیباترین و جذاب‌ترین مرحله عبادت خداوند است. انسان در این حالت، نهایت کرنش، تواضع و فروتنی خود را نسبت به آفریدگار نشان می‌دهد و بر کوچکی، حقارت و ذلیل بودن خود در برابر او اقرار می‌کند. اما باید تلاش کند که این خاکساری و تواضع را به درون نیز سرایت دهد و تمامی ارکان وجودش در مقابل حضرت حق، خاشع و خاضع باشد و قلب و جان‌ش تسلیم و خائف گردد. پیامبر اکرم شخصی را مشاهده کردند که در نماز با ریش خود بازی می‌کند؛ فرمودند: «أَمَا إِنَّهُ لَوْ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشَعَتْ جَوَارِحُهُ»^۳؛ «اگر قلب او خاشع بود هر آینه سایر جوارح او خاشع می‌شد».

و در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که هنگام رکوع می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَ لَكَ أَمَنْتُ وَ لَكَ خَشَعْتُ وَ لَكَ أَسَلَمْتُ وَ بِكَ اعْتَصَمْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَتَّخْ خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ

۱. سوره بقره، آیه ۴۵. ۲. البیان، ج ۱، ص ۱۰۰.

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: آرامش در پرتو نیایش، رحیم کارگر، نشر روح.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۱۷.

لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مُجِّي وَ عَصِي تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ «خدایا! برای تو رکوع کردم و به تو ایمان آوردم و تسلیم تو شدم؛ تو پروردگار منی، گوش و چشم و مغز و استخوان و اعصاب من برای تو خاشع اند و هر چه گام برمی دارم برای پروردگار جهانیان است».

بر اساس این روایت، امام باقر(ع) با رکوعش، اشعار به ایمان، تسلیم و خالص بودن خود برای خدا می کرد و همه وجودش در برابر او در رکوع و تواضع بود.

در روایت دیگری از امام رضا(ع) نقل شده است: «فلم جعل التسبیح فی الركوع و السجود قیل لعل مفا أن یكون العبد مع خضوعه و خشوعه و تعبده و تورعه و استكانته و تذلل و تواضعه و تقریه إلهیه مقدسا له ممجدا مسبحا معظما شاكرا لخالقه و رازقه و لیستعمل التسبیح و التحمید كما استعمل التكبیر و التهلیل و لیشغل قلبه و ذهنه بذكر الله فلا یذهب به الفكر و الأمانه إله غمائله^۱»؛ «اگر کسی بگوید چرا تسبیح در رکوع و سجود قرار داده شده؛ در پاسخ گفته می شود: این امر علت هایی دارد؛ از جمله این که بنده در برابر خداوند خضوع، خشوع، تعبد، ورع، آرامش، فروتنی و تقریبش به سوی خدا باشد، او را تقدیس و تسبیح و تمجید و تعظیم کند و سپاس گزار آفریننده و روزی دهنده خود باشد و به کار گیرد تسبیح و تحمید را چنانچه تکبیر و تهلیل را به کار می گیرد تا قلبش به

۱. همان، ص ۴۴۴.

۲. بحارالانوار، ج ۶، ص ۶۸، ج ۹؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۰؛ الصلاة فی الكتاب و السنة، ص ۹۸.

ذکر خداوند مشغول گردد و اندیشه و فکر و آرزوهایش، وی را به سوی غیر خدا نکشانند».

با توجه به این روایت به خوبی روشن می شود که نماز، باطن و روحی دارد و آن عبارت است از این که قلب انسان نیز مانند بدنش خاشع و خاضع باشد و در برابر حضرت حق فروتنی، خاکساری و تواضع کند و سراسر وجودش تقدیس گو و سپاسگزار او باشد.

علاوه بر این که آنچه در نماز اهمیت دارد، همان حضور قلب و توجه درونی به خداوند است و اعمال ظاهری (مثل رکوع و سجود)، وسیله ای برای تحقق عبودیت، سپاس گزاری، مناجات و سر سپردگی انسان است و آنچه ارزش و اعتبار دارد، میزان تمرکز حواس و ادب او در برابر معبود است.

رسول خدا می فرماید: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَّا يَخْضِرُ قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ»^۱؛ «خداوند نماز بنده ای را که قلبش همراه بدنش حاضر نیست، قبول نمی کند».

۵۴ - همواره احساس می کنیم عباداتم جنبه ریایی دارد و به همین جهت به نماز جماعت حاضر نمی شوم؟

این احساس ناشی از اهمیت دادن زیاد به مسأله «ریا» است. شیطان می کوشد آن را تا حد نوعی وسواس افزایش دهد و بدین

۱. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۲.

وسیله مانع انجام اعمال نیک عبادی شود. بکوشید این احساس، شما را از نماز جماعت و امثال آن باز ندارد. البته اگر واقعا احساس می‌کنید، بعضی از اعمال شما ریایی است، باید در صدد اصلاح و درمان آن باشید و با مطالعه متون دینی، در رفع آن بکوشید. علاوه بر این باید بدانید که انجام واجبات به صورت آشکار اشکالی ندارد؛ بلکه برای آن نیز تاکید شده است. تنها نباید در نیت انسان، ریا، خودنمایی و تظاهر وجود داشته باشد. پس نماز واجب و زکات واجب را باید علنی انجام داد؛ ولی بهتر است صدقات نمازهای مستحبی پنهانی باشد.

۵۵- نشانه اخلاص در عبادت چیست؟

همه عبادت‌ها و اعمال نیک، باید به قصد قربت انجام گیرد و اگر گوشه‌ای از آن برای غیر خدا باشد، باطل است. اخلاص نشانه‌هایی دارد که در صورت تحقق آن، نباید انسان از وسوسه‌های شیطان و افکار نادرست بترسد و یا احساس ریا کند. این نشانه‌ها عبارت است از:

- ۱- بی توقعی از دیگران؛ یعنی، در انجام عمل نیک، هیچ توقع پاداش و تحسین از دیگران نداشته باشد.
- ۲- عمل به تکلیف؛ یعنی، انسان در عمل، دنبال کاری برود که ضروری و تکلیف بوده و بر زمین مانده است (هر چند عنوان و

شهرت و تحسین دیگران در آن نباشد) و برای اورفاه و درآمد و اعتبار اجتماعی نیاورد.

۳ - یکسانی استقبال یا بی اعتنائی؛ در انجام وظیفه برای اهل اخلاص، تفاوتی نمی‌کند که مردم از او استقبال نموده یا با بی اعتنائی برخورد کنند.

۴ - پشیمان نشدن؛ کسی که برای خدا کار می‌کند و از دیگران انتظاری ندارد، هرگز از انجام کار نیک پشیمان نمی‌شود؛ چون کار را برای خدا انجام داده و اجر و ثواب آن را هم از او می‌گیرد.

۵ - حرکت یکنواخت؛ انسان مخلص، اعمال خود را مستمر و یکنواخت انجام می‌دهد و در پنهان و آشکار یکسان عمل می‌کند. از تکرار عمل، حتی برای هزارمین بار خسته نمی‌شود.

۶ - یکی بودن ظاهر و باطن؛ شخص مخلص، بدون در نظر گرفتن پسند و رضایت این و آن، به وظیفه خود عمل می‌کند و ظاهر و باطن او یکی است و چه بسا در خفا و باطن، عبادت را بهتر و خاضعانه‌تر انجام دهد.

۵۶ - نماز در ادیان گذشته به چه شکل بوده است؟

نماز که نوعی عبادت و پرستش و ارتباط ویژه با آفریدگار جهان و انسان است، در ادیان پیشین نیز وجود داشت اما کیفیت آن در ادیان مختلف متفاوت بوده است و صورت کاملی از چگونگی دقیق آن در

هر دینی، در دست نیست. آنچه مسلم است مراسمی به عنوان عبادت و پرستش در کلیه ادیان وجود داشته و دارد. به نظر می‌رسد متناسب با تکامل دین، نماز نیز روند تکاملی داشته است و دین مبین اسلام - همچنان که در معارف، قوانین و مقررات اجتماعی - کامل‌ترین دین است در عبادات نیز جامع‌ترین و کامل‌ترین آنها را - که متناسب با انسان رشد یافته عصر خاتمیت است - تشریع فرمود.

۵۷- آیا نمی‌شود به جای نماز خدا را در دل بخوانیم؟

نماز یک مجموعه چند منظوره است که بدون انجام دادن آن، اهداف مشخص شده تأمین نمی‌گردد.

اگر هدف نماز، تنها و تنها یاد خدا بود؛ این کار با راز و نیاز و خلوت دل نیز حاصل می‌شد؛ ولی علاوه بر هدف یاد شده، کارکردهای فراوان دیگری در نماز هست که تنها در پرتو نماز می‌توان آنها را محقق ساخت.

۱- طهارت و پاکیزگی (وضو، غسل، لباس پاک و مکان پاک).

۲- رعایت به حلال و حرام و کسب حلال (مکان مباح، آب مباح و لباس مباح).

۳- توجه به زمان، وقت و فرصت‌ها (اوقات نماز).

۴- توجه به اصول اعتقادی (اصول مطرح شده در سوره حمد

و...).

- ۵- توجه به الگوها و نمونه‌ها (انعمت علیم، عباد الله الصالحین...).
 - ۶- اعلام و شعار (اذان و اقامه).
 - ۷- وحدت و همدلی (نماز جماعت، نمازهای جمعه و عید).
 - ۸- نشاط (ارتباط با آب در وضو و غسل).
 - ۹- نظم و انضباط (که در تمامی اعمال نماز از اذان تا وضو و رکعات ملحوظ است).
 - ۱۰- تحرک بدنی (قیام، رکوع و سجده).
- آنچه گفته شد، تنها بعضی از آثار نماز و کارکردهای آن است؛ حال آیا می‌توان گفت که تنها در گوشه‌ای خزیدن و به یاد خدا بودن از نماز کفایت می‌کند؟

۵۸- آیا خواندن نماز در هر روز و شب، کار تکراری نیست؟

اگر غرض و هدف در کاری معلوم نباشد، فعالیت‌هایی که برای آن انجام می‌گیرد، خسته کننده، تکراری و بی معنا به نظر می‌رسد. اگر ندانیم که یک بنا، برای چه منظور آجرها را روی هم می‌گذارد، کار او به نظر کاری تکراری و بی دلیل خواهد آمد؛ ولی چنان که بدانیم قرار است ساختمانی ساخته شود که افرادی در آن سکونت پیدا کنند، دیگر کار چندین روزه و چند ماهه بنا و کارگر، بی معنا و تکراری نخواهد بود.

در نماز نیز همین منطق حکم فرما است.

به چند نکته توجه کنید تا موضوع روشن شود:

۱- انسان در سیر و سفری سخت و دشوار است و به سوی هدفی بزرگ و متعادل، در حرکت است: «یا ایها الانسان انک کادح افربک کدحاً فملاقیه^۱؛ ای انسان تو با رنج و سختی به سوی پروردگارت در حرکتی تا او را ملاقات کنی».

وقتی چنین هدف بزرگ و ارجمندی در کار است، باید همواره ابزاری در کار باشد که به انسان یادآوری کند؛ وگرنه مقصود فراموش می شود و او در پیچ و خم زندگی، از همه جا بی خبر در راه خواهد ماند. اگر کسی بخواهد به قله ای بزرگ صعود کند و یا غاری بزرگ را در دل زمین طی کند، نیازمند است که در هر مقطع و گذرگاه، مسیر را بررسی و به علایم و نشانه ها، توجه کند تا راه را گم نکند؛ وگرنه در پیچ و تاب غار گم خواهد شد و یا اگر در جاده ای طولانی به طرف مقصدی در حرکت هستید، چنانچه تابلو و نشانه ای در کار نباشد، انسان سرگردان خواهد شد و چه بسا که هرگز به مقصد نرسد.

نماز یادآوری کننده و تابلویی است که در همه مقاطع زندگی، به کار می آید و برای یادآوری ضروری است: «واقم الصلاة لذكری^۲؛ نماز را به خاطر یاد من به پادار».

۲- معرفت نعمت های الهی و شکرگزاری در درگاه او؛ شناخت نعمت های الهی و نعمت بخش هستی و شکرگزاری در درگاه او

۱. سورة انشقاق، آیه ۶.

۲. سورة طه، آیه ۱۴.

موضوعی است غیر قابل تردید و هر وجدان سالمی، بر ضرورت آن تأکید می‌کند. بی تردید نماز جلوه‌ای از شکرگزاری به درگاه خداوند است:

«فلیعبدوا رب هذا البيت، الذی اطعمهم من جوع و آمفیهم من خوف»^۱؛ پس پروردگار این خانه (کعبه) را بپرستید که شما را سیر کرد و امنیت بخشید».

اکنون باید به این پرسش، پاسخ داد که آیا نعمت‌های الهی، هر روز تجدید نمی‌شود؟ آیا هر روز و هر شب و هر ساعت و هر لحظه نعمت تازه‌ای به ما ارزانی نمی‌شود؟

هر نفس نو می‌شود دنیا و ما

بی خبر از نو شدن اندر بقا

عمر همچون جوی نونو می‌رسید

مستمری می‌نماید در جسد

(مولوی)

پس هر نماز شکری است در برابر نعمت‌های جدید و قدیم خداوند و البته که:

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید

شکر منعم واجب آید در خرد ورنه بگشاید در خشم ابد

(سعدی)

۱. سوره قریش، آیه ۲ و ۳.

سرببخشد، شکر خواهد سجده‌ای

یا ببخشد، شکر خواهد قعده‌ای

(مولوی)

۳- انسان هر روز، نیازهای جدیدی دارد که آن را می‌طلبد. نماز که

زیباترین شکل و هندسه توجه به خدا است؛ مناسب‌ترین فرصت

برای درخواست و دعا به درگاه او است.

گفت وقت فقر و تنگی دو دست

جست و جوی آزموده بهتر است

درگهی را کآزمودم در کرم

حاجت نو را بدان جانب برم

(مولوی)

پس همان‌گونه که آدمی نیازهای نویی دارد، باید نمازهای تازه‌ای

نیز داشته باشد.

۴- بدن انسان، همواره نیاز به آب و غذا و هوا دارد تا به حیات

خود ادامه دهد و سالم بماند. روح و روان انسان نیز برای سلامت

خود، نیاز به تغذیه مناسب فکری و روحی دارد. نماز تغذیه منظم و

برنامه ریزی شده، برای روح و روان انسان است.

۵- ظاهر بعضی از کارها تکراری است؛ ولی در مجموع هدفی را

تعقیب می‌کند و بدون همان کارهای به ظاهر تکراری، به نتیجه

نخواهد رسید. کسی که از نردبان بالا می‌رود، کاری تکراری می‌کند،

اما با برداشتن هر قدم رو به بالا می رود. چنان که کسی که چاه می کند، دائماً کاری تکراری می کند، اما هر کلنگی که می زند، به عمق بیشتری می رسد.

به نظر می رسد هر نماز، با نماز قبلی مشابه است؛ ولی حقیقت آن است که هر نماز انسان را یک پله بالاتر و یک قدم به هدف نزدیک تر می سازد. در آیه پایانی سوره علق می خوانیم: «سجده کن و نزدیک شو»^۱.

۵۹- کسانی مدعی مراتب بالای عرفانی هستند؛ ولی نماز نمی خوانند! این کار چگونه توجیه می شود؟

این ها نه تنها به هیچ مرتبه ای از عرفان نرسیده اند؛ بلکه به درجات حیوانی سقوط کرده اند؛ زیرا عبادت رمز کمال انسانیت است و هر چه یقین و عرفان انسان بیشتر باشد، عبادت او از اوج بیشتری برخوردار خواهد بود؛ همان گونه که این امر در عبادت ها و نمازهای حضرت علی (ع) پیشوای عارفان جلوه گر بوده است. این ها گمراهانی اند که گمان می کنند معرفتی پیدا کرده اند؛ درحالی که هم خود و هم دیگران را فریب داده و گمراه می کنند. آنان نزدیکی و فانی فی الله را جهت توجیه بی توجهی خود نسبت به عبادات همچون نماز، روزه و... مطرح می کنند و می گویند:

۱. سوره علق، آیه ۲۰.

این عبادات قشری است و ما به باطن و لب آن نائل گشته ایم!! این سخنی پوچ و بی معنا است؛ زیرا هر یک از مراتب وجود انسان اعم از جسم و روح حظی از عبادت دارد و عابد حقیقی با تمام وجود، نیایشگر حق و حافظ ظاهر و باطن شریعت است. شیخ صدوق در «باب حادی عشر» این گرایش‌ها را شرک به خدا می‌داند. عرفان و شناخت واقعی، بنده را لحظه به لحظه مطیع تر می‌کند؛ به طوری که از عبادت و نیایش‌های خود لذت و آفری می‌برد. چنین عاشق عابدی، گاهی یک شب را به رکوع و شبی دیگر را به سجود و... می‌گذراند و هرگز خسته و ملول نمی‌شود و نمی‌تواند غذای معنوی و روحی عبادت و عشق به الله را ترک کند.

۶۰- چرا نماز - حتی اگر با حضور قلب نخوانیم - باز هم یک آرامش خاطر و اطمینان خاصی به ما می‌دهد؟

در روایتی آمده است: «بدانید! نماز غذایی روحی و آسمانی است که خداوند برای زمینیان قرار داده است و آن را برای شایستگان رحمت خویش گوارا کرده است؛ خوراکی روحی و روانی که در هر شبانه روز پنج نوبت از آن تغذیه می‌کنند و ریشه می‌یابند»^۱. از نظر علمی نیز توجه به چند نکته مفید است:

۱- این موضوع از دید علم پزشکی ثابت و مطرح شده است که

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۰.

نماز و نیایش، به واسطه آزاد سازی «آندروفین‌ها»، موجب کاهش استرس و فشار روانی می‌شود.

۲- به تجربه ثابت شده که خواندن پروردگار، با اسمای حسنای او، تلاوت قرآن، اذکار و تکرار تسبیحات، آرامش بخش و برطرف کننده مشکلات روانی و روحی بوده است.

۳- الکسیس کارل نوشته است: «نیایش علاوه بر این که آرامش به وجود می‌آورد، به طور کامل و صحیحی در فعالیت‌های مغزی انسان، یک نوع شکفتگی و انبساط باطنی ایجاد کرده، انگیزه قهرمانی و دلاوری را تحریک می‌کند»^۱.

۴- دیل کارنگی می‌نویسد: «توسل به خدا و نیایش، سه اصل روان‌شناسی را که همه به آن نیازمندند در انسان زنده می‌کند:

یک- دعا و نیایش به ما کمک می‌کند تا ناراحتی‌ها و گرفتاری‌ها را هنگام دعا بر زبان آوریم و آنها را حل کنیم. کسانی که در هر حالی نماز می‌خوانند - حتی بدون حضور قلب - پابندی خود را به یکی از واجبات مهم الهی، نشان می‌دهند و این خود حاکی از روحیه تعبد و بندگی در آنان است. چنین افرادی کم‌کم شاهد آثار و برکات نماز در زندگی خود خواهند بود.

ضرورت نماز در حفظ حیات روحی انسان و برقراری ارتباط او با خداوند متعال؛ مانند غذایی است که انسان مریض، برخلاف میلش

۱. نیایش، ص ۱۱.

می خورد تا نیرویش را حفظ کند و زنده بماند. نماز پل ارتباط انسان با خدا است و نباید در هیچ حالی خراب شود؛ زیرا انسان را کم کم به خدا نزدیک می سازد. نماز معجون شگفتی است که حتی پیکر و ظاهر آن - هر چند بدون حضور قلب باشد - باز دارای اثر ویژه خود است که هرگز با چیزهای دیگر حاصل نمی شود. همین نماز بی حضور، با تصمیم، تمرین، حوصله و استمداد از خدا و توسل به اولیای او، می تواند به نماز آکنده از حضور و لذت تبدیل گردد.

رسول اکرم(ص) نماز را به چشمه آبی تشبیه فرمود که در شبانه روز، پنج نوبت انسان خود را در آن شست و شو می دهد که دیگر چرک و آلودگی در بدن او نمی نماند.

نماز، نمازگزار را از اضطراب و دغدغه دور نگه می دارد و به او آرامش روح و روان می بخشد. بر اثر این آرامش روانی، اعصاب، قلب و دیگر اندام های بدن نیز به راحتی و آرامش می رسند.

نماز یاد خدا است و یاد خدا - در هر حالی - قلب را مطمئن می سازد و انواع بیماری هایی را که نفوس انسان ها به آن گرفتار است، معالجه می کند.

دو- بر اثر نیایش احساس می کنیم، شریکی برای غم خود یافته ایم و تنها نیستیم.

سه - دعا و نیایش انسان را به کار و کوشش وامی دارد و وقتی هدف

برای خداوند متعال شد، اولین قدم برداشته شده است.^۱
پس روشن می شود که نماز به خودی خود، دارای نیروی عظیمی
است که در روح و روان انسان تأثیر می گذارد و به او آرامش و اطمینان
می بخشد و از مفاسد و گناهان دور می سازد.

۱۲۴ □ یکصد و ده پرسش و پاسخ درباره نماز

بخش دوم:

احکام نماز

۱۲۶ □ یکصد و ده پرسش و پاسخ درباره نماز

بخش دوم

۶۱- حکم شرکت زنان در نماز جماعت چیست؟

شرکت زنان در نماز جماعت موجب بهره‌مندی آنان از ثواب جماعت می‌گردد و فرقی از این جهت با مردان ندارند. البته درباره شرکت زن در نماز جماعت آمده است: «برای زنها، نماز خواندن در خانه، بلکه در... اتاق عقب بهتر است. ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند بهتر است در مسجد نماز بخوانند».^۱

۱. توضیح المسائل امام (ره)، مسأله ۸۹۴.

۶۲- آیا در زمان حیات والدین می‌شود نماز قضای آنها را خواند؟

قضای نماز برای شخص دیگر، فقط بعد از مرگ او جایز است و در زمان حیات او کسی نمی‌تواند قضای نمازهای او را به جا آورد.

۶۳- آیا قضای نماز باید در همان وقت خودش انجام شود؟

نیازی نیست نماز قضا را در وقت خودش بخواند. بنابراین می‌تواند قضای نماز صبح را بعد از نماز ظهر و عصر بخواند.

۶۴- چنانچه چادر بین پیشانی و مهر قرار گیرد، حکم آن چیست؟

اگر در حالت سجده، چادر بین مهر و پیشانی آمد، سجده صحیح نیست و بایستی چادر را از بین مهر و پیشانی بیرون کشید.

۶۵- آیا نماز اول وقت و به جماعت، مقدم است یا راه اندازی کار مردم؟

مسلماً سفارش‌هایی که برای نماز اول وقت - به خصوص نماز جماعت - شده؛ برای همه اقشار جامعه است. همیشه عده‌ای سرگرم کار خود هستند و خواهند بود و این از اهمیت و فضیلت جماعت - آن هم حداکثر ۲۰ تا ۳۰ دقیقه در یک مسجد نزدیک محل کار - نخواهد کاست.

بله اگر اتفاقاً موردی است که اهمیت فراوانی دارد و تأخیر آن برای

مراجعه کننده موجب ضرر و زیان و آزار و اذیت شود، انجام دادن کار او مقدم می باشد.

۶۶ - مقداری از نماز و روزه‌هایم قضا شده است؛ برای قضای آنها چه مقدار انجام دهم که رفع تکلیف شود؟ و آیا قضای نماز ایام عادت واجب است؟

آن مقدار که یقین دارید قضا شده است، بخوانید؛ مثلاً اگر نمی دانید پنجاه روز یا شصت روز نماز قضا دارید، پنجاه روز را قضا نمایید. برای قضای نمازهای چندین ساله بهتر است روزانه و به تدریج نمازها را قضا کنید؛ یعنی، نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا برای یک روز و همین طور تا یک سال و سالهای بعد. البته قضای نمازهای ایام عادت ماهانه واجب نیست. بنابراین در هر ماه نمازهای چند روز عادت را کم کرده و بقیه را قضا نمایید. اما قضای روزه‌هایی که به خاطر ایام عادت نگرفته‌اید، واجب است. بنابراین روزه‌ها هم به مقداری که می دانید و یقین دارید نگرفته‌اید، باید قضا کنید و اگر خدای ناکرده عمداً روزه خورده‌اید، باید علاوه بر قضا کفاره آنها را هم بدهید.

۶۷- تکلیف کسانی که تاکنون تقلید نکرده‌اند چیست؟

- اعمال افرادی که تقلید نکرده‌اند، در چند صورت صحیح است:
- ۱- یقین کنند که طبق حکم واقعی الهی عمل نموده‌اند و این غالباً در صورتی است که مطابق احتیاط عمل کرده باشند.
 - ۲- چنانچه اعمال گذشته‌اش با فتوای مرجعی که فعلاً باید از او تقلید کند هماهنگ باشد.
 - ۳- به فتوای حضرت امام(ره) مطابقت عمل با فتوای هر مرجع جایزالتقلیدی کافی است؛ چه مرجعی که در گذشته باید از او تقلید می‌کرد و چه آن که اکنون می‌تواند تقلید کند. پس اعمالی که بدون تقلید انجام داده، در صورتی صحیح است که اکنون از مجتهدی تقلید کند که اعمال سابق او را صحیح می‌داند.

۶۸- راه تشخیص مجتهد اعلم چیست؟

- راههای شناخت مجتهد اعلم عبارت است:
- ۱- انسان خودش اهل خبره باشد و مجتهد اعلم را تشخیص بدهد.
 - ۲- به گفته دو نفر عالم و اهل خبره مجتهد اعلم را بشناسد البته به شرط این که گفته آن دو عالم با گفته دیگران تعارض پیدا نکند.
 - ۳- در میان اهل علم یا مردم شخصی در اعلمیت شهرت پیدا کند و بیشتر مردم یا اهل علم بگویند: فلان مرجع از همه اعلم است. در

این زمان برای کسانی که خودشان اهل خبره نیستند، یقین داشتن به اعلم در شخص خاصی مشکل است و از هر کدام از مراجع فعلی می توان تقلید کرد.

مراجع موجود عبارت اند از آیات عظام: خامنه ای، بهجت، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، صافی، سیستانی، نوری همدانی.

۶۹- در چه مواردی می توان به جای وضو و غسل، تیمم کرد؟

در هفت مورد به جای وضو و غسل، باید تیمم کرد:

- ۱- در صورتی که آب به قدر وضو یا غسل موجود نباشد.
- ۲- اگر به واسطه پیری یا ترس از دزد و جانور و مانند این ها و یا نداشتن وسیله ای که از چاه آب بکشد و دسترسی به آب نداشته باشد.
- ۳- اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد که به واسطه استعمال آب، مرض یا عیبی در او پیدا شود.
- ۴- هرگاه بترسد اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خود او یا عیال و اولاد او یا رفیقش و کسانی که با او مربوط اند از تشنگی بمیرند یا مریض شوند و یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد.

- ۵- کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد- که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی ماند-

باید لباس را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند.

۶- اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد؛ مثلاً آب یا ظرف غضبی است و غیر آن آب و ظرف دیگری ندارد.

۷- هرگاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا تعدادی از آن بعد از وقت خوانده می شود.

۷۰- آیا در قنوت می شود دعای فارسی خواند؟

بنابر فتوای برخی از مراجع (مانند امام خمینی (ره)) دعا کردن در قنوت و نماز به فارسی اشکالی ندارد. برخی از فقها نیز دعا به فارسی و هر زبان دیگر را جایز می دانند؛ لکن عده ای هم آن را جایز نمی دانند و شما باید به فتوای مرجع تقلید خودتان مراجعه نمایید.

۷۱- برای رفع مشکل وسواس چه کنیم؟

برای از بین رفتن حالت وسواس، راه کارهای زیر پیشنهاد می شود:

۱- یادگیری مسائل شرعی به نحو صحیح.

۲- توجه به مفاسدی که وسواس به دنبال دارد؛ مانند از بین رفتن تمرکز فکری و اختلال در امور زندگی و بازماندن از انجام تکالیف شرعی.

۳- مطالعه کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده است؛ مانند

کتاب «وسواس» تألیف مرحوم مصطفی زمانی.

- ۴- توجه داشته باشیم که گمان به نجاست تکلیف آور نیست. بلکه در صورتی اجتناب لازم است که انسان یقین به نجاست داشته باشد.
- ۵- همان طور که می دانیم در زمان پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، با این که آب لوله کشی و امکانات بهداشتی فعلی موجود نبوده، مسلمانان به طور عادی زندگی می کردند و در خصوص طهارت و نجاست مشکل خاصی نداشتند.
- ۶- توجه به این که یقین شخص وسواسی برای وی معتبر نیست؛ بلکه در پاک شدن و نجس گشتن اشیا، باید به نظر عرف مراجعه کند و در آب کشیدن اشیا و انجام دادن غسل به طور عادی و مانند عرف عمل کند.

۷۲- طریقه نماز شب را بیان کنید؟

نماز شب یازده رکعت است و وقت آن از نیمه شب تا اذان صبح است که به ترتیب زیر می باشد: ۱- هشت رکعت نافله شب که به صورت چهار نماز دو رکعتی (مانند نماز صبح) خوانده می شود. ۲- دو رکعت نماز «شفع» که پس از هشت رکعت اول خوانده می شود. مستحب است در آن پس از حمد در یک رکعت، سوره «قل اعوذ برب الفلق» و در رکعت دیگر «قل اعوذ برب الناس» خوانده شود. ۳- یک رکعت نماز «وتر» که پس از «شفع» خوانده می شود. مستحب است در

آن پس از حمد «قل هو الله احد» سه مرتبه خوانده شود. سپس یک بار «قل اعوذ برب الفلق» و یک بار «قل اعوذ برب الناس». پس از خواندن سوره، قنوت می‌گیرد که مستحب است به این صورت باشد: هفتاد مرتبه گفته شود: «استغفرالله رتخ و اتوب الیه» و برای چهل نفر مؤمن استغفار شود یا چهل بار گفته شود: «اللهم اغفر للمؤمنین و ایهومنات» و سیصد مرتبه گفته شود: «العفو». البته این‌ها مستحب است و بدون این‌ها هم می‌توان خواند. حتی می‌توان بدون سوره یا قنوت خواند و اگر وقت تنگ باشد، می‌توان فقط به «شفع» و «وتر» یا «وتر» تنها اکتفا نمود. این نماز در تمام شب‌های سال مستحب است و فضیلت بسیار دارد. در روایت است: «خانه‌ای که در آن نماز شب خوانده شود مانند ستاره آسمانی برای ملائک می‌درخشد و آنان برای نماز گزار صلوات و درود و رحمت می‌فرستند».^۱

۷۳ - هنگامی که نماز جماعت شروع شده است و ما دیر رسیدیم، چگونه اقتدا کنیم؟

حالت‌های مختلف برای پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن) عبارت است از:

الف - رکعت اول:

۱ - در بین قرائت امام؛ مأوم «حمد» و سوره را نمی‌خواند و بقیه

۱. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۱۵۴.

اعمال را با امام جماعت به جا می آورد.

۲- در رکوع؛ رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت به جا می آورد.

ب - رکعت دوم:

۱- در بین قرائت؛ مأموم «حمد» و سوره را نمی خواند و با امام، قنوت، رکوع و سجده را به جا می آورد. آن گاه که امام جماعت تشهد می خواند، بنابر احتیاط واجب، باید به صورت نیم خیز بنشیند و اگر نماز دورکعتی است، یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند. اما اگر نماز سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوم - که امام جماعت در رکعت سوم است - «حمد» و سوره بخواند (هرچند امام جماعت تسبیحات بخواند). اگر فرصت کم باشد، می تواند تنها به «حمد» اکتفا کند، و آن گاه که امام جماعت رکعت سوم را تمام کرد و برای رکعت چهارم برمی خیزد، مأموم باید پس از دو سجده، تشهد را بخواند و برخیزد و قرائت رکعت سوم را به جا آورد و در رکعت آخر نماز - که امام جماعت با تشهد و سلام نماز را به پایان می برد - یک رکعت دیگر بخواند.

۲- در رکوع؛ رکوع را با امام جماعت به جا می آورد و بقیه نماز را

همان گونه که گفته شد انجام می دهد.

ج - رکعت سوم:

۱- در بین رکعت سوم - چنانچه می داند اگر اقتدا کند برای

خواندن «حمد» و سوره و یا «حمد» تنها وقت دارد - می تواند اقتدا

کند و باید «حمد» و سوره یا «حمد» تنها را بخواند. اما اگر می‌داند فرصت ندارد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.

۲ - در رکوع؛ چنانچه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام به جا می‌آورد و «حمد» و سوره برای آن رکعت ساقط است و بقیه نماز را همان‌گونه که قبلاً بیان شد، به جا می‌آورد.

د - رکعت چهارم:

۱ - حکم کعت سوم را دارد و آن گاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می‌نشیند؛ مأوم می‌تواند برخیزد و نمازش را به تنهایی ادامه دهد. همچنین می‌تواند، به طور نیم خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد.

۲ - در رکوع؛ رکوع و سجده‌ها را با امام به جا می‌آورد، (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اول مأوم است) و بقیه نماز را همان‌گونه که گذشت انجام می‌دهد.

۷۴ - آیا صحیح است که کارمندان ادارات در وقت اداری، نماز بخوانند؛

درحالی‌که باید کار مردم را انجام دهند؟

در باره تقدم نماز بر کار و اقامه آن در اول وقت، سفارش و دستورات زیادی وارد شده است. فرقی هم نمی‌کند که شخص در منزل باشد، یا محل کار و یا مسجد. در هر حال مستحب و شایسته

است که او نماز را در اول وقت (بعد از گفتن اذان) بخواند. در ادارات نیز معمولاً بعد از چندین ساعت کار و فعالیت، بیست دقیقه تا نیم ساعت به کارمندان اجازه می‌دهند که در نمازهای جماعت ادارات شرکت کنند و این به معنای از بین بردن حق ارباب رجوع نیست؛ زیرا همه مسلمانان - چه کارمند و چه ارباب رجوع - وظیفه دارند نماز را در اول وقت به جا آورند. از شهید رجایی نقل شده است که می‌گفت: «به نماز نگویید کار دارم، بلکه به کار بگویید نماز دارم».

اما در عین حال اگر کارهای اداری به نحوی بود که تا وقت نماز، امکان حل و فصل آنها نبود و ارباب رجوع نیز منتظر رسیدگی به کار ضروری خود بودند و در صورت به تأخیر افتادن، احتمال ناراحتی و ضرر و زیان وجود دارد؛ در این صورت بهتر است کارمندان، رسیدگی به کار ارباب رجوع را - آن هم در شرایط استثنایی - مقدم کنند و نماز خود را بعد از آن بخوانند.

۷۵- آیا شیشه حایل محسوب می‌شود؟

۱- بین خانم‌ها و آقایان باید حایلی باشد - در صورتی که موازی هم ایستاده‌اند - لذا اگر شیشه یا پرده‌ای حایل شده باشد، اقتدای آنان صحیح است.

۲- آقایان نمی‌توانند از پشت شیشه، به جماعت اقتدا کنند؛ در

صورتی که دو مکان صدق کند. البته اگر شیشه کوتاه باشد - به طوری که عرفاً یک مکان محسوب شود - اقتدا اشکالی ندارد.

۷۶ - نمازها را باید در سه نوبت بخوانیم، یا می‌توانیم در پنج وقت به جا آوریم؟

به هر دو صورت می‌شود خواند و پیامبر(ص) نیز به هر دو صورت به جا آورده‌اند. اما اگر بخواهیم نمازها را در وقت فضیلتشان، به جا آوریم، سنت در خواندن نماز در پنج وقت است.

۷۷ - آیا بدون ذکر نیت نماز صحیح است؟

همه اعمال عبادی، نیاز به نیت دارد و بدون نیت صحیح نیست؛ ولی لازم نیست نیت را به زبان آورد. همین که شخص هنگام عمل بداند چه می‌کند، کافی است.

۷۸ - آیا زن می‌تواند امام جماعت شود؟

به فتوای همه مراجع معظم تقلید، امامت جماعت زن برای مردان جایز نیست؛ ولی در مورد زنان مسأله مورد اختلاف است. مرحوم امام و آیات عظام اراکی، سیستانی، مکارم، اردبیلی، نوری همدانی و زنجانی امامت زن برای زنان را جایز می‌دانند.

مرحوم آیت الله گلپایگانی می فرماید: به احتیاط واجب امام جماعت، باید مرد باشد؛ مگر در نماز میت.

آیت الله صافی فرموده است: به غیر از نماز میت، امامت زن کراهت دارد. فتوای آیت الله فاضل نیز چنین است: احتیاط واجب باید مرد باشد.

گفتنی است مقلدان کسانی که فتوا به احتیاط داده اند، می توانند در این مسأله به مراجعی که فتوا به جواز داده اند، رجوع کنند.

۷۹- چگونه از گناهانی مانند ترک نماز، توبه کنیم؟ توبه چه مراحل دارد؟

الف - گناهانی که فقط از حقوق خداوند است، چنانچه قضا و كفاره داشته باشد (مانند نماز، روزه و حج)، انسان باید علاوه بر توبه و تصمیم بر ترک، قضای آنها را نیز به جا آورد و كفاره آنها را بپردازد.

ب - آنهایی که قضا و كفاره ندارد (مثل دروغ، استمنا و...)، فقط توبه و استغفار کافی است.

ج - در گناهانی نیز که در آنها حقوق مردم پایمال شده (مثل دزدی و از بین بردن اموال مردم، یا قتل و جرح دیگران و...) علاوه بر توبه و پشیمانی، باید رضایت صاحبان حق را با پرداخت غرامت یا حلالیت گرفتن، حاصل کرد.

مراحل توبه:

حضرت علی (ع) در یکی از سخنان خود، مراحل توبه را بدین

گونه ذکر فرموده‌اند:

مرحله اول - پشیمانی جدی از گناهی که در گذشته انجام داده است.

مرحله دوم - ترک کردن آن گناه در آینده.

مرحله سوم - جبران اعمال گذشته (مثلاً اگر نماز نخوانده قضای آن را بخواند).

مرحله چهارم - رد حقوقی که بر عهده او است (مثلاً اگر به کسی بدهکار است، توبه آن پرداخت بدهی است).

مرحله پنجم - استغفار کردن و طلب آمرزش از خداوند.

پس توبه یک لفظ نیست؛ بلکه یک تحوّل در درون انسان و زندگی او است. پس از پیدا شدن حالت توبه و پشیمانی و ندامت از کارهای ناپسند، چند عمل سزاوار است:

۱ - سه روز روزه گرفتن؛ حضرت امام صادق(ع) می‌فرماید: «توبه نصوح که خداوند به آن امر فرموده، روزه گرفتن روز چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه است»^۱.

۲ - غسل توبه؛ حضرت رضا(ع) به کسی که می‌خواست از گناه شنیدن موسیقی حرام توبه کند، فرمود: «برخیز و غسل کن». پیامبر(ص) می‌فرماید: «نیست بنده‌ای که گناهی کند - هر اندازه که باشد - سپس پشیمان شود و توبه کند؛ مگر این که خداوند به عفو و

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۷۸.

آمرزش به او رجوع می فرماید. سپس [به آن شخص که می خواست توبه کند] فرمود: برخیز و غسل کن و برای خدا سجده نما»^۱.

۳- خواندن دو یا چهار رکعت نماز؛ امام صادق(ع) می فرماید: «هر بنده ای که گناهی کرد، پس برخیزد و تحصیل طهارت کند (وضو بگیرد) و دو رکعت نماز بخواند و از خداوند طلب آمرزش نماید، بر خدا است که توبه اش را بپذیرد»^۲.

۴- استغفار و خواندن دعاها توبه ای که از ائمه اطهار(ع) وارد شده است؛ خصوصاً دعاها صحیفه سجادیه (به خصوص دعای ۳۱) و نیز مناجات خمسۀ عشر (به خصوص مناجات اول) و... باید هنگام خواندن دعا، معانی آنها را متذکر باشد و سعی کند که حالش با گفتارش یکی باشد.

۵- تکرار توبه و استغفار؛ حضرت صادق(ع) می فرماید: «هرگاه بنده ای زیاد آمرزش جوید، نامه عملش بالا می رود؛ درحالی که می درخشد»^۳.

۶- اختیار کردن وقت سحر برای استغفار (هر چند در هر وقتی که حالت توبه و دعا باشد، استغفار در آن وقت مطلوب و نافع است)؛ لکن سحر اثر خاصی در پاک شدن از گناهان دارد و خداوند در چند جای قرآن مجید، به آن امر فرموده و استغفار کنندگان در سحر را مورد

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۷۹.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲.

۳. الکافی، کتاب دعا.

ثنای خود قرار داده است و آن را از صفات اهل تقوا و بهشتیان می‌شمارد: «و ایهستغفرین بالاسحار»^۱.

۸۰- در روزهای جمعه، باید نماز جمعه بخوانیم یا نماز ظهر؟

در زمان ما که عصر غیبت است، در روز جمعه، نماز جمعه نماز ظهر به طور تخییر واجب است، یعنی می‌توانیم که یکی از این دو نماز را به جای آوریم ولی خواندن نماز جمعه، افضل و است. بنابراین کسی که نماز جمعه بخواند، نماز ظهر از او ساقط می‌شود؛ لکن احتیاط مستحب آن است که پس از نماز جمعه، نماز ظهر را به جای آورد. البته با توجه به شرایط اجتماعی زمان حاضر، حضور در نمازهای جمعه، دارای رجحان و فضیلت فراوان است.

۸۱- آیا لاک روی ناخن‌ها، اشکالی به نماز می‌رساند؟

بودن لاک روی ناخن‌ها برای نماز اشکالی ندارد؛ ولی هنگام وضو و غسل باید برطرف شود؛ چون جرم دارد و مانع رسیدن آب به پوست یا ناخن می‌شود. از این رو اگر کسی بعد از وضو، لاک بزند؛ نماز خواندن با آن اشکال ندارد. ولی اگر با وجود لاک وضو بگیرد، وضویش باطل است و نماز نیز با چنین وضویی، باطل است.

۱. سورة آل عمران، آیه ۱۷.

۸۲ - آیا نماز خواندن با مانتو درست است؟

در نماز باید تمام بدن به جز قرص صورت و دست‌ها و پاها تا میچ پوشانده شود. حال اگر با مانتو به طور کامل خود را بپوشاند، اشکالی ندارد.

۸۳ - اگر مرجع تقلید را در امور دینی بپذیریم؛ ولی از نظر سیاسی قبول نداشته باشیم، حکم چیست؟

مسائل سیاسی بر دو بخش است:

الف - مواردی که جنبه فقهی دارد که در این صورت مقلد بایستی در این مسائل نیز تقلید کند. برای مثال اگر مرجع بگوید: شرکت در انتخابات واجب است، در این صورت پیروی لازم است.

ب - مواردی که جنبه فقهی و تکلیفی ندارد. (مثلاً ممکن است مرجع تقلید گرایشی به یکی از جناح‌های سیاسی داشته باشد) در این صورت تبعیت لازم نیست. نکته قابل توجه در اینجا این است که: اگر مجتهدی در فقه اعلم است و مجتهد دیگر در مسائل سیاسی، بنابر مبنای تبعیض در تقلید، می‌توان از هر کدام در موضوع خود تقلید کرد.

۸۴ - در محلهایی که مصادره شده و در اختیار افراد یا ادارات گذاشته شده، نماز چه صورتی دارد؟ آیا نماز خواندن در این مکانها صحیح است؟
اگر طبق دستور حاکم شرع جامع شرایط و مطابق با ضوابط شرعی، مصادره شده باشد، اشکال ندارد؛ در غیر این صورت محل اشکال است و باید رضایت مالک جلب شود.

۸۵ - آیا با شنیدن نام پیامبر(ص) در نماز باید صلوات بفرستیم؟

این کار مستحب است و واجب نیست.

۸۶ - بیدار کردن بچه‌ها برای نماز چه حکمی دارد؟ آیا پدر و مادر وظیفه‌ای دارند؟

بیدار کردن دیگران برای نماز (مثل همسر)، واجب نیست؛ ولی بیدار کردن فرزندان برای عادت دادن آنان به نماز، جایز؛ بلکه در مواردی لازم است.

۸۷ - چرا باید تقلید کنیم؟ چرا باید هر فرد یک مرجع تقلید داشته باشد؟

قرآن کریم پیروان خود را دعوت به علم و پیروی از عقل می‌کند و از تقلید کورکورانه و پیروی از نادانان و کسانی که بدون علم و آگاهی سخن می‌گویند، نهی می‌کند.

الف - در بعضی از آیات، اهل بصیرت و خرد را با کوته فکران قابل مقایسه نمی داند:

۱ - «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ لَا تَتَفَكَّرُونَ»^۱؛ «بگو: آیا نابینا و بینا یکسان است؟ آیا تفکر نمی کنید».

۲ - «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ»^۲؛ «بگو: آیا نابینا و بینا یکسانند؟ یا تاریکیها و روشنایی برابرند؟».

۳ - «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ»^۳؛ «و نابینا و بینا یکسان نیستند».

۴ - «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۴؛ «بگو: آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟».

ب - در آیاتی دیگر از تقلید کورکورانه به شدت نهی می کند:

۱ - «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِيَّاكُمْ أَنْزَلَ اللَّهُ مَا نَزَّلَ اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ الرُّسُولَ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ»^۵؛ «و چون به آنان گفته شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر [ش] بیایید، می گویند: آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی دانسته و هدایت نیافته بودند؟».

۲ - «وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا»^۶؛ «و بیشترشان جز از گمان پیروی نمی کنند [ولی] گمان به هیچ وجه [آدمی

۱. سوره انعام، آیه ۵۰.	۲. سوره رعد، آیه ۱۶.
۳. سوره فاطر، آیه ۱۹.	۴. سوره زمر، آیه ۹.
۵. سوره مائده، آیه ۱۰۴.	۶. سوره یونس، آیه ۳۶.

را] از حقیقت بی‌نیاز نمی‌گرداند».

۳ - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»^۱؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره‌ای از گمانها گناه است».

ج - قرآن از افراد کم دانش دعوت می‌کند که از اهل علم و دانایان و متخصصان سؤال کنند:

۱ - «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۲؛ «اگر نمی‌دانید از پژوهندگان کتابهای آسمانی پرسید».

۲ - «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»^۳؛ «به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان».

در این آیات، به شدت از جهالت و نادانی و تقلید کورکورانه مذمت شده است؛ اما در عین حال از دانایی، خرد ورزی و بصیرت ستایش شده و از افراد کم اطلاع و غیر کارشناس خواسته شده که به دانایان و متخصصان رجوع کنند.

از نظر عقلی نیز تقلید و مراجعه به اهل دانش مستدل و ثابت شده است؛ به این صورت که:

۱. سوره حجرات، آیه ۱۲. ۲. سوره انبیا، آیه ۷. ۳. سوره زمر، آیه ۱۸.

۱- انسان موجودی اجتماعی است.

۲- او در زندگی اجتماعی خود نیازهای فراوانی دارد.

۳- عمر انسان کوتاه و محدود است.

اگر انسان، بتواند نیازمندی‌هایش را خود برطرف سازد، باید چنین کند؛ ولی با توجه به فراوانی نیازها و محدودیت عمر، انسان‌ها باید تقسیم کار کنند و هر کسی در کاری متخصص شود و نیاز دیگران را مرتفع سازد. در سایر نیازمندی‌های خود نیز به دیگران مراجعه کند تا چرخ‌های زندگی و اجتماع به گردش در آید. برای مثال اگر یک نفر بخواهد هم کشاورز باشد هم صنعتگر و هم پزشک و... این محال است؛ به خصوص در این دوران که سال‌ها وقت برای فراگیری علم و تخصص لازم است.

احکام اسلامی هم از این قاعده کلی مستثنا نیست. به دست آوردن احکام، از ادله اولیه مثل قرآن و احادیث، نیاز به صرف وقت و متخصص شدن دارد؛ یعنی، حداقل بیست تا سی سال وقت لازم است تا کسی بتواند در این رشته، خبره و متخصص شود. لذا خداوند هم فرمود: لازم نیست همه مؤمنان هجرت کنند؛ بلکه از هر دسته و شهر و دیاری یک نفر برود و احکام را فراگیرد و برگردد و برای قوم خود مسائل را بیان کند: «وَمَا كَانَ إِيَّاهُمُ يُنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِئَةٌ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ

يُحْذَرُونَ»^۱؛ «و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند؟».

تقلید در احکام شرعی، رجوع به متخصص و اهل خبره است؛ یعنی، برای آشنایی با احکام دین و حلال و حرام و واجب و مستحب و وظیفه داریم به متخصص آن (یعنی عالمی که عمری را در فهمیدن این احکام از قرآن و روایات صرف کرده) رجوع کنیم. این کار از نظر عقلا نه تنها تقلید کورکورانه نیست؛ بلکه بسیار مورد ستایش است. تقلید کورکورانه؛ یعنی، انسان بدون آگاهی و دلیل منطقی و عقلی، از راه و رسم فرد یا قومی پیروی کند؛ مثل بت پرستان که وقتی پیامبران به آنها می‌گفتند: «چرا در مقابل این مجسمه‌های چوبی و سنگی که هیچ نفعی ندارند و ضرری هم از شما برطرف نمی‌کنند سجده می‌کنید؟» می‌گفتند: ما می‌دیدیم پدرانمان این را انجام می‌دادند؛ ما نیز از آنها پیروی می‌کنیم!! این همان تقلید کورکورانه است که عقل و منطق آن را رد می‌کند. یا مثل برخی از غرب زدگان امروز که به مجرد این‌که یک اروپایی لباسی را پوشید و یا کاری را انجام داد، بدون فکر از آنها پیروی می‌کنند!!

۸۸ - چرا آرای مراجع تقلید در احکام دینی (مانند مسائل نماز) متفاوت است؟

اختلاف نظر بین متخصصان و کارشناسان هر فنی، امری طبیعی و رایج است؛ برای مثال چند پزشک متخصص و ماهر، در مورد یک بیماری مشخص و با علامت‌ها و آثار معین، نظرات متعدد و مختلفی ابراز می‌کنند. اجتهاد و استنباط در احکام شرعی نیز از این قاعده مستثنا نیست و خبرگان و کارشناسان امور دینی (مجتهدان جامع شرایط)، بعد از رجوع به مدارک احکام قرآن، سنت، اجماع و عقل در بعضی از مسائل، استنباط‌ها و برداشت‌های مختلفی دارند و فتاوی گوناگونی می‌دهند. بدین سبب لازم است تقلید همیشه از فردی باشد که فتوای او از نظر شرعی، برای ما حجت باشد و آن مجتهد جامع شرایط و اعلم است که صلاحیت فتوا را دارد. با وجود فرد اعلم، نمی‌توان از کسی که از نظر علمی پایین‌تر است، تقلید کرد و در صورتی که همه مساوی باشند، باید به قول کسی عمل کرد که فتوای او به احتیاط نزدیک‌تر بوده و یقین کند که مخالف دستور دین عمل نکرده است.

۸۹ - چرا یکی از ویژگی‌های مراجع تقلید، مرد بودن است؟ آیا زن

نمی‌تواند مرجع تقلید باشد؟ آیا این تبعیض بین زن و مرد نیست؟

زن می‌تواند مجتهد شود و به فتوای خود عمل کند؛ ولی این‌که دیگران از او تقلید کنند، بنابر مشهور جایز نیست.

دلایل این امر عبارت است از:

۱ - مرجع تقلید بودن، مستلزم ارتباطات بسیاری است که زن، نمی‌تواند به دلیل محدودیت‌های مختلف، آن را انجام دهد. برای مثال تصور کنید که روزی ده‌ها نفر می‌خواهند از او، مسأله پرسند (از مرد و زن) و در ده‌ها مجلس و محفل حضور یابد.

۲ - زن به دلایل مختلف، دارای محدودیت‌های جسمی است؛ از قبیل: عادت ماهانه، بارداری، شیردهی، حضانت فرزند و... این عوامل، نوعاً بازدارنده زن از انجام وظایف یک مرجع دینی است.

۳ - مرجعیت تقلید، نوعی پیشوایی اجتماعی است که با توجه به فرهنگ اسلام، زنان از ایفای نقش فعال در این زمینه معذورند.

۹۰ - پیامبر اکرم به کدام روش (شیعه یا سنی) وضو می‌گرفت و در چند

نوبت نماز می‌خواند؟

الف - وضوی همه مسلمانان تا خلافت عثمان، صورت واحدی داشته و مانند وضوی کنونی شیعه بوده است. این مسأله با آیه قرآن

نیز تطبیق دارد که می‌فرماید: «وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ...»^۱؛ «و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید...». در این آیه خداوند به مسح سر و پاها امر فرموده است؛ در حالی که اهل تسنن پاها را می‌شویند. علت تغییر وضو این بود که عثمان در اواسط دوران خلافت خود، نسبت به چگونگی وضوی پیامبر(ص) تردید کرد. او وضوی پیامبر را به شکلی که اکنون در میان اهل سنت مرسوم است، اعلام نمود. این قضیه مورد مخالفت بسیاری از صحابه پیامبر(ص) واقع شد؛ لکن حکومت اموی بنا به اغراض سیاسی در نقاط مختلف اسلامی شیوه عثمان را تبلیغ کرد و جوی به وجود آورد که برخی از صحابه، جرأت مخالفت با روش دستگاه حاکم رانداشتند و در نتیجه این گونه وضو گرفتن رواج یافت.

ب - مسلماً خواندن نماز در پنج نوبت افضل است؛ ولی برخلاف دیدگاه اهل سنت این مسأله واجب نیست. سبب اختلاف در اوقات نمازها، اختلاف در طریق اخذ احکام است؛ زیرا مطابق روایاتی که از ائمه اهل بیت(ع) رسیده و نیز بر طبق اطلاق آیه شریفه «اقم الصلاة لدلوك الشمس افه غسق الليل»، وقت نماز ظهر و عصر، از اول ظهر شرعی تا غروب آفتاب است و در تمام این وقت، خواندن نماز ظهر و عصر پشت سر هم یا با فاصله جایز است. اما برای هر یک از ظهر و عصر، یک وقت فضیلت هست که خواندن نماز در آن زمان،

۱. سورة مائده، آیه ۶.

مستحب است. وقت فضیلت نماز ظهر، از اول ظهر است تا وقتی که سایه شاخص بعد از ظهر به اندازه دو هفتم خودش برسد و وقت فضیلت عصر، هنگامی است که سایه شاخص به اندازه خودش اضافه شود. اگر کسی در اول ظهر، نافله ظهر و نماز ظهر را بخواند، بهتر است بلافاصله نماز عصر و نافله آن را بخواند. گفتنی است بر اساس روایات، پیامبر(ص) به هر دو صورت نماز خوانده است.

۹۱- آیا در زمان پیامبر اکرم(ص) نیز مردم به مهر سجده می کردند؟

در این رابطه توجه به چند نکته بایسته است:

یکم - بنابر روایات شیعه و سنی، پیامبر(ص) بر خاک و ماسه کف مسجدالنبی سجده می کرد و در تابستان که بر اثر هوای عربستان، خاک و ماسه بسیار گرم و سوزان می شد بر حصیر سجده می نمود.

دوم - عبادات توقیفی است و در اجزا و شرایط آن، باید براساس قول و فعل شارع عمل کرد؛ چنان که خود پیامبر(ص) نیز می فرماید: «صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُوْا صَکُّهَا»؛ «آن سان که می بینید من نماز می خوانم، شما نیز نماز بخوانید». بنابراین از نظر فقهی بر غیر آنچه که پیامبر(ص) بر آن سجده کرده است، سجده جایز نیست.

سوم - اساس سجده بریدن از دنیا و متعلقات آن و خضوع و خشوع کامل در پیشگاه خداوند است و در روایت است که انسان به خوردنی ها و پوشیدنی های خود تعلق بسیار دارد. پس بر این گونه

امور سجده روا نیست و پیشانی برخاک ساییدن، بیشترین کرنش و تواضع و دوری جستن از امیال و تعلقات را در پی دارد.

چهارم - مهر نزد شیعه موضوعیت ندارد؛ بلکه ملاک همان سجده بر خاک است و مهر وسیله‌ای است که سجده بر خاک را در هر جا و هر مکان سهل و آسان می‌سازد.

پنجم - عالمان برجسته و عارفان اهل سنت نیز سجده بر خاک را مورد تأکید قرار داده‌اند؛ هم‌چنان که محمد غزالی در کتاب احیاء العلوم بر این مسأله انگشت نهاده است. بنابراین مخالفت برخی از اهل سنت با این مسأله، از روی ناآگاهی و تعصبات جاهلانه است و از نظر منابع فقهی و عالمان برجسته آنان نیز سجده بر خاک افضل است و اگر اشکالی هست، در این است که چرا برخلاف سنت پیامبر(ص)، اهل سنت بر هر چیزی حتی فرش و موکت و... سجده می‌کنند.

۹۲- نماز خواندن در مسجد چه فضیلتی دارد؟

الف - نماز در مسجد مخصوصاً به جماعت ثواب بسیار زیادی دارد. در روایات تأکید فراوان شده که نماز را در مسجد بخوانید.

ب - در فرهنگ اسلام از مسجد به عنوان «بیت‌الله» یاد شده است.^۱ راز این نام‌گذاری آن است که مردم در این مکان، به سوی

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸.

معبود تقرّب جویند و با عبادت خالصانه، به سوی او ره بسپارند. همان‌گونه که انسان برای یافتن کسی، می‌کوشد او را در خانه اش بیابد؛ برای رسیدن به محضر خدا نیز باید به مسجد که خانه او است شتافت. از همین رو قرآن کریم، کعبه را خانه‌ای برای مردم به شمار آورده، می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ^۱؛ «در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم، نهاده شده، همان است که در مکه است» و «أَنْ أَيْسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا^۲؛ «و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مخوانید».

مفسران درباره کلمه «مساجد» در آیه شریفه، چهار معنا ذکر کرده‌اند. در یکی از معانی، مراد از آن، مکان عبادت و پرستش‌گاه مسلمانان دانسته شده است. امام ششم (ع) خطاب به یاران خود فرموده است: «ملعون ملعون من لم یوقر ایسجد»؛ «ملعون است، ملعون است کسی که مسجد را بزرگ نشمارد».

ج - قرآن حق مسجد را بزرگ دانسته، می‌فرماید: «مساجد از آن خداوند است، پس در آن کسی را جز او عبادت نکنید». امام صادق (ع) می‌فرماید: «مساجد نسبت به آن دسته از همسایگان خود که در آن حاضر نمی‌شوند، به خدا شکایت کردند، حضرت حق فرمود: به عزت و جلالم قسم! یک رکعت نماز را هم از آنان قبول نخواهم کرد و در میان آنان، عدالتی را از آنها آشکار نمی‌سازم.

۲. سوره جن، آیه ۱۸.

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۶.

رحمت من شامل آنان نمی شود و در بهشت همسایه من نیستند». آیات و احادیث در این زمینه فراوان است که وظیفه سنگین مسلمانان را در قبال مساجد و پرستش گاهشان گوشزد می کند و از بی اعتنائی به مساجد، شدیداً بر حذر می دارد.^۱

۹۳- آیا شهادت به ولایت جزء اذان است؟ آیا پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) شهادت به رسالت و ولایت را در اذان و اقامه می گفتند؟

جمله «اشهد ان محمداً رسول الله» از اول جزء اذان بوده و در آن زمان هم می گفتند. این مسأله دلیل و شواهد زیادی در تاریخ و احادیث دارد و همه مسلمین بر آن اتفاق نظر دارند. اما جمله «اشهد ان علیاً و الله» چنان که در رساله توضیح المسائل همه مراجع آمده جزء اذان و اقامه نماز نیست. بالطبع در زمان پیامبر هنوز ولایت و امامت حضرت علی(ع) به صورت رسمی مطرح نبوده که این جمله گفته شود. البته ما به دلیل اهمیت ولایت امیر مؤمنان(ع)، این جمله را به عنوان یک ذکر مطلوب پیش خداوند، در اذان می گوئیم تا امامت هم به عنوان ادامه راه نبوت، همواره در جامعه مطرح باشد.

گفتنی است پیامبر(ص) نیز در نماز و یا در اذان شهادت به «رسالت» داده و صلوات نیز می فرستادند؛ ولی شأن آن حضرت در ادای این صلوات، شأن یک فرد مومن به خدا و رسالت محمد(ص)

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: سیمای مسجد.

بوده است؛ از این رو هیچ ایرادی ندارد که بر خودش نیز صلوات بفرستد. چنین کاری برای ما روا نیست؛ ولی ما نیز در نماز بر خودمان سلام می دهیم و می گوییم: «السلام علينا و عكم عباد الله الصالحين». در روایتی آمده است: پس از حجة الوداع، سلمان و ابوذر در اذان به ولایت علی (ع) نیز شهادت داده و پیامبر (ص) آنها را تشویق کرد^۱. بر اساس این روایت، عده ای از مسلمانان در زمان پیامبر (ص) به ولایت حضرت علی (ع) شهادت داده اند.

۹۴- چرا پیامبر (ص) در نماز بر خودش صلوات می فرستد؟

در رابطه با این سؤال به چند نکته اشاره می شود:

الف - پیامبر (ص) موظف بود نماز را همان گونه که خداوند امر فرموده است، به جای آورد. و یکی از اعمال و اذکار نماز نیز «سلام» است که پیامبر (ص) مثل سایر مسلمانان، عمل می کرد. بر این اساس پیامبر (ص) و دیگر مردم در احکام الهی مساوی اند.

ب - قرآن مجید نیز می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَمَّا النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^۲؛ «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید».

۱. الشهادة الثالثة المقدسة، عبدالحلیم الغزی، ص ۳۲۳.

۲. سورة احزاب، آیه ۵۶.

پیامبر(ص) خود در رأس مؤمنان و اولین ایمان آورندگان است و از دیگران اولتر است که بر خود به عنوان پیامبر خدا سلام و درود بفرستد. قرآن مجید می‌فرماید: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ...»^۱؛ «پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است». از آنجایی که رسول اکرم(ص) خود مؤمن است و آیه قبله شامل خود آن حضرت نیز می‌شود که به مؤمنان دستور می‌دهد به پیامبر صلوات بفرستند بنابراین موظف به فرستادن صلوات و درود بر خود بود.

ج - پیامبر(ص) یک شخصیت حقیقی مانند دیگر مردم دارد و یک شخصیت حقوقی به عنوان فرستاده خدا و در این موارد جهات و حیثیات متفاوت است؛ یعنی، مقام رسالت و شخصیت حقوقی پیامبر(ص) را همه باید پاس داشته و احترام بگذارند. این مسأله از چنان اهمیتی برخوردار است که شخصیت حقیقی پیامبر(ص) نیز از این وظیفه مستثناء نیست.

۹۵- آیا جوهر خودکار یا کرم مانع وضو هستند؟

اگر جرم داشته باشد، مانع رسیدن آب به اعضای وضو است و در این صورت وضو صحیح نیست.

۱. سوره بقره، آیه ۲۸۵.

۹۶- در چه مواقعی شکستن نماز جایز است؟

در چند مورد شکستن نماز جایز است:

- ۱- برای جلوگیری از ضرر جانی یا ضرر مالی؛
- ۲- برای گفتن اذان و اقامه اگر قبل از رکوع رکعت اول بفهمد که اذان و اقامه را فراموش کرده است؛
- ۳- چنانچه طلبکار در وسط نماز طلب خود را مطالبه کند و وقت نماز وسعت دارد و پرداختن طلب او بدون شکستن نماز ممکن نیست، باید نماز را بشکند و طلب او را بدهد؛
- ۴- برخی نیز گفته‌اند: اگر در بین نماز مسجد نجس شد، یا فهمید مسجد از قبل نجس بوده؛ اگر وقت نماز باقی است باید نماز را بشکند و مسجد را تطهیر کند و دوباره نماز را بخواند.

۹۷- به نظر من مسائلی که در احکام نماز آورده شده، بسیار سخت است و بعضی از آنها واقعاً لازم نیست! به عنوان مثال تلفظ صحیح کلمات لزومی ندارد، وقتی انسان با حضور قلب با خدای خود صحبت می‌کند، چه نیازی به تلفظ کلمات است؟

قرائت صحیح، شرط صحّت نماز است. اگر قرائت غلط باشد، معانی کلمات عوض می‌شود و ملاک هم در همه جا، کلماتی است که تلفظ می‌شود.

گاهی کلمات با تغییر یک حرکت یا یک حرف، معنای متضادی

پیدا می‌کند. برای مثال «صمد» با «صاد» و «سمد» با «سین» دو معنای متفاوت دارند. و بسیاری از کلمات دیگر نیز همین‌طور هستند. حضور قلب جزء شرایط کمال نماز است و هرچه حضور قلب بیشتر باشد، کمال نماز بیشتر است. حال اگر حضور قلب باشد؛ ولی نماز باطل باشد (مثلاً وضو نداشته باشد یا کلمات را عمداً غلط بخواند)، هیچ اثری بر این نماز مترتب نمی‌شود.

پس موضوع آن قدر که شما نوشته اید، سخت نیست! تمامی اذکار واجب نماز، بیشتر از یک برگ کاغذ فضا نمی‌خواهد. در عصری که مردم سعی می‌کنند، غیر از زبان مادری، زبان دوم و سوم فرا بگیرند؛ یادگیری صحیح چند آیه و ذکر کار سختی نیست! بلکه هر فرد بی سواد و یا کم سواد با اندکی تمرین، می‌تواند آنها را به درستی فرا بگیرد. اما سؤال این است که: چرا باید صحیح خواند؟

در پاسخ توجه به چند نکته بایسته است:

یکم- اصل عقلایی در خواندن هر متنی، صحیح خواندن آن است؛ به ویژه اگر در برابر مقام بلند پایه ای باشد.
دوم- صحیح خواندن، نشانه تمرکز و توجه بیشتر فرد است؛ البته نه در حد وسواس یا ادا کردن الفاظ به گونه ای که فرد از حالت طبیعی و متعارف خارج شود.

سوم- اگر بنا باشد هر کس، هر جور می‌خواهد بخواند، کم کم اثری از نماز و اذکار آن باقی نخواهد ماند؛ بلکه هر کس با سلیقه خود

در آن دستکاری کرده و چه بسا حقیقت نماز و اذکار آن را از بین ببرند. چهارم- ظاهر و باطن در یکدیگر تاثیر دارند؛ اگر ماده غذایی خوب و سرشار از ویتامین ها وجود داشته باشد؛ ولی ظاهر خوبی نداشته باشد، طبع انسان به آن غذا تمایل پیدا نمی کند. در طبیعت، هم زیبایی های ظاهری وجود دارد و هم محتوای غنی؛ مثلاً میوه ها هم ظاهری زیبا و جذاب دارند و هم از نظر خواص کاملاً غنی و مناسب هستند. نماز نیز بایستی ظاهر منظم و صحیح داشته باشد و علاوه بر آن دارای محتوای معنوی، حضور قلب و دیگر شرایط باشد. بنابراین صحیح خواندن، هم آسان است و هم حکمت های خاص خود دارد.

۹۸- خواندن دعاهای هنگام وضو برای چیست و چه فایده ای دارد؟

الف - مستحب است، انسان موقع آب ریختن به دست، بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».

موقع شستن صورت بگوید: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ وَ لَا تُسَوِّدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوُجُوهُ».

موقع شستن دست راست بگوید: «اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابَ تَحِيَّاتِ بَيْمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَّةِ بَيْسَارِي وَ حَاسِنِي حِسَاباً يَسْخاً».

هنگام شستن دست چپ بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابَ بَيْسَارِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِيَّاهُ عُنْهُ وَ أَعُوذُ بِكَ رَتْخٍ مِنْ مَقَطَّاتِ النَّحْلَانِ».

و موقع مسح سر بگوید: «اللَّهُمَّ غَشِّبْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ». وقت مسح پاها بگوید: «اللَّهُمَّ تَبَيَّنْ عَنَّا الصِّرَاطَ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِيْمَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ».

ب - امام راحل در این باره می نویسد: از اموری که باید هنگام وضو مراعات شود، مسأله دعاها و اذکار است و می بایست انسان در جمیع احوال و افعال، به اذکار و دعاهایی که از طرف شارع رسیده و مناسب با حال و عمل است، متأدب باشد؛ زیرا این ادعیه، مایه حفظ و برکت و یادآور امور اخروی است که می توان در این زمینه از ادعیه ای که سید بن طاووس (ره) برای بعضی از اعمال و احوال بیان داشته، نام برد^۱.

همچنین می فرماید: در کتاب مصباح الشریعه، از امام صادق (ع) روایت شده است: هرگاه خواستی وضو بگیری، پس به سوی آب رو که خدا تو را به رحمت خود مقدم بدارد؛ زیرا ذات اقدس حق، آب را کلید قرب و مناجات با خودش و دلیل و راهنمای بساط خدمت خود قرار داده است و نیز رحمت او، گناه بندگان را پاک می سازد. همچنین نجاسات ظاهری را هم آب پاک می کند و همچنین که ذات اقدس حق، هر چیزی از نعمت های دنیایی را با آب زنده گردانیده؛ همان گونه هم به فضل و رحمت خود حیات و زندگی دل ها را به طاعات قرار داده

۱. اسرار الصلاة، ص ۵۳، فصل پنجم در آداب دعا.

است: «وَجَعَلْنَا مِنْ أَهْلِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ»^۱؛ «و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا [باز هم] ایمان نمی‌آورند؟». پس رعایت آداب و مستحبات مقدمات نماز باعث حضور قلب و توجه به حق و خضوع می‌شود.^۲

علاوه بر این که توجه به مضامین این دعاها هنگام وضو، تلقینی مثبت و سازنده در روان فرد ایجاد می‌کند و او را متوجه مسئولیت هر عضو و سرنوشتی که در قیامت در انتظار او است، می‌گرداند. فهرست عناوینی که این دعاها به انسان یادآور می‌شود، عبارت است از:

- ۱- توبه
- ۲- طهارت و پاکی
- ۳- سفید رویی و سیاه رویی قیامت (حسن عاقبت و سوء عاقبت)
- ۴- آتش دوزخ و صحنه‌های قیامت
- ۵- رحمت و برکات خداوند
- ۶- پل صراط و ثبات بر آن
- ۷- رضایت خداوند

۲. اسرار الصلاة، ص ۵۲.

۱. سورة انبیاء، آیه ۳۰.

۹۹- در نماز می‌دانیم که با خدا حرف می‌زنیم؛ ولی با کلمات تکراری، آیا نمی‌شود به جای آن با تمرکز و زبان مادری با خدا حرف زد؟

الف - خواندن نماز به عربی یکی از نشانه‌های جهانی بودن دین اسلام است؛ زیرا جمعیتی که در یک صف قرار می‌گیرند و در جبهه واحدی فعالیت می‌کنند، ناگزیرند زبان واحدی داشته باشند که به وسیله آن تفاهم کنند؛ یعنی، علاوه بر زبان مادری و محلی، یک «زبان عمومی و جهانی» هم داشته باشند. امروز عده‌ای از متفکران معتقدند: تا دنیا به صورت یک کشور در نیاید، مردم جهان روی سعادت نخواهند دید. برای این‌که این موضوع محقق شود، برنامه‌هایی ارائه کرده‌اند که یکی از آنها به وجود آمدن یک زبان بین المللی جهانی است. پس خواندن نماز به یک زبان رمز وحدت و نشانه یگانگی است.

ب - خواندن نماز به یک صورت معین، آن را از دستبرد تحریف و آمیخته شدن به خرافات و مطالب بی اساس که بر اثر مداخله افراد غیر وارد هنگام ترجمه آن به زبان‌های دیگر رخ می‌دهد مصون می‌دارد و به این وسیله روح این عبادت اسلامی محفوظ تر می‌ماند. منتها بر هر مسلمانی لازم است به قدر توانایی، با زبان دینی خود آشنا باشد و بداند با خدای خود چه می‌گوید. اتفاقاً یادگرفتن ترجمه نماز که در یک صفحه کتاب خلاصه می‌شود به قدری ساده و آسان است که ممکن است آن را در یک ساعت (برای تمام عمر) یاد بگیرد.

ج - مسأله توحید و یگانگی در تمام اصول و فروع اسلام، یک زیربنای اساسی محسوب می‌گردد و نماز به سوی قبله واحد و در اوقات معین و به یک زبان مشخص، نمونه‌ای از این یکتاپرستی و یکرنگی است. اگر به هنگام مراسم حج در مکه باشیم و نماز جماعتی را که صدها هزار مسلمان از نژادها و ملیت‌های مختلف از سراسر جهان در آن شرکت می‌جویند و همه با هم می‌گویند «الله اکبر» مشاهده کنیم؛ آن گاه به عظمت و عمق این دستور آشنایی شویم. حال اگر هر یک از آنان این جمله روح پرور یا سایر اذکار نماز را با زبان محلی خود می‌گفت، چه هرج و مرج زشتی در آن روی می‌داد.

د - عربی بودن نماز خود وسیله ارتباط و آشنایی هر چه بیشتر با این زبان و در نتیجه پیوند عمیق تر نمازگزاران با متون اصلی دین (مانند قرآن مجید) است. علاوه بر این که هیچ زبانی به غیر از عربی وجود ندارد که بتواند به سادگی معارف بزرگ و ارزشمند قرآن را ارائه کند. به طوری که با ترجمه‌های قرآن به بیش از صد زبان و با تلاش‌های هزاران مترجم تاکنون، حتی آیه «بسم الله الرحمن الرحیم» دقیقاً به هیچ زبانی ترجمه نشده و هیچ معادل دقیقی برای «الرحمن» و «الرحیم» یافت نشده است.

در هر حال شما علاوه بر این واجب دینی و برنامه رسمی (نماز)، می‌توانید در هر حال و با هر زبانی با خداوند مناجات و گفت و گو کنید و عاشقانه و مشتاقانه، با محبوب خود راز و نیاز نمایید.

۱۰۰- اگر کسی نمازش را در کودکی به اجبار پدر و مادر انجام داده باشد،

حکمش چیست؟ آیا آن عبادات صحیح است، یا باید آنها را قضا کند؟

خواندن نماز در کودکی (تا سن پانزده سالگی برای مردان و نه سالگی برای خانم‌ها) واجب نیست و ترک یا اجباری خواندن آن، قضا ندارد. از این رو اگر کسی در کودکی نماز و عبادتی را با تشویق یا اجبار پدر و مادر انجام داده باشد، ثواب برده و نیازی به جبران ندارد.

۱۰۱- آیا فرزندان در قصد وطن تابع پدر و مادر هستند؟

فرزند تا وقتی که مستقل نشده و تحت کفالت پدر یا مادر خود زندگی می‌کند، در وطن هم تابع آنها است؛ یعنی، تابع سرپرست خودش است؛ بنابراین باید به حکم آنها عمل کند. به عبارت دیگر در جایی که سرپرست خانواده، مسافر حساب می‌شود، فرزند هم حکم مسافر دارد و در جایی که سرپرست حکم مسافر ندارد، او نیز مسافر نیست و باید نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد.

۱۰۲- چرا اذان شیعیان در محتوا و زمان با اهل تسنن فرق دارد؟

علّت وجود اختلاف بین شیعه و سنی در نماز و اذان و سایر احکام، روایات مختلفی است که در این موارد وجود دارد. نزد شیعه تنها طریق معتبر برای دسترسی به احکام خدا و سنت نبوی، اهل بیت پیامبر (ص) هستند؛ ولی اهل سنت احکام دین را از راه قیاس و

استحسان و روایاتی که دیگران نقل کرده‌اند، به دست می‌آورند. کیفیت اذان و اقامه که از ائمه (ع) نقل شده به همین ترتیب است که بعد از ذکر «حی عکه الفلاح»، دو مرتبه «حی عکه خیم العمل» گفته می‌شود و در اذان بعد از «اللّٰهُ اکبَر» دو مرتبه نیز «لا اله الاّ اللّٰهُ» و در ابتدای اقامه «اللّٰهُ اکبَر» دو بار و بعد از «اللّٰهُ اکبَر» آخر نماز «لا اله الاّ اللّٰهُ» یک مرتبه گفته می‌شود. بر اساس روایاتی چند، حذف ذکر «حی عکه خیم العمل» به دستور عمر انجام گرفته است.

سبب اختلاف در اوقات نمازها، نیز اختلاف در طریق اخذ احکام است؛ زیرا مطابق روایاتی که از ائمه معصوم (ع) رسیده و نیز بر طبق اطلاق آیه شریفه: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِفِ غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً»^۱؛ «نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپادار، و [نیز] نماز صبح را، زیرا نماز صبح همواره [مقرون با] حضور [فرشتگان] است» وقت نماز ظهر و عصر، از اول ظهر شرعی تا غروب آفتاب است. در تمام این وقت، خواندن نماز ظهر و عصر پشت سر هم یا با فاصله، جایز است؛ ولی برای هر یک از ظهر و عصر، یک وقت فضیلت است که خواندن نماز در آن اوقات مستحب است. وقت فضیلت نماز ظهر از اوّل ظهر است تا وقتی که سایه شاخص، بعد از ظهر به اندازه دو هفتم خودش اضافه شود و فضیلت عصر هنگامی است که سایه شاخص به اندازه خودش اضافه شود و

۱. سورة اسراء، آیه ۷۸.

اگر کسی در اول ظهر نافله ظهر و نماز ظهر را بخواند، بهتر است بلافاصله نماز عصر و نافله آن را بخواند. پس تفاوت زیادی در مورد اوقات نماز وجود ندارد؛ فقط بر اساس فقه شیعه، جایز است که نمازها را در سه وقت خواند.

۱۰۳ - نماز آیات چیست و چگونه خوانده می‌شود؟

نماز آیات دو رکعت است که هر رکعت پنج رکوع دارد و به دو طریق خوانده می‌شود:

۱- بعد از نیت تکبیر بگویند و یک حمد و یک سوره تمام بخواند و به رکوع رود. سپس سر از رکوع بردارد و دوباره یک حمد و یک سوره بخواند. باز به رکوع رود تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد.

۲- بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد آیه‌های یک سوره را پنج قسمت کند و یک آیه یا بیشتر از آن را بخواند و به رکوع رود و سر بردارد و بدون این که حمد بخواند، قسمت دوم از همان سوره را بخواند و به رکوع رود و همین‌طور تا پیش از رکوع پنجم، سوره را تمام نماید و بعد از آن به رکوع پنجم رود و بعد از سر برداشتن دو سجده کند و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و بعد از تشهد سلام دهد.

نماز آیات به سبب چهار چیز واجب می شود:

۱- گرفتن خورشید

۲- گرفتن ماه

۳- زلزله

۴- رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ، در صورتی که بیشتر مردم

بترسند.

۱۰۴- اگر راهی برای شناخت قبله نباشد، چه باید کرد؟

اگر انسان در بیابان یا محلی است و هیچ وسیله‌ای برای شناخت قبله ندارد؛ چنانچه به طرفی گمان قبله داشته باشد باید به همان طرف نماز بخواند و اگر گمان ندارد، باید به چهار طرف نماز بخواند؛ چون در هر صورت یکی از چهار طرف جهت قبله است و باید توجه کند که هر نماز را چهار بار بخواند؛ مثلاً اگر نماز ظهر و عصر می خواند، باید اول نماز ظهر را به چهار طرف بخواند و سپس نماز عصر را به چهار طرف.

۱۰۵- شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند، کدام است؟

۱- شک در تعداد رکعات نماز صبح.

۲- شک در تعداد رکعات نماز مغرب.

۳- شک در تعداد رکعات، بین یک و بیشتر از یک.

۴- شک در تعداد رکعات، بین دو و بیشتر از آن قبل از تمام شدن دو سجده.

۵- نداند که چند رکعت خوانده است.

۱۰۶- سجده واجب قرآن در کدام است و چه ذکرى باید گفت؟

در چهار سوره از قرآن، سجده واجب وجود دارد که عبارت‌اند از: سجده (سوره ۳۲، آیه ۱۵)، فصلت (سوره ۴۱، آیه ۳۷)، نجم (سوره ۵۳، آیه ۶۲) و علق (سوره ۹۶، آیه ۱۹).

اگر کسی یکی از این آیات را خواند و یا شنید، باید فوراً به سجده رود و پیشانی را بر خاک یا چیزی که سجده بر آن صحیح است، بگذارد. گفتن ذکر مستحب است و هر ذکرى بگوید اشکال ندارد؛ ولی ذکر مخصوص عبارت است از: «لا اله الا الله حقاً حقاً لا اله الا الله ايماناً و تصديقاً سجدت لك يا رب عبوديتاً ورقاً لامستكبحاً و لامستكفأً بل انا عبدك الضعيف الذليل».

البته در بعضی از سوره‌های دیگر هم آیاتی است که مستحب است برای آنها سجده شود. گفتنی است از جمله چیزهایی که بر جنب وزن در حال عادت حرام است، خواندن این چهار سوره است. اما اگر سوره‌های دیگر را بدون این که دست روی خط آن بگذارد، تا هفت آیه بخواند اشکال ندارد و خواندن بیشتر از هفت آیه، کراهت دارد ولی حرام نیست.

البته کراهت در این مورد به معنای کمتر بودن فضیلت و ثواب، نسبت به حالت طهارت است.

۱۰۷- اگر مشخصات امام جماعت را ندانیم آیا نماز صحیح است یا خیر؟

امام جماعت باید دارای دو شرط باشد: ۱- عادل باشد، ۲- نماز را صحیح بخواند. بنابراین اگر می دانید که امام جماعت این دو شرط را دارد اقتدای به او اشکال ندارد، اگر چه اسم و مشخصات او را دقیقاً نمی دانید.

گفتنی است که نیت شما باید به این شکل باشد که: «اقتدا می کنم به پیشنماز حاضر قریةً اهل الله».

۱۰۸- چرا در نماز جماعت، حمد و سوره نمی خوانیم؟

این گونه مسائل را در اصطلاح امور تعبدی و امتحانی می گویند؛ یعنی، خداوند می خواهد با این دستورات میزان فرمانبرداری ما را نسبت به خودش معلوم کند تا روشن شود که کدام بنده اوامر او را بدون چون و چرا می پذیرد. از این رو در یک مورد می گویند نماز را آهسته بخوانید و در جای دیگر فرموده اند بلند بخوانید. در نماز جماعت هم می گویند: مأوم حمد و سوره را نخواند؛ بلکه مستحب است به جای آن ذکر بگوید. گذشته از این که نخواندن حمد و سوره در نماز جماعت هماهنگی بیشتری بین مأوم و امام در دو رکعت اول

نماز ایجاد می‌کند و این هماهنگی در رکعات بعدی نیز مراعات می‌شود و این موضوع با روح جماعت مرتبط است. شگفت آنکه مضامین سوره حمد نیز با جماعت مناسبت تمام دارد چنانکه گویی اساس سوره حمد بر این مبنا طراحی شده که یک نفر از جانب جمع آن را بخواند. نکته دیگر آنکه اگر بنا بود حمد و سوره را مأمومین بخوانند، سروصدای آنان در بین نمازها موجب اختلال در نظم جماعت و از بین رفتن تمرکز افراد می‌گشت.

۱۰۹- فرق نماز با یوگا چیست؟

نماز به هیچ وجه با یوگا قابل قیاس نیست؛ زیرا یوگا صرفاً نوعی ورزش همراه با تمرکز است و از آثار معنوی، فرهنگی و تربیتی و ارتباط با مبدأ هستی کاملاً تهی است؛ درحالی‌که نماز جامع‌ترین و کامل‌ترین راه پرواز از جهان ماده و پیوستن به معبود و معشوق حقیقی و کمال و جمال مطلق است.

هر یک از شرایط، اجزاء، اقوال و افعال نماز، دارای معانی و اسراری عظیم و در بردارنده اصول تربیتی و پیام آور فرهنگی خاص هستند که هیچ یک از آنها، در یوگا وجود ندارد. به نظر می‌رسد آنچه باعث این مقایسه نادرست شده چند چیز است:

۱- این‌که غالباً نمازهای ما حقیقی و با حضور قلب و آداب باطنی نیست، و چون به ژرفای نماز راه نیافته و نماز در سویدای دل ما رسوخ

نکرده است، با حرکات دیگری که با نگرش سطحی مشابه می نمایند یکسان انگاشته می شود!

۲- بی توجهی به اسرار و روح نماز و تعالیم و پیامدهای معنوی، تربیتی، روحانی، دنیوی و اخروی هر یک از اجزاء و شرایط آن، باعث پناه بردن به ارزش هایی چون یوگا می شود. باید بدانیم که یوگا تنها یک ورزش برای تقویت بعدی از ابعاد درونی انسان است و برای عبادات و نیایش و شکرگزاری آفریدگار نیست.

۱۱۰- اگر کسی به جهت این که امام جمعه را قبول ندارد، در نماز جمعه شرکت نکند، کار درستی کرده یا خیر؟

الف - نماز جمعه به فتوای بیشتر علما واجب تخییری است؛ یعنی، در روز جمعه هر شخص بین خواندن نماز جمعه یا نماز ظهر، مخیر است. البته عدم شرکت در نماز جمعه، بدون عذر روا نیست و خواندن آن، ثواب بسیاری دارد.

ب - یکی از شروط امام جمعه و جماعت عدالت است. اگر کسی امام جمعه یا جماعت را عادل نداند، نمی تواند به او اقتدا کند. اما اگر او را قبول ندارد (مثلاً به جهت سیاسی)، اقتدا به او اشکالی ندارد. بر این اساس بهتر است در نمازهای جمعه شرکت کند و به دلایل شخصی، از این عبادت پر ثواب بی بهره نماند.